

# نوعثمانی گری و وهابیسیم؛ همگرایی ترکیه و سعودی

گفتگو با مشاور وزارت خارجه آمریکا

پایان مصرف مزدوران نیابتی

افشاگری مقام سابق سیا

فهرست مطالب

ایران در جهان



۳

- ۴ نظم امنیتی خلیج فارس از منظر گری سیک و آرش ادیب مقدم.....
- ۶ گفتگو با «آلن بن میر» مشاور وزارت خارجه آمریکا.....
- ۹ اهمیت برنامه موشکی ایران.....
- ۱۰ گفتگو با «فرهنگ جهانپور» استاد دانشگاه آکسفورد.....

خاورمیانه و شمال آفریقا



۱۲

- ۱۴ گفتگو با «شیرین هانتر» استاد دانشگاه جورج تاون.....
- ۱۶ چرا آزادی شهرک های «نیل» و «الزهره» اهمیت دارد.....
- ۱۷ گفتگو با «راجح الموسوی» سفیر عراق.....
- ۱۹ گفتگو با «عبدالرضا فرجی راد» کارشناس مسائل خاورمیانه.....

اروپا



۲۰

- ۲۲ گفتگو با «لوغ اغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه.....
- ۲۴ تجزیه عراق و منطقه.....
- ۲۵ گسترش وحدت اروپایی با افزایش منطقه گرای دیجیتال.....
- ۲۶ گفتگو با «مارتین جی» استاد دانشگاه کالیفرنیا برکلی.....

آسیا



۳۲

- ۳۵ میز گرد تحولات شبه قاره.....
- ۳۶ گفتگو با «آرتور سایر» معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو.....
- ۳۷ دلارهای سعودی در جیب نخست وزیر مالزی برای سرکوب شیعیان.....

آمریک



۳۸

- ۴۱ افشاگری مقام سابق سیا.....
- ۴۱ پایان مصرف مزدوران نیابتی.....
- ۴۲ آمریکا به دنبال سوق دادن داعش از خاورمیانه به افغانستان است.....



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: مهدی پورحسینی

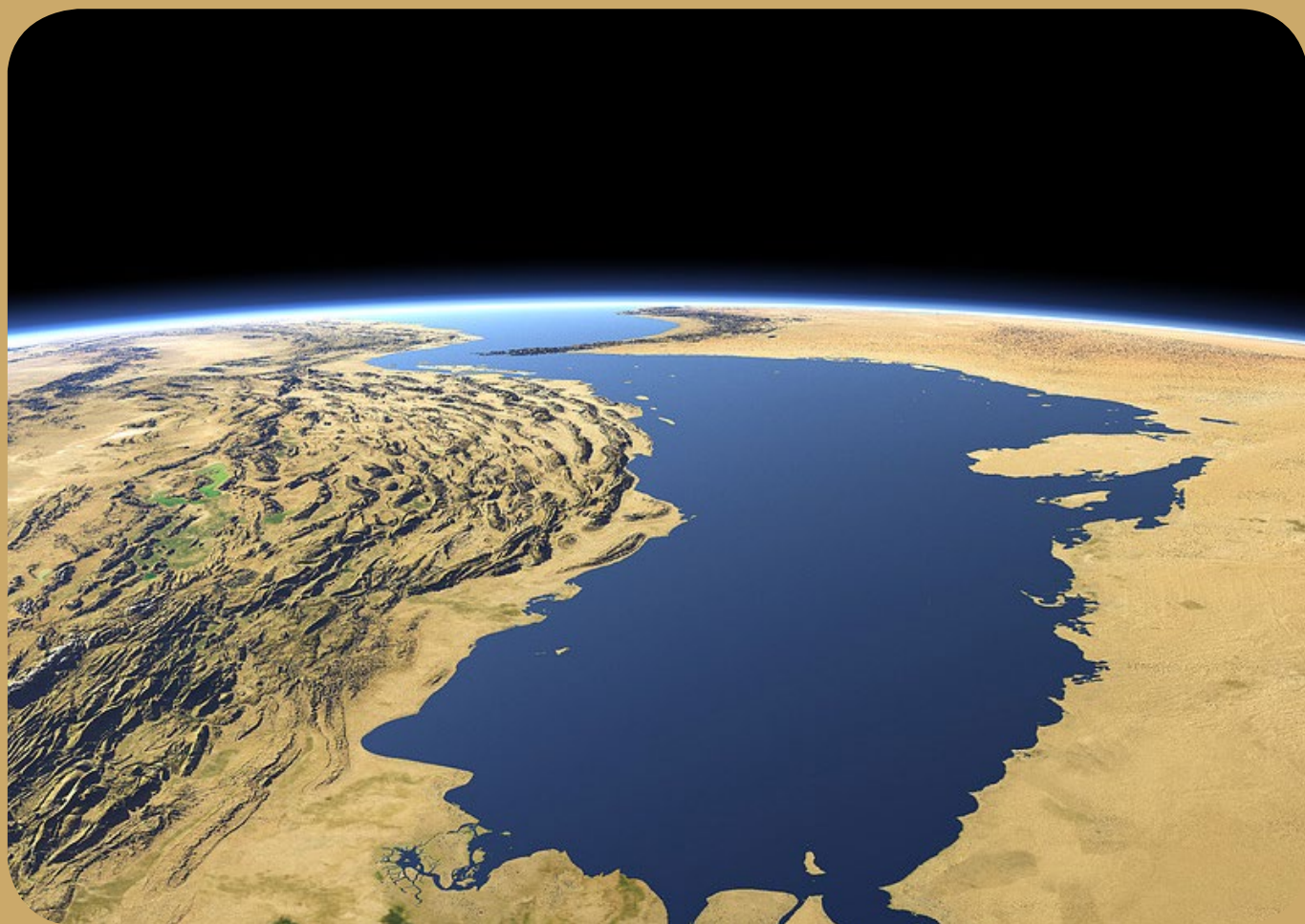
مدیر هنری: محبوبه عزیزی

شماره تماس: ۸۸۰۹۵۰۰

پست الکترونیک: [world@mehrnews.com](mailto:world@mehrnews.com)

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



# ایران در جهان

دبیر: پیمان یزدانی



## نظم امنیتی خلیج فارس از منظر گری سیک و آرشین ادیب مقدم



آراء و اندیشه های گری سیک مشاور امنیت ملی دولتهای کارتر و ریگان و آرشین ادیب مقدم استاد دانشگاه لندن در خصوص نظم امنیتی خلیج فارس در پژوهشکده مطالعات خاورمیانه نقد و بررسی شد.

نشست نقد و بررسی آراء و اندیشه های پروفیسور گری سیک و پروفیسور آرشین ادیب مقدم درباره نظم امنیتی خلیج فارس با حضور دکتر سید جواد صالحی مدیر گروه خلیج فارس پژوهشکده مطالعات خاورمیانه و حضور جمعی از اساتید و پژوهشگران این پژوهشکده برگزار شد.

در این نشست جواد حیران نیا پژوهشگر پژوهشکده مطالعات خاورمیانه به بررسی آراء و اندیشه های دکتر گری سیک و دکتر آرشین ادیب پرداخت و گفت: یکی از اندیشمندان که مطالعات جامعی در خصوص نظم امنیتی خلیج فارس انجام داده دکتر آرشین ادیب مقدم استاد دانشگاه لندن است.

وی افزود: تز دکترای ایشان در خصوص خلیج فارس بوده که در قالب کتابی با عنوان «سیاست بین المللی در خلیج فارس» به فارسی منتشر شده است. اهمیت این کتاب در این است که اولین اثری است که به پرداختن به سیاستهای بین المللی درباره خلیج فارس ایده ایجاد نظم امنیتی جدید پیشرفته ای را برای خلیج فارس بدون مداخله قدرتهای غربی مطرح کرده است.

وی تصریح کرد: ادیب مقدم معتقد است که ایده امنیت هژمونیک توسط یک قدرت چپه داخلی و چه خارجی با هدف کنترل و نظم بخشی به منطقه از زمان رقابت قدرتهای استعماری در منطقه مطرح بوده است و ایده مدرن تر «امنیت جمعی» و اختصاصی بین کشورهای مستقل منطقه، موضوعی جدید است که اخیراً در ادبیات کشورهای این منطقه ظهور یافته است.

حیران نیا تأکید کرد: به اعتقاد این استاد دانشگاه لندن در دهه ۱۹۷۰ میلادی منطقه خلیج فارس متأثر از فضای جنگ سرد و سیستم دو قطبی منطقه ای نیمه مستقل بود. بریتانیا یک امپراتوری فرتوت بود و آمریکا نیز به اتکای شرکای منطقه ای خود یعنی ایران و عربستان یک قدرت برتر منطقه بود. به این ترتیب آمریکا و متحدانش در برابر دولتهای عراق، مصر و سوریه که به دنبال جلب حمایت شوروی بودند اقدام می کردند. در دهه ۷۰ بر اساس دکترین نیکسون و ذیل سیاست دو ستونی کیسینجر، ایران و عربستان «پلیس» منطقه بودند.

وی افزود: ادیب مقدم معتقد است که انقلاب اسلامی ایران زمینه مداخلات خارجی در امور منطقه را فراهم آورد. همچنین جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق نقطه عطفی در نظم امنیتی منطقه خلیج فارس بود. در این جنگ اگرچه پیروزی نظامی برای آمریکا به دست آمد ولی از نظر استراتژی بلندمدت آمریکا باخت. بر همین اساس رویکرد هژمونیک آمریکا در منطقه را متوقف کرد و به نظر می رسد سیاستمداران آمریکایی فهمیده اند ایده نظام تک قطبی شکست خورده و ایده

اتلافها و همکاری با متحدان منطقه ای قدرتمند نتایج بهتری در مقایسه با سیاستهای یکجانبه دارد.

پژوهشگر پژوهشکده مطالعات خاورمیانه در ادامه گفت: به اعتقاد ادیب مقدم ایده اتحاد شیخ نشینهای کوچک خلیج فارس با آمریکا و قرار گرفتن ذیل چتر حمایتی آمریکا و موازنه قوا در برابر قدرتهای منطقه مثل عراق و ایران برای منافع ایران مهلک نیست و این ترکیب به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نوعی احساس امنیت می دهد که برای ارتقای اعتماد که اصلی ترین عنصر ارتقای دیپلماسی است لازم است.

وی افزود: البته ادیب مقدم چنین نظمی را در بلندمدت پایدار نمی داند و درصدد طراحی نظامی است که امنیت پایدار را برای «تمامی» کشورهای منطقه به دنبال داشته باشد. این نظم باید با اجماعی منطقه ای جنگ را نامشروع بخواند و برای تأمین امنیت اعضای خود به قدرتهای خارجی وابسته نباشد. چنین ساختاری نباید دارای ساختار ایدئولوژیک و قومیتی باشد. امنیت استراتژیک را نمی توان بدون دموکراسی تأمین کرد.

حیران نیا تصریح کرد: در یک جمع بندی کلی از نظم امنیتی مورد نظر ادیب مقدم باید گفت که به اعتقاد وی نظم امنیتی خلیج فارس باید از نظم کنونی به سوی یک نظم فراگیر در بلندمدت حرکت کند. بر این اساس وی ساختارهای کنونی از جمله توافقنامه های نظامی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس با قدرتها را در تضاد با منافع ایران نمی داند و معتقد است این امر برای اعتمادسازی که بستر دیپلماسی است لازم و ضروری است. به اعتقاد وی نظم کنونی چیزی نیست که در بلندمدت تضمین کننده امنیت و ثبات تمامی کشورهای منطقه باشد. بر این اساس یک معماری جدید از نظم منطقه ای مورد نیاز است که ابزارهای فرهنگی و اقتصادی می تواند آنرا ایجاد کند.

وی افزود: اهمیت رویکرد ادیب مقدم در این است که رویکردی ایده ایستی نیست بلکه مبتنی بر واقعیتهای کنونی منطقه است. اگرچه نظم پایدار مورد نظر ادیب مقدم تحقیقش سخت و دشوار است ولی ابزارهای که وی برای رسیدن به این نظم ارائه کرده به گونه ای عملی ترین و شدنی ترین ابزار موجود است یعنی رویکرد فرهنگی. وی یادآور شد: ادیب مقدم درصدد است از طریق نظم کنونی و با حرکتی تدریجی و با تأکید بر مبادلات فرهنگی و اقتصادی می توان به مرحله ای رسید که کشورهای منطقه برای برقراری امنیت احساس نیاز به قدرتهای فرامنطقه ای نداشته باشند و امنیت منطقه ای کاملاً موضوعی درونزا باشد.

حیران نیا در ادامه به بررسی رویکرد گری سیک به نظم امنیتی خلیج فارس پرداخت و گفت: در حوزه مسائل ایران و منطقه پروفیسور «گری سیک» فردی شناخته شده است. وی مشاور امنیت ملی دولتهای ریگان و کارتر بوده است. به اعتقاد گری سیک بعد از خروج بریتانیا از خلیج فارس بر خلاف انتظارات آمریکا وارد این منطقه نشد و تمایلی برای بر عهده گرفتن امنیت خلیج فارس نداشت. یک دلیل اصلی برای این امر این بود که آمریکا تازه از جنگ ویتنام خارج شده بود و تمایل ورود به یک منطقه دیگر را نداشت و اساساً توان آنرا نیز نداشت.

بزرگ و راهکار نظامی حائز اهمیت است. وی افزود: همچنین رویکرد گری سیک از آنجایی که تأکید بر امنیت درونزا دارد و حضور قدرتهای خارجی را نادرست می پندارد قابل توجه است. اما گری سیک این نکته را مورد توجه قرار نمی دهد که حضور آمریکا در منطقه برای «حل مشکلات» کشورهای منطقه نیست بلکه آمریکا از رهگذر این حضور منافع کوتاه مدت و بلندمدت خود و متحدانش را تأمین می کند.

حیران نیا در ادامه افزود: همچنین گری سیک به این موضوع اشاره نمی کند که یکی از دلایل شکل گیری گروههای افراطی و تروریستی در منطقه و تشدید فعالتهای آنها حضور آمریکا در منطقه است.

در این نشست کتاب «آیا خاورمیانه از دورن متلاشی خواهد شد» نوشته «محمد ایوب» استاد دانشگاه میشیگان توسط علی رضا محمدی پژوهشگر میهمان پژوهشکده مطالعات خاورمیانه مورد نقد و بررسی قرار گرفت. محمدی در ابتدا به بررسی محتویات کتاب پرداخت و گفت: ایوب معتقد است که تحولات خاورمیانه با سرعت بسیار عجیبی پیش می رود و شاهد دیالکتیک انقلاب و ضد انقلاب هستیم.

وی افزود: به اعتقاد ایوب انقلابهای عربی سنخهای گوناگونی دارند و در واقع شاهد انواع انقلاب عربی بوده ایم.

وی تصریح کرد: ایوب در کتاب خود ۵ چالش اساسی را به عنوان چالشهای اصلی منطقه برمی شمرد و معتقد است منطقه با این چالشها درگیر است.

وی افزود: چالش اولی که به اعتقاد ایوب منطقه با آن مواجه است نقش در حال گسترش اسلام سیاسی است. چالش دوم کشمکش فلسطین و اسرائیل است. چالش سوم موضوع هسته ای ایران است. البته باید توجه داشت که این کتاب قبل از توافق هسته ای ایران و گروه ۱+۵ نوشته شده است.

محمدی افزود: چالش چهارم به اعتقاد ایوب تشدید رقابت قدرتهای منطقه ای است و چالش پنجم نقش و منافع قدرتهای بزرگ و تبدیل درگیریهای منطقه ای به جهانی است.

وی افزود: به اعتقاد ایوب در نتیجه بهار عربی حکومتهای منطقه در حال تضعیف شدن هستند. ایوب در خصوص منازعه فلسطین و اسرائیل نیز معتقد است که به زودی انتفاضه سوم در فلسطین رخ می دهد که علل آن مواضع سرسختانه مقامات اسرائیل، جانبداری از تداوم ساخت و ساز و بین بست و شکست طرح دو دولت است.

وی یادآور شد: ایوب معتقد است تمام بحرانهای خاورمیانه به هم پیوسته است و به سمت انفجار درونی در حال پیش روی است. محمدی گفت: ایوب با بررسی جنبشهای اسلامی در منطقه این نتیجه گیری را می کند که رویکرد جنبشهای اسلامی در منطقه به سمت مشارکت سیاسی پیش می رود و متعادل شده است.

استاد دانشگاه مینه سوتا:

## غرب به دنبال ایجاد یک ناتوی نظامی خاورمیانه‌ای در خلیج فارس است

استاد دانشگاه مینه سوتا آمریکا با اشاره به اینکه ایجاد پایگاه نظامی ترکیه در قطر با حمایت آمریکا صورت گرفته گفت: غرب به دنبال ایجاد یک ناتوی نظامی خاورمیانه‌ای در خلیج فارس است. آنگار قرار است یک پایگاه دائمی نظامی چند منظوره هوایی و دریایی در قطر احداث کند. بر این اساس ترکیه نیز در کنار آمریکا در این کشور کوچک حوزه خلیج فارس صاحب یک پایگاه نظامی خواهد شد. بدین ترتیب ترکیه نیز در شمار کشورهای قرار می‌گیرد که مستقیماً وارد ساز و کارهای امنیتی منطقه خلیج فارس می‌شود. با این وجود در حال حاضر علاوه بر پایگاه نظامی دائم بریتانیا در بحرین و البته پایگاه نظامی آمریکا در این کشور و پایگاه نظامی فرانسه در امارات متحده عربی، ترکیه نیز در کنار آمریکا در قطر پایگاه نظامی خواهد داشت. این پایگاه زمینه دسترسی و پشتیبانی نیروهای ترکیه را در عملیات‌های آبی احتمالی این کشور در دریای سرخ، شمال آفریقا و خلیج فارس فراهم خواهد کرد و برای اولین بار بعد از سال ۱۹۵۰ میلادی ناوگان دریایی ترکیه به اقیانوس آرام دسترسی خواهد داشت. مطمئناً حضور مستقیم نظامی ترکیه در ساز و کارهای امنیتی خلیج فارس با مجوز آمریکا و ناتو صورت گرفته است. اگرچه آمریکا و ناتو حاضر نیستند با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سطح همکاری نظامی را به پیمان امنیت جمعی ارتقا دهند اما وجود توافقنامه‌های دو جانبه چه از سوی آمریکا و چه از سوی متحدان این کشور با اعضای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند منافع آنها را به همراه داشته باشد. در گفتگو با پروفیسور «ویلیام بیمن» استاد دانشگاه مینه سوتا آمریکا به بررسی آثار امنیتی پایگاه نظامی ترکیه در قطر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته ایم که مشروح آن در ادامه آمده است.



همانطور که می‌دانید چندی است نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان ملاقاتی با مقامات ایرانی به منظور میانجیگری بین تهران و ریاض صورت داده است بنابراین در مقایسه کشورهای مثل ترکیه و عمان آیا می‌توان اینگونه بیان کرد که پاکستان تأثیر بیشتری در حل این مسئله داشته است؟

پاکستان از حامیان اولیه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ محسوب می‌شود. طرفداران ایران در پاکستان حمایتشان را از انقلاب ایران بیان می‌کنند. علاوه بر این، پاکستانی‌ها مشکلاتی هم با طالبان و گروه‌های تروریستی دارند و در این خصوص نگرانی مشترکی با ایران دارند. ایرانیان امیدوارند که بتوانند یک خط لوله که از پاکستان می‌گذرد و ایران برای صادرات انرژی بسازد و این یکی از تمایلات پاکستان نیز محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، دولت عربستان روابط نزدیکی با پاکستان داشته و بر اساس قراردادهای فیما بین کمک‌های مالی و برای توسعه پاکستان به این کشور کمک می‌کند. شایع است که سعودی‌ها امیدواری هم برای بهره‌برداری از تکنولوژی هسته‌ای پاکستان در آینده دارد.

عمان نیز روابط دوستانه‌ای با ایران و عربستان سعودی دارد و همچنین نقشی به عنوان میانجی نیز در گذشته ایفا کرده است اما روابط سیاسی و اقتصادی با ایران و عربستان سعودی چندان هم تعیین‌اساسی است.

پاکستان ممکن است تأثیری بر هر دو ملت داشته باشند. ترکیه در واقع آنچنان روابط گرمی با عربستان سعودی ندارد و نه روابط مبتنی بر همکاری با ایران. ترکیه تمایل اندکی به بهبود روابط ایران و عربستان سعودی دارد. بنابراین از این سه کشور یاد شده، پاکستان بهترین شانس را برای میانجی بودن دارد.

اجازه دهید به شما یادآوری کنم که سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان بخشی از یک اتحاد نظامی به نام «ستو» (سازمان پیمان مرکزی) بودند که در کنار این سه کشور عراق و بریتانیا نیز عضو این پیمان بودند. این اتحاد از سال ۱۹۵۵ تا زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ پابرجا بود.

**دلایل اصلی عربستان سعودی برای افزایش تنش‌ها با ایران چیست؟ آیا تصور نمی‌کنید که علتش افزایش موازنه قوا به نفع ایران در مقایسه با ریاض در سطح منطقه است؟**

به قدرت رسیدن ملک سلمان و خانواده‌اش باعث شده تنش‌ها با ایران تشدید شود. عربستان سعودی از نارامی‌های شیعیان در استان شرقی این کشور و در مجاورت مرزهای یمن هراس دارد. آنها تصور می‌کنند که ایران از این شیعیان برای افزایش قدرت نفوذ در خلیج فارس استفاده می‌کند. منطقه‌ای که به صورت سنتی عربستان در آن نفوذ دارد.

ملک سلمان تلاش می‌کند تا از یک خدعه و نیرنگ قدیمی در سیاست استفاده کند. یعنی مسکلات داخلی را به عوامل خارجی نسبت دهد. عربستان سعودی با مشکلات و آشفتگی داخلی زیادی مواجه است. القاعده می‌خواهد خانواده سلطنتی را در عربستان از قدرت پایین بکشد. نه تنها عربستان و یمن شیعیان را تهدید می‌کند.

متحدانش می‌خواهد که نقش بیشتری در خلیج فارس داشته باشند به اعتقاد شما این نظر درست است یا خیر؟ اگر این ادعا درست است نقش ایران در خاورمیانه در آینده چطور خواهد بود؟

ترکیه و ایالات متحده هر دو اعضای ناتو هستند و این مهمترین دلیل برای چنین کاری است. هر چند من کاملاً مطمئن هستم که ایده ترکیه برای راه اندازی یک پایگاه در قطر توسط ایالات متحده آمریکا پیشنهاد شده است - یا حداقل مورد حمایت آمریکا بوده است.

ایده هم این است که آنها یک ناتوی نظامی خاورمیانه‌ای در خلیج فارس ایجاد کنند که خلیج فارس در دست عربستان سعودی و ایران نباشد. در همه این موارد، ایالات متحده و متحدان ناتو و عربستان سعودی تلاش دارند تا جلوی نفوذ ایران را در منطقه بگیرند و موازنه‌ای مقابل ایران ایجاد کنند.

ببیند بلکه بحرین که فاصلخ کمی از میدین نفتی عربستان دارد نیز شیعیان را به صورت تهدیدی قلمداد می‌کند.

عربستان سعودی همچنین تصور می‌کند که ایجاد نارامی و درگیری با ایران شرایط مساعدتری را برای ارتباط با ایالات متحده رقم می‌زند البته تا اینجا آنها درست فکر می‌کنند.

ایرانیان هیچ نقشی در حملات اخیر فرانسه نداشتند اما مشمول محدودیتهای دریافت ویزا مواجه کرده است. در حالیکه سعودی‌ها و پاکستانی‌ها از این قانون تأثیری نپذیرفتند.

**ترکیه تصمیم دارد پایگاه چند منظوره نظامی خود را در قطر راه اندازی کند. آیا این موضوع به استراتژی ایالات متحده برای پرخش به آسیا (pivot to Asia) مرتبط است. برخی کارشناسان معتقد هستند که ایالات متحده از**

گفتگو با مشاور وزارت خارجه آمریکا:

## ایران می تواند آلمان آسیا باشد / بهبود روابط تهران-ریاض سخت اماممکن

مشاور وزارت خارجه آمریکا با اشاره به آغاز اجرای برجام، ایران را دارای قابلیت های بالقوه ای دانست که استفاده از این قابلیت ها می تواند ایران را تبدیل به کشوری همچون آلمان کند.

با وجود مخالفت هایی که در داخل آمریکا و همچنین از جانب رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی با اجرای برجام وجود داشت، اجرای این توافق آغاز شده و آنچه بیش از هر موردی به چشم می آید تکاپوی گسترده کشورهای غربی برای احیای روابط اقتصادی با ایران است.

علاوه بر آن انتظار می رود که با اجرای برجام، روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای دیگر نیز وارد مرحله جدیدی شود. در همین رابطه برای ارزیابی بهتر تاثیرات توافق هسته ای ایران و کشورهای ۵+۱ با پروفیسور «آلن بن میر» به گفتگو نشستیم.

بن میر از اساتید روابط بین الملل دانشگاه نیویورک و از کارشناسان مرکز امور بین الملل نیویورک است. وی همچنین از مشاوران وزارت خارجه آمریکا است. متن این گفتگو به شرح زیر است:

**|| همانطور که مطلع هستید اجرای برجام از هفته گذشته آغاز شده است. به نظر شما این روند چه تاثیراتی می تواند داشته باشد؟**

توافق هسته ای ایران را باید به عنوان یک روند ادامه دار که می تواند سالها ادامه داشته باشد در نظر گرفت. این توافق همچنین می تواند برای سنجش پایداری و توسعه مواردی که بر سیاست های داخلی و خارجی ایران تاثیر دارند مطرح باشد به نحوی که ایران با اقدامات شایسته خود نشان دهد که چگونه می خواهد به خواسته خود یعنی تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در سطح بین الملل برسد.

در این رابطه می توان ایران را با آلمان مقایسه کرد؛ کشوری که در دو جنگ جهانی شکست خورده بود اما در دوران پس از جنگ آلمان تبدیل به مرکز اقتصادی و سیاسی اروپا شد. آلمان این موقعیت را بدون آنکه حتی یک گلوله شلیک کند بدست آورد. بدون اینکه بخواهم این دو کشور را بطور مستقیم مقایسه کنم ایران تقریبا تمامی اجزایی را که آلمان داشت را دارد و می تواند به عنوان یک کشور صلح طلب، سازنده و همکار برای تمامی همسایگان خود مطرح باشد.

**|| اجرای برجام با شدت گرفتن تنش های میان ایران و عربستان همراه شده است، به نظر شما آیا امکان بهبود روابط دو کشور وجود دارد و بطور کلی ادامه تنش میان آنها چه تبعاتی خواهد داشت؟**

شکی در این مورد نیست که تنش های میان ایران و عربستان با توجه به اعدام شیخ نمر بدتر از قبیل شده اند. دو کشور پیش از این در عراق، یمن و سوریه با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند و



گفتگو با سفیر پیشین فرانسه:

## تداوم تنش های عربستان و ایران تبعات زیادی برای منطقه دارد

سفیر پیشین فرانسه در تهران، با اشاره به تنش های به وجود آمده میان ایران و عربستان عنوان داشت که ادامه این وضعیت تبعات زیادی را در پی دارد و حتی می تواند اجرای برجام را نیز با مشکل مواجه کند. تنش های بوجود آمده میان ایران و عربستان که بعد از اعدام شیخ «نمر باقر النمر» رهبر شیعیان عربستان، از سوی ریاض به اوج خود رسید همچنان ادامه دارد و این در حالی است که کشورها و مقامات زیادی برای حل شدن این تنش ها میانجیگری می کنند.

این وضعیت در حالی است که عربستان تلاش می کند با روش های مختلف از این تنش ها برای منزوی کردن ایران و ایجاد بحران های جدید در منطقه استفاده کند.

«فرانسوا نیکولو» سفیر اسبق فرانسه در تهران در تشریح پیامدهای این تنش ها گفت: در مورد اعدام شیخ نمر مطالب زیادی گفته و نوشته شده است. عربستان اعدام شیخ نمر را در حالی انجام داد که با مسائلی همچون جنگ یمن و بحران سوریه سر کار داشت. علاوه بر آن اعدام شیخ نمر با اعدام حدود ۴۰ نفر دیگر همراه بود که جرم اصلی آنها اقدام علیه امنیت عربستان بود.

وی افزود: در این میان هر چند شیخ نمر هیچگاه دست به اسلحه نبرد و با مبارزه مسلحانه نیز مخالفت بود اما در کشوری مانند عربستان مخالفت زبانی یا حاکمان کشور نیز جرم کمی نیست.

وی تصریح کرد: در حقیقت عربستان اعدام این افراد را بر اساس سیاست های داخلی خود و نشان دادن قدرت به گروه های مختلف انجام داد. در این میان هر چند که اعدام شیخ نمر با محکومیت هایی از سوی کشورهای مختلف مواجه شد اما حوادثی که در تهران و مشهد رخ داد واقع یک نوع هدیه برای حاکمان عربستان بودند و موجب شدند تا تنش هایی که از قبل میان ریاض و تهران وجود داشت به اوج خود برسد.

نیکولو در ادامه یادآور شد: این وضعیت در حالی رخ داد که دولت ایران در آستانه بهبود روابط خود با کشورهای غربی قرار داشت اما بر هم خوردن رابطه با یکی از کشورهای همسایه موجب شد تا برنامه های دولت ایران در این بخش به مشکل بیافتد. در این میان عربستان برخی از کشورهای عربی و غربی را با خود همراه کرد و ادامه این روند تبعات منفی زیادی به همراه دارد و حتی می تواند به اجرای توافق هسته ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ نیز ضربه بزند.

سفیر پیشین فرانسه در ایران افزود: باید یادآور شوم که حل مشکلات و بحران های خاورمیانه از جمله بحران سوریه نیازمند مصالحه میان عربستان و ایران است و اگر روابط دو کشور به همین وضعیت فعلی ادامه پیدا کند نمی توان به بهبود اوضاع در خاورمیانه امید داشت. وی در پایان تصریح کرد: فکر می کنم همه طرف های حاضر در گفتگوهای صلح سوریه به این نکته اعتقاد داشته باشند که نباید اجازه داد پیشرفت آغاز شده برای حل مسالمت آمیز بحران سوریه متوقف شود از همین رو عربستان و ایران باید برای حل تنش های میان خود تلاش کنند.

اوج این اختلافات در سوریه بود که ایران و روسیه از حکومت سوریه حمایت کرده و خواستار بقای آن بود اما عربستان از گروه های شورشی حمایت می کرد و خواستار براندازی آن بود.

درست است که عربستان و ایران با یکدیگر اختلافات زیادی دارند اما آنها یک دشمن مشترک دارند که آن هم داعش است. برای از بین بردن اختلافات میان این دو کشور لازم است تا موفقیت آنها را در برابر داعش گوشزد کرده و پس از شکست این گروه به فکر حل دیگر مسائل موجود در خاورمیانه باشیم.

مطمئن باشید که اختلافات در منطقه اگر نگوئیم برای چند دهه دست کم برای چند سال ادامه خواهد داشت و راه حل پایان جنگ در سوریه، عراق و یمن تا زمانیکه اختلافات میان ایران و عربستان بطور کامل از بین نرفته و ریاض و تهران بطور کامل وارد همکاری با یکدیگر نشوند بدست نخواهد آمد. حل اختلافات و ایجاد همکاری میان ایران عربستان بسیار مشکل اما محتمل است.

**|| تلاش هایی در جریان است تا مذاکرات صلح سوریه به نتیجه برسد به نظر شما ایران و روسیه چه نقشی در این فرایند دارند؟**

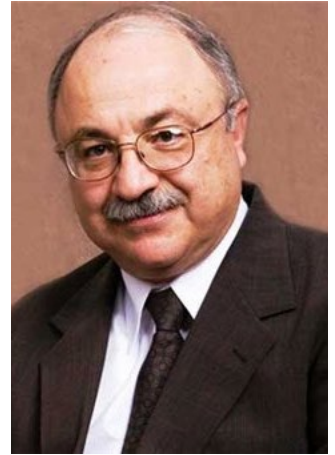
در مورد سوریه، حضور ایران و روسیه برای یافتن یک راه حل پایدار برای پایان دادن بحران این کشور ضروری است. این یک حقیقت است و راهی جز قبول آن وجود ندارد.

باید این نکته را متذکر شوم که اگر منافع این کشورها تامین نشود ممکن است حتی مذاکرات صلح به نتیجه نرسد. در این زمینه باید آمریکا فعالیت خود را بیشتر کند چون به خاطر اقدام ناکافی واشنگتن روسیه و ایران نقش خود را در سوریه افزایش داده اند.



گفتگو با استاد دانشگاه آلاباما آمریکا:

## امنیت خلیج فارس با انزوای ایران به دست نمی‌آید



پروفسور «نادر انتصار» حضور نظامی ترکیه در خلیج فارس را حاوی پیامی برای ایران دانسته و آن را در راستای تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به بازیگری مسلط در خاورمیانه خواند.

ایجاد پایگاه نظامی دائم در قطر توسط ترکیه و حضور ۳ هزار نیروی ترک در آن موجب خواهد شد تا ترکیه جزو چندین قدرت جهانی شود که در تامین امنیت خلیج فارس سهیم می‌شوند.

حضور نظامی ترکیه در خلیج فارس در حالی صورت می‌گیرد که فرانسه نیز پیشتر مبادرت به ساخت پایگاه نظامی در امارات متحده عربی کرده و همچنین انگلستان و آمریکا در بحرین پایگاه نظامی دارند.

حضور نظامی گسترده ترکیه در جمع متحدان نظامی خود در ناتو در منطقه خلیج فارس بیانگر چراغ سبز متحدان آمریکا در ناتو برای حضور ترکیه در میان آنها در خلیج فارس بر شمرده می‌شود همچنین نشانه‌ای از تمایل کشورهای عرب کوچک شیخ نشین منطقه خلیج فارس برای گشودن پای ناتو به این منطقه است.

به غیر از ناتو، ترکیه چنین توافقی را با دو کشور دیگر به امضا رسانده است یکی با قبرس ترک نشین و دیگری با جمهوری آذربایجان که به موجب آن تعرض به خاک هر یک از این کشورها تعرض به خاک دیگری محسوب می‌شود.

همچنین در هفته‌های اخیر خبرهایی درباره ایجاد یک پایگاه نظامی دیگر توسط ترکیه در سومالی مخابره شده اند که به همراه خبر ساخت اولین ناو هواپیمابر این کشور که قرار است در سال ۲۰۲۳ برای انجام ماموریت‌های بین قاره‌ای به آب انداخته شود حکایت از تلاش گسترده این کشور برای افزایش حضور نظامی در منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا و اقیانوس هند دارد.

در این خصوص گفتگویی با پروفسور «نادر انتصار» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی و تحلیلگر مسایل منطقه انجام شده است که مشروح آن در زیر آمده است.

**|| ترکیه در حال ساخت یک پایگاه نظامی چند منظوره داریم برای استقرار ۳۰۰۰ نیروی نظامی خود در قطر است. اهداف ترکیه از این اقدام چیست؟**

این اقدام ترکیه در راستای تلاش‌های این کشور برای تبدیل شدن به یک بازیگر مسلط در خاورمیانه است. این طرح همچنین چالشی مستقیم برای ایران است و پیامی برای تهران دارد مبنی بر اینکه آنکارا قصد دارد در مناطق منافع حیاتی مرتبط با امنیت ملی ایران، تهران را به چالش بکشد.

**|| برخی بر این باور هستند که توافقات نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس با قدرت‌های فرامنطقه‌ای نشانه و بیانگر ناکارآمدی رژیم امنیتی شوری همکاری خلیج فارس است. نظر شما در این خصوص چیست؟**

شورای همکاری خلیج فارس برای برقراری امنیت خود همواره به قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا وابسته بوده است. با وجود اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس امروزه از سخت‌افزارهای نظامی مدرن و پیشرفته

زیادی برخوردار هستند، اما هنوز به خاطر مشکلات داخلی خودشان احساس می‌کنند که آسیب‌پذیر هستند. افزودن ترکیه به ترکیب کشورهای فرامنطقه‌ای برای دفاع از خودشان را باید از یک سو در چارچوب پارانوایی این کشورها و از سوی دیگر در چارچوب مواضع تهاجمی آنها ارزیابی کرد.

**|| در حال حاضر نظم امنیتی خلیج فارس بر اساس حضور نظامی هژمون آمریکا است و از سوی دیگر سیاست آمریکا چرخش به سمت آسیا است. آیا می‌توان حضور نظامی برخی کشورها در منطقه مثل ترکیه، انگلستان و فرانسه را نشانه عزم آمریکا برای کاهش حضور نظامی خود در آمریکا تلقی کرد؟**

خیر، من اینطور فکر نمی‌کنم. آمریکا حضور نظامی خود در منطقه را برای آینده قابل پیش‌بینی حفظ خواهد کرد هر چند ماهیت حضور نظامی اش ممکن است در طول زمان تغییر کند، اما آمریکا همچنان هژمون ترین نیروی منطقه باقی خواهد ماند.

**|| ترکیه قصد دارد یک پایگاه نظامی دیگر در سومالی ایجاد کند و چین هم قصد ساخت یک پایگاه در جیبوتی را دارد. از طرفی هم اجاره پایگاه نظامی آمریکا در این کشور رو به اتمام است.**

### پیمان بزدانی

**بر اساس این مستندات آیا می‌توان گفت که آمریکا قصد دارد مسئولیت امنیت تنگه باب المندب را به متحدان خود از جمله ترکیه بسپارد؟**

می‌خواهم از یک لغت بازرگانی استفاده کنم و بگویم که آمریکا ممکن است برخی عملیات‌های خود را به پیمانکاران زیر مجموعه خود واگذار کند اما پیمانکار اصلی خود آمریکا خواهد بود. باب المندب برای فعالیت‌های دریایی بسیاری از کشورها مهم و حیاتی است به همین علت جای تعجب نخواهد بود که شاهد حضور و فعالیت چندین کشور دیگر هم در باب المندب و اطراف آن باشیم.

**|| با توجه به برخی تحولات مانند ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط فرانسه، انگلستان و ترکیه در منطقه، شما نظم امنیتی آتی خلیج فارس را چگونه می‌بینید؟ آیا اساسا ایجاد امنیت بدون حضور ایران و عراق بطور کامل امکان‌پذیر است؟**

منزوی کردن ایران و متحدانش در نظم امنیتی خلیج فارس از اصول سیاست خارجی و امنیتی کشورهای عرب خلیج فارس بوده است. ایران هم از سوی دیگر همواره خواستار یک نظام امنیتی درونی با حضور تمامی کشورهای منطقه بوده است. متأسفانه دشمنان ایران فکر می‌کنند که با منزوی کردن ایران می‌توانند امنیت خود را بهتر تامین کنند.



کیهان برزگر:

# مراکز تحقیقات استراتژیک میان‌مباحث نظری و سیاستگذاری قرار دارند



رئیس پژوهشگاه مطالعات خاورمیانه گفت: مراکز تحقیقاتی استراتژیک جنبه میانی سیاستگذاری و مباحث علمی و نظری را دنبال می‌کنند.

جلسه توجیهی پژوهشگران مهمان سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاورمیانه با حضور دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشگاه استراتژیک مطالعات خاورمیانه، دکتر حمید احمدی مدیر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، دکتر اسدالله اطهری مدیر گروه ترکیه شناسی و دکتر سید جواد صالحی مدیر گروه خلیج فارس این پژوهشگاه برگزار شد.

دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشگاه مطالعات خاورمیانه با در ابتدای این نشست به بررسی اهمیت گروه‌های پژوهشی در مراکز مطالعاتی پرداخت و گفت: گروه‌های پژوهشی در مراکز مطالعاتی از حیث فهم مطالعات و انباشت آن پیرامون یک موضوع پژوهشی مشخص حائز اهمیت هستند. وی افزود: محققان و دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی به ویژه دانشجویان دکتری مناسب است که در گروه‌های مرتبط با رساله دکتری خود فعال باشند. این گروه‌ها می‌تواند زمینه تبادل آراء و تبادل علمی در خصوص موضوعی را فراهم کنند و زمینه ساز بحث و نقادی باشند.

وی تصریح کرد: حضور در سمینارهای علمی می‌تواند کمک زیادی به فهم علمی دانشجویان و محققان کند. حضور و مشارکت فعال در کارگاه‌های علمی (workshop) مقالات کوتاه و مقالات بلند، نقش تئوریها در پژوهش‌های روابط بین الملل، متدلوژی خاورمیانه شناسی، متدلوژی روندهای

مدیر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه با اشاره به اهمیت خاورمیانه شناسی گفت: خاورمیانه تبدیل به کانون تحولات بین المللی شده است. بر این اساس فهم این حوزه مطالعاتی به فهم سایر حوزه‌های مطالعاتی می‌تواند کمک کند. احمدی با تأکید بر اینکه دانشجویان باید بنویسند گفت: نوشتن، تحلیل کردن و سخنرانی‌های علمی باعث ارتقای علمی دانشجویان می‌شود.

استاد دانشگاه تهران با اشاره به اینکه مدعیان خاورمیانه شناسی در کشور زیاد داریم گفت: به رغم تعداد زیاد مدعیان خاورمیانه شناسی در کشور ولی خاورمیانه شناس خوب خیلی کم داریم. لذا این حوزه مطالعاتی جای کار جدی دارد. وی تصریح کرد: مباحث ارائه شده توسط برخی رسانه‌ها ارتباط با خاورمیانه شناسی دقیق ندارد. خاورمیانه را باید از جنبه‌های مختلف شناخت. وی تأکید کرد: مقاله نوشتن، سخنرانی

فکری و آینده پژوهی نقش موثری در سابقه پژوهشی محققان و دانشجویان دوره دکتری می‌تواند داشته باشد. مدیر گروه روابط بین الملل دانشگاه علوم و تحقیقات در ادامه به بررسی ارائه مطالعات مرتبط با رساله دکتری در همایش‌ها و سمینارها پرداخت و گفت: ارائه موضوعات مرتبط با رساله دکتری در مراکز پژوهشی باعث می‌شود دانشجویان چالش‌های متوجه موضوع را فرا گیرند و درصدد تکمیل آن بپردازند.

وی افزود: مراکز تحقیقاتی استراتژیک جنبه میانی سیاستگذاری و مباحث علمی و نظری را دنبال می‌کنند. لذا مباحث مطرح شده در این مراکز معمولاً نه جنبه نظری صرف دارد و نه جنبه سیاستگذاری محض. در پایان این استاد روابط بین الملل به تشریح وظایف اجرایی و علمی و همچنین اهمیت روابط اجتماعی-انسانی پژوهشگران در این دوره آموزشی-پژوهشی پرداخت. در ادامه این نشست دکتر حمید احمدی

های علمی و تحلیل کردن باعث ارتقای هویت علمی دانشجویان و محققان جوان می‌شود.

در ادامه این نشست دکتر سید جواد صالحی مدیر گروه خلیج فارس پژوهشگاه مطالعات خاورمیانه و استاد دانشگاه شیراز ارتباط میان مراکز مطالعاتی را حائز اهمیت خواند و بر اهمیت گروه‌های مطالعاتی تخصصی تأکید کرد.

وی افزود: مراکز مطالعاتی می‌توانند با ارتباطاتی که در سطح بین المللی داشته باشند زمینه تبادل نظر را فراهم سازند. وی از تصمیم گروه خلیج فارس این مرکز برای ارتباط با اساتید بین المللی و سخنرانی آنها از طریق ویدئو کنفرانس خبر داد.

وی نقد و بررسی کتاب‌های مهم در حوزه خلیج فارس، تهیه کتاب، ارائه سخنرانی توسط اساتید و محققان شناخته شده و محققان جوان را از جمله فعالیت‌های دیگر این گروه برشمرد.

در ادامه این نشست دکتر سید اسدالله اطهری مدیر گروه ترکیه شناسی پژوهشگاه مطالعات خاورمیانه و استاد دانشگاه آزاد با اشاره به اهمیت روز افزون مسائل ترکیه، شناخت زبان مورد نیاز این حوزه مطالعاتی گفت: لازم و ضروری است که هر محقق در هر حوزه زبان آن حوزه را بشناسد. برای نمونه گروه‌های مطالعاتی ترکیه شناسی لازم و ضروری است که زبان ترکی استانبولی را بدانند.

وی از تصمیم گروه ترکیه شناسی این مرکز برای ارائه سخنرانی‌هایی به زبان ترکی استانبولی خبر داد و گفت: مراکز مطالعاتی باید زمینه مطالعات میدانی را برای پژوهشگران فراهم سازند تا مطالعات آنها مبتنی بر تجارب عینی باشند.

## گزارش موسسه مودیز درباره وضعیت ایران در بازار نفت جهانی

یک موسسه اعتبار سنجی بین المللی در گزارشی به تشریح وضعیت تولید نفت ایران و شرایط موجود برای رسیدن به جایگاه قبلی آن اشاره کرد. بازگشت ایران به بازار جهانی نفت، بازار را بیش از پیش اشباع خواهد کرد. بر اساس ادعای مودیز ایران با چالش‌هایی برای افزایش تولید نفت مواجه است. موسسه اعتبارسنجی مودیز در در سایت رسمی خود منتشر نمود پیش بینی کرد: ایران در سال ۲۰۱۶ صادرات نفت به بازارهای جهانی را بیش از ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد داد که تأثیر زیادی بر قیمت‌ها خواهد گذاشت.

این در حالیست که روز ۱۶ فوریه، روسیه و عربستان سعودی توافق کردند تولید خود را در سطح مربوط به ماه ژانویه متوقف کنند اما ایران هنوز به این توافق نپیوسته است. با این وجود، ایران هنوز با موانع جدی برای افزایش تولید مواجه است. گزارش مودیز می‌گوید «ایران برای افزایش تولید با موانع فنی و سیاسی مواجه است». برای بالابردن تولید، ایران نیاز به جذب دوباره مشتریان، سرمایه‌گذاری برای بهبود امکانات تولید در میدانی نفتی و حل و فصل برخی عوامل ریسک سیاسی دارد.

«جوید شیخ» تحلیلگر مودیز، می‌گوید: «ایران سعی خواهد کرد صادرات به چین را افزایش دهد، اما رقابت در منطقه با عربستان سعودی مانع این امر خواهد شد و این در حالی است که عربستان هم اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین است. چین احتمالاً واردات نفت خود را در مقدار کنونی نگه می‌دارد تا روابطش با هر دو کشور (ایران و عربستان) صدمه نبیند». مانع دیگر برای ایران، زیرساختار قدیمی صنعت نفت است. متخصصان می‌گویند این کشور نیاز به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار

سرمایه‌گذاری برای به روز کردن زیرساخت‌ها دارد. شیخ می‌افزاید: «بسیاری از شرکت‌ها در حال حاضر قادر به سرمایه‌گذاری نیستند به دلیل اینکه قیمت پایین نفت درآمد آن‌ها را کاهش داده است. این شرکت‌ها باید هزینه‌هایشان را دست کم در سال ۲۰۱۶ کاهش دهند. ایران تلاش خواهد کرد سهم خود را در تامین نفت پالایشگاه‌های اسپانیا و ایتالیا، که خریداران نفت روسیه نیز هستند، باز پس گیرد. ایران همچنین امیدوار است نفت بیشتری به آسیا، خصوصاً چین، صادر کند. در حالیکه عربستان سعودی بزرگ‌ترین تامین کننده نفت چین است، چین نیز بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است و خرید نفت از ایران از پس از اینکه در دسامبر ۲۰۱۱ آمریکا تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران را با هدف محدود کردن صادرات نفت ایران شدت داد، ادامه داد. در هر صورت، توانایی ایران برای افزایش صادرات نفت به بازارهای جهانی به توانایی این کشور در یافتن مشتریان جدید و نیاز مشتریان کنونی‌اش بستگی دارد. ایران نمی‌تواند تنها وابسته به چین باشد. به علاوه، شرکت‌های نفتی در آمریکا از سرمایه‌گذاری در ایران منع شده‌اند.



سمیه خمارباقی

گفتگو با «هدیل الاسمر»:

## مقاومت را باید از ایران آموخت / هجوم همه جانبه به سوریه



رئیس سازمان امور خانواده و کودک سوریه با اعلام اینکه کشورش در معرض یک هجوم همه جانبه قرار گرفته است گفت: مقاومت را باید از ایران آموخت. هدیل الاسمر رئیس سازمان امور خانواده و کودک سوریه هفته گذشته در راس هیئتی وارد تهران شد و در همایش همبستگی زنان سوریه و ایران شرکت کرد. هدف از این سفر، آشنایی هیئت بانوان سوری با نقش زنان انقلاب اسلامی ایران در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و ... بود. هدیل الاسمر در جریان سفر به ایران اظهار داشت: زمانی که دانشجو بودم به فعالیت های سیاسی علاقه

داشتم و رویدادهای کشورهای سوریه ای که تحت ظلم بودند را بررسی می کردم. یکی از این کشورها ایران بود. همیشه فکر می کردم اگر چنین رخدادهایی در کشور سوریه باشد، به مکان امنی خواهم رفت و در نهایت این واقعه در سوریه به وقوع پیوست و سوریه درگیر جنگ شد. در پی این اتفاق یک کشمکش داخلی در من ایجاد شد که آیا می توانم این سختی ها را تحمل کنم؟ اینگونه بود که با مرور خاطرات کودکی تا دانشجویی، شخصیت های مقاوم سوریه را به خاطر آوردم که وطن خود را ترک نکرده بودند و به این نتیجه رسیدم که هیچگاه سوریه را ترک نکنم و با سختی مبارزه کنم. حالا به سوری بودن خودم افتخار می کنم و از شروع بحران در سوریه درس های زیادی یاد گرفتم. اما حضور سه روزه در ایران بر این تجربیات من اضافه کرد. آنچه که شما با آن مواجه بوده اید برای من بیش از پیش قابل احترام شده است و امیدوارم از تجربیات شما در کشورم استفاده کنم.

هدیل الاسمر درباره تخریب شهرهای باستانی و تاریخی سوریه همچون «دمر» توسط تروریست ها گفت: آنچه طی ۵ سال گذشته در سوریه رخ داده است هجومی همه جانبه و بین المللی است حمله ای که علاوه بر کشتار مردم بیگناه و تخریب زیرساخت ها و مراکز درمانی و غیر نظامی، تاریخ و فرهنگ و میراث سوریه را هدف قرار داده است.

وی افزود: تروریست هایی که از کشورهای مختلف جهان به سوریه اعزام شده اند به دنبال نابودی تمام سوریه هستند و آثار تاریخی و باستانی شهرهای سوریه را منهدم می کنند و این بخشی از نیردی است که ما با آن مواجه

هستیم. وی با بیان این مطلب افزود: متأسفانه جامعه جهانی در قبال بحران سوریه و نابودی میراث تاریخی این کشور و آثاری که حاصل فکر و اندیشه سوریه است سکوت اختیار کرده است و این شرم آور است.

هدیل الاسمر در بخش دیگر گفتگو درباره نقش فرهنگ در روابط میان سوریه و ایران گفت: طی سال های گذشته تاکنون میان ایران و سوریه تبادل فرهنگی و فکری و معارفه با اندیشمندان دو کشور وجود داشته است.

وی در ادامه گفت: من بر این باور هستم که در حال حاضر ایران چیزی را در اختیار دارد که ما باید آن را یاد بگیریم و آن مقاومت است. ما باید از تجارب ایران و مقاومت این کشور در دوران سخت همچون جنگ و ... استفاده کنیم. مقاومتی که نسل به نسل در ایران حفظ شده است و آرامش و ثباتی که در این کشور وجود دارد حاصل ایثار و فداکاری و ریخته شدن خون قهرمانان ایرانی است، این چیزی است که ما در شرایط کنونی در سوریه به آن نیاز داریم.

رئیس سازمان امور خانواده و کودک سوریه درباره اوضاع میدانی سوریه گفت: در حال حاضر وضعیت شهرها و مناطقی که تحت اشغال تروریست ها قرار دارد همچون حلب، حومه حلب، ادلب و حومه آن و ... بسیار تأسف بار است اما مناطقی که ارتش سوریه در حال نبرد با تروریست ها است یا به کنترل ارتش درآمده است زندگی جریان دارد. نیروهای ارتش سوریه در حال پیشروی در مناطق مختلف کشور هستند و ما روز به روز شاهد آزادی مناطق بیشتری خواهیم بود.

ای جلوگیری کند. اما وجود ایران بدون سلاح هسته ای امنیت کل منطقه را تضمین خواهد کرد.

نویسنده این مقاله در مورد نوع همکاری ایران و ایالات متحده در فضای به وجود آمده پساً برجام می نویسد: اولین اقدام مهم باید به توقف تولید موشک های با برد ۲۰۰۰ کیلومتر و یا بیشتر در ایران معطوف شود. ممکن است در فضای به وجود آمده، آمریکا حاضر باشد در بسیاری از زمینه ها مانند علوم، فناوری و حتی صنعتی با ایران همکاری کند. اما عدم همکاری ایالات متحده با ایران در زمینه تسلیحات و یا تقویت آن دسته از فناوری هایی که ممکن است ایران را قادر به ساخت موشک های هسته ای کند، امری مسلح است.

در پایان نیز، نویسندگان بر اهمیت استفاده از ظرفیت مذاکره و دیپلماسی در حل و فصل مساله موشکی ایران تأکید کرده و می نویسند: تا همین چند سال پیش، رسیدن به یک توافق هسته ای با ایران تنها مانند خوابی طولانی به نظر می رسید. اما دو طرف با اراده سیاسی لازم بر سر یک میز نشستند و برجام رقم خورد. اکنون نیز ایالات متحده باید با تمرکز بر دیپلماسی سعی در حل و فصل معضل موشکی ایران کند.

## نشال اینترست بررسی کرد اهمیت برنامه موشکی ایران/ برای توقف باید مذاکره کرد!

می کند: اکنون درها برای مهار برنامه موشکی ایران به شرط برداشته شدن تحریم های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل باز است. رهبر و رئیس جمهور ایران به خاطر هزینه های ناشی از مساله هسته ای، اکنون به محاسبات فایده گرایانه روی آورده اند و اگر رئیس جمهور روحانی با همین رویه پیش رود، او و رهبر ایران انقدر باهوش هستند که نتوانند هزینه های ناشی از بحران احتمالی جدید ایجاد شده ناشی از فعالیت های موشکی موشکی را تخمین بزنند. در نتیجه بر سر حل و فصل این معضل نیز مذاکره خواهند کرد.

نشال اینترست در ادامه با تأکید بر لزوم وجود توافقی سودمند برای دو طرف می نویسد: تشویق ایران به محدود کردن برنامه موشکی اش نیازمند دادن امتیازاتی به تهران است. اما مشکل اینجاست که دولت های منطقه از جمله عربستان سعودی و اسرائیل همه فشار خود را بر آمریکا خواهند آورد تا از رسیدن ایران به توانایی ساخت موشک های هسته

صنعت هسته ای پول هزینه کنند. سوم، افکار عمومی ملت ایرانی بسیار طالب و مشتاق رسیدن به جایگاه ملتی مدرن، صاحب فناوری و پیشرفته هستند. این مجله آمریکایی با اشاره به وضع تحریم های اخیر آمریکا علیه یازده شخصیت حقیقی و حقوقی ایران هشدار داده و می نویسد: فشار های ناشی از تحریم در مورد مساله هسته ای نتیجه ای معکوس داشت. یعنی با افزایش روز افزون تحریم های آمریکا علیه ایران، سرعت توسعه فناوری هسته ای، ساخت سانتی فویوژ ها و غنی سازی بیشتر در دستور کار حکومت ایران قرار گرفت. این مساله باعث شد تا توان هسته ای ایران به جایی برسد که دیگر به جز دیپلماسی و گفتگو با هیچ چیز قابل حل نبود.

نویسندگان این مطلب با اشاره به توانایی ایران در ساخت موشک سجیل ۲، که بردی معادل ۲۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر دارد به قدرت ساخت موشک های بالستیک در داخل کشورمان اعتراف کرده، به دنبال ارائه راه حلی برای مهار این روند بر آمده و ادعا

یک مجله آمریکایی در تحلیلی به اهمیت برنامه موشکی ایران پرداخته و راههای مقابله با این برنامه را نیز تجویز کرده است. مجله آمریکایی نشال اینترست که در زمینه سیاست خارجی و دیپلماسی پر آوازه است، اخیراً یادداشتی در خصوص برنامه موشکی ایران و چگونگی مقابله با آن منتشر کرده که در ادامه به آن می پردازیم. نشال اینترست در یادداشت خود به بررسی اهمیت برنامه موشکی ایران پرداخته و می نویسد: اهمیت برنامه موشکی ایران را می توان از سه منظر بررسی کرد. نخست، با توجه به فرسودگی ناوگان هوایی نظامی ایران و تهدیدات بالقوه ای که تهران علیه امنیت ملی خود احساس می کند، توسعه برنامه موشکی این کشور به تقویت بازدارندگی در مقابل تهدیداتی مانند آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی کمکی شایان می کند. دوم، توسعه برنامه موشکی ایران از اهمیت بسیار زیادی در نگاه مقامات سیاسی و نظامی این کشور برخوردار است و آنها حتی حاضرند برای تقویت این فناوری مانند

مریم خرمائی

گفتگو با استاد دانشگاه آکسفورد:

## ایران به منزله لنگرگاه ثبات منطقه عمل کند/ لزوم سیاست خارجی مستقل

۵۵ میلیارد دلار در حوزه سوخت های هیدروکربنی، فلزات، حمل و نقل و خودروسازی به امضا رساند. بی تردید، بزرگترین توافق به دست آمده از سوی ایران، خرید ۱۱۸ فروند ایرباس به بهای ۲۵ میلیارد دلار بود. علاوه بر این، دولت ایران خرید ۴۰۰ هواپیمای میان برد و دور برد و همچنین یکصد فروند هواپیمای کوتاه برد را از جمله اولویت های ناوگان هوایی ایران برشمرد است. در دوم فوریه، شرکت هواپیمایی ملی ایران توافق دیگری را با شرکت ایتالیایی - فرانسوی «ای تی آر» برای خرید ۲۰ فروند هواپیمای مسافری و تامین ۲۰ فروند هواپیمای دیگر (در مجموع ۴۰ فروند) به ارزش یک میلیارد و ۸۹ میلیون دلار امضا کرد.

بنابراین، دولت ایران سیاست فعالانه ای را با هدف رونق اقتصادی، مدرنیزه کردن ناوگان هوایی ایران و افزایش تولیدات صنعتی آن هم به فاصله کوتاهی پس از رفع تحریم ها، در پیش گرفته است.

**|| برخی استدلال می کنند که سفرهای اخیر نشانه تمایل دولت روحانی به غرب و در عوض فاصله گرفتن از قدرت های شرقی است. آیا شما با این مورد موافق هستید؟**

همانگونه که قبلا اشاره کردیم، روحانی تنها پس از امضای توافق های کلان با روسیه و چین به غرب سفر کرد. بنابراین سیاست های وی بازگوکننده هیچ گونه تمایلی به غرب یا شرق نیست.

ایران به عنوان حلقه اتصال خلیج فارس به دریای خزر، آسیای میانه به منطقه قفقاز و در نهایت چین و هند به اروپا از موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی برخوردار است و حکم مرکزی را برای پروژه یکپارچه سازی و ادغام اوراسیا دارد. در نتیجه، هیچ ضرورتی ندارد که ایران خود را به شرق یا غرب محدود کند بلکه این کشور باید به دور از هرگونه وابستگی در جایگاه یک حلقه تاریخی که دو دنیای شرق و غرب را به یکدیگر متصل می کند، از تجارت با همه کشورهای جهان و همه کسانی که مشتاق مشارکت سیاسی و اقتصادی با آن هستند، استقبال کند.

ایده گرایش به شرق یا غرب یادآور تفکر دوران جنگ سرد است و باید کنار گذاشته شود. در حال حاضر، ما در یک دنیای جهانی شده (منطبق بر اصول جهانی سازی) زندگی می کنیم که در آن غرب و شرق با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

**|| دلایل اصلی عربستان سعودی برای تشدید تنش ها با ایران چیست؟ آیا این به آن علت نیست که ریاض فکر می کند توازن قدرت در خاورمیانه به نفع ایران تغییر کرده است؟**

در طول دوره ای که ایران تحت تحریم های شورای امنیت سازمان ملل و کشورهای غربی قرار داشت، برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی از انزوای ایران سود بردند. این قبیل کشورهای در حال حاضر برگشت ایران به جامعه بین الملل را تهدیدی برای خود به حساب می آورند. ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت



دکتر «فرهنگ جهانی» ایده گرایش به شرق یا غرب را یادآور تفکر دوران جنگ سرد می داند و معتقد است که ایران باید به دور از هرگونه وابستگی از تجارت با همه کشورهای جهان سود ببرد.

اجرایی شدن توافق هسته ای کشورهای مختلف را برای از سرگیری تجارت با ایران مشتاق کرد تا آنجا که همزمان با رفع تحریم ها، کشورهایی چون آلمان، یونان و حتی چین هیات های اقتصادی بزرگی را در همراهی با سران سیاسی خود اعزام تهران کردند که این نشان دهنده رقابت شدید برای تصاحب بازارهای ایران است. تعدد درخواست های مطرح شده در این زمینه این سؤال را به ذهن متبادر می کند که آیا ایران از فرصت به دست آمده برای احیاء جایگاه خود به عنوان حلقه اتصال دنیای شرق و غرب استفاده خواهد کرد.

در همین راستا در گفتگو با پروفیسور «فرهنگ جهانی» توانایی ایران در استفاده از فرصت های اقتصادی - سیاسی پسا برجام و همچنین نقشی را که می تواند با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود ایفا کند، مورد بررسی قرار گرفته است.

جهانپور استاد و رئیس پیشین دانشکده زبان های خارجه دانشگاه اصفهان است که در حال حاضر به تدریس در دانشگاه های کمبریج و آکسفورد مشغول بوده و استاد دوره های آنلاین دانشگاه های آکسفورد، ییل و استنفورد است. وی بورس یک ساله فرصت مطالعاتی در دانشگاه هاروارد را داشته و طی ۲۸ سال گذشته به تدریس در رشته سیاست های خاورمیانه در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه آکسفورد مشغول بوده است.

رئیس شورای تجاری روسیه و ایران، دو کشور می توانند در سال پیش رو تبادل تجاری دو جانبه را به ۱۰ میلیارد دلار برسانند.

«شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین نخستین رهبر یک کشور خارجی بود که تنها چند روز پس از لغو تحریم ها، به ایران آمد. در سفر دو روزه وی به ایران که از ۲۲ تا ۲۳ ژانویه سال ۲۰۱۶ طول کشید، طرفین تصمیم گرفتند تا سطح تجارت دو جانبه را با بیش از ۱۰ برابر افزایش از ۵۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۶۰۰ میلیارد دلار در ۱۰ سال آینده افزایش دهند. در این سفر، روسای جمهور دو کشور بر امضای ۱۷ توافقنامه سیاسی - اقتصادی به ارزش ده ها میلیارد دلار بین دو کشور نظارت کردند.

در این میان، شاید آنچه که بیشتر از توافقنامه های اقتصادی اهمیت داشت، مشارکت راهبردی چین - ایران بوده است به گونه ای که چین پیگ حمایت خود را از عضویت دائم ایران در سازمان «همکاری شانگهای» مورد تایید قرار داد.

به فاصله کمی پس از سفر رهبران دو قدرت بزرگ دنیای شرق به تهران، روحانی در تاریخ ۲۵ تا ۲۹ ژانویه از ایتالیا و فرانسه بازدید کرد و توافق هایی را به ارزش

**|| اهمیت سفر «حسن روحانی» رئیس جمهوری ایران به ایتالیا و فرانسه چیست؟**

رئیس جمهوری ایران برای استفاده هر چه بهتر از فرصت به دست آمده از لغو تحریم ها و اجرای توافق هسته ای که در ۱۶ جولای سال ۲۰۱۶ میلادی بین تهران و ۵+۱ حاصل شد، درنگ نکرد. در واقع، حتی پیش از لغو رسمی تحریم ها، «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه در نوامبر سال میلادی ۲۰۱۵ بعد از ده سال به ایران آمد و در طول این سفر، طرفین برای توسعه روابط اقتصادی در همه زمینه ها به توافق رسیدند.

در همین راستا، شرکت مهندسی «تکنوپروم اکسپورت» روسیه قرار است در بندرعباس یک نیروگاه حرارتی ۱.۴ گیگاواتی و یک نیروگاه تولید آب شیرین با ظرفیت روزانه ۲۰۰ هزار متر مکعب آب بسازد. علاوه بر این، مسکو قرار است اعتبار وام ۵ میلیارد دلاری تهران را برای پوشش هزینه ۳۵ پروژه مهم در زمینه انرژی، ساخت و ساز، بنادر و برق دار کردن خطوط ریلی و غیره افزایش دهد. مبلغ دو میلیارد دلار دیگر هم قرار است از سوی بانک «توسعه اقتصاد خارجی» روسیه در قالب اعتبار صادراتی به ایران داده شود. به گفته «ویکتور ملنیکوف»



اسامه حمدان:

## روابط ایران و حماس راهبردی است / فایل ابومرزوق تکه تکه شده است



مسئول روابط بین الملل جنبش حماس گفت: رابط ایران و حماس خوب است اما برخی دست های ناپاک سعی در تخریب این روابط دارند.

اسامه حمدان درخصوص برخی سخنان مبنی بر اختلاف جدی میان ایران و جنبش حماس، گفت: موضع جنبش حماس درباره روابطش با ایران روشن و راهبردی و فراتر از روابط و مسائل سیاسی است.

مسئول روابط بین الملل جنبش حماس تصریح کرد: روابط ایران و حماس خوب است اما برخی دست های ناپاک سعی در تخریب این روابط دارند. وی همچنین افزود: برخی طرف ها از رابطه خوب بین ایران و حماس ناراضی هستند و برای همین تمام تلاششان را برای تخریب این روابط به کار بسته اند.

حمدان درباره فایل صوتی منتسب به موسی ابومرزوق که اخیرا در شبکه العربیه منتشر شده است، توضیح داد: در واقع این فایل صدای خود ایشان است، اما تکه تکه شده و مورد سوء استفاده قرار گرفته چرا که در سیاق درست خودش نقل نشده است و مستقیما برای تخریب روابط جمهوری اسلامی ایران و جنبش حماس منتشر شده است.

مسئول روابط بین الملل درباره چگونگی انتشار این فایل در رسانه ها افزود: برخی دست های ناپاک وجود دارد که آن را پخش کرده اند و اسرائیل هم از آن سوء استفاده کرده و می بینیم که روزنامه های مشخصی آن را منتشر کرده اند؛ مخصوصا که بیشتر رسانه های اسرائیلی هستند که درباره آن مطلب می نویسند و مانور می دهند و در چند روز گذشته هیچ کس جز اسرائیلی ها این موضوع را تکرار نکرده است.

وی هدف اصلی مسببان این کار را تخریب و پایان دادن به روابط تهران - حماس دانست و تاکید کرد: روابط ما با ایران فراتر از چنین مسائلی و موضوعاتی است و مواضع تهران هم در برابر چنین اتفاقی کاملا برادرانه بوده است؛ چرا که تهران به خوبی می داند که هدف از انتشار این فایل صوتی دقیقا آسیب زدن به روابطش با حماس بوده است و از سوی دیگر رهبران حماس هم بر این تاکید دارند که هدف از این فایل صوتی ضربه زدن به روابط شان با ایران است.

این مسؤول بلندپایه در جنبش حماس تاکید کرد: جنبش اجازه نمی دهد کسانی که در پی چنین هدفی هستند به مقصود خود نایل آیند چراکه روابط ایران و حماس فراتر از چنین موضوعاتی است و لذا این روابط ادامه دارد و هرگونه اختلاف نظر هم که پیش آید با نگاه تقویت و تحکیم روابط مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا راه حلی پیدا شود؛ نه از موضع تضعیف و ضربه زدن به روابط.

جوان و تحصیل کرده، با زیربنای علمی پیشرفته و با وابستگی نسبتا کمتر به درآمدهای نفتی، دیگر کشورهای منطقه را که از غیبت این کشور در بازارهای تجارت بین المللی برای پیشرفت خود استفاده کرده اند، با چالش بزرگی مواجهه کرده است.

با احیاء رابطه با جامعه بین الملل، ایران شاید در بازه زمانی کوتاهی به بزرگترین اقتصاد خاورمیانه تبدیل شود و به جایگاهی برسد که در گذشته داشت. به عنوان مثالی که از متنوع تر بودن اقتصاد ایران حکایت می کند باید گفت که این کشور فقط ۲۵ درصد از بودجه سال مالی آینده خود را به نفت اختصاص داده است حال آنکه این مقدار برای عربستان سعودی ۷۶ درصد است.

علاوه بر این، شماری از ماجراجویی های عربستان سعودی در منطقه بی آنکه با موفقیت توأم باشد، هزینه سنگینی را برای ریاض به دنبال داشته است. جنگ عربستان علیه یمن دستکم هفته ای یک میلیارد دلار برای این کشور آب می خورد و تازه سعودی ها باید جور برخی از کشورهای منطقه را که ناچار به دعوت از آنها برای حضور در ائتلاف شد، به دوش بکشند. نتیجه آنکه در پایان سال میلادی ۲۰۱۵، ذخایر مالی ریاض به ۶۱۱.۹ میلیارد دلار رسید حال آنکه این مبلغ یک سال قبل از آن ۷۳۲ میلیارد دلار بوده و با این حساب می توان از آن به کمترین مقدار ذخایر مالی عربستان از سال ۲۰۱۱ میلادی یاد کرد. این در حالیست که انتظار می رود این مبلغ حتی از مقدار فعلی هم کمتر شده و تا پایان سال ۲۰۱۶ به ۵۰۰ میلیارد دلار برسد. علاوه بر این، سعودی ها سال گذشته کسری بودجه خود را ۹۸ میلیارد دلار اعلام کردند و انتظار می رود که در سال جاری (۲۰۱۶) این مبلغ به ۱۰۷ میلیارد دلار برسد و نکته اینجاست که هیچ کشوری نمی تواند این مقدار کسری بودجه را در دراز مدت تحمل کند.

ماه گذشته، صندوق بین المللی پول رشد رو به افول تولید ناخالص داخلی عربستان را برای امسال فقط ۱.۲ درصد اعلام کرد که کمترین مقدار از سال ۲۰۰۹ میلادی به این سو است و جالب آنکه همه اینها در حالی اتفاق می افتد که سعودی ها روزانه ۱۰.۲ میلیون بشکه نفت خام تولید می کنند. بنابراین، جای تعجب نیست که عربستان درباره آینده خود نگران است.

**|| ترکیه به دنبال ساخت یک پایگاه دریایی در قطر است. آیا این تصمیم در ارتباط با راهبرد تمرکز آمریکا بر آسیا اتخاذ شده است؟ برخی کارشناسان بر این باورند که آمریکا خواهان ایفای نقش فعال تری از سوی همپیمانان خود در خلیج فارس است. اگر این امر صحت داشته باشد، چه تاثیری بر نقش ایران در خاورمیانه خواهد داشت؟**

ایران به عنوان کشوری که ۱۷۷۰ کیلومتر مرز دریایی در خلیج فارس و دریای عمان دارد، بر خلیج فارس تسلط دارد. وجود برخی از پایگاه های کوچک خارجی در برخی از کشورهای خلیج فارس تاثیری بر برتری موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه ندارد. ایران و ترکیه با یکدیگر دوست هستند و منافع مشترک زیادی دارند. این دو کشور علیرغم برخی اختلاف نظرها درباره سوریه باید روابط خود را هر چه بیشتر توسعه داده و به منزله نگرهای ثبات منطقه عمل کنند. سیاست خارجی مستقل ایران به معنای عدم تمایل این کشور برای تبدیل شدن به عامل نیابتی قدرت های بیگانه است. بهترین سیاستی که ایران می تواند اتخاذ کند همان است که ترکیه زمانی سعی به پیروی از آن داشت که شامل پرهیز از تنش با هر یک از کشورهای همسایه می شود.

در خاورمیانه نزاع و رقابت بسیار شدیدی وجود دارد. ایران باید برای نزدیکی کشورهای منطقه به یکدیگر و ایجاد سیستم امنیتی مشترک که به نفع همه باشد، تلاش کند. این سیاست قطعا بهتر از هرگونه تقابل نظامی و یا درگیری در بحران های منطقه ای است. آنگونه که از ائت تروریسم برمی آید، با تشدید تنشها همه کشورهای منطقه به نوعی بازنده خواهند بود و پیروی از یک سیستم امنیت جمعی و همکاری که انشاءالله در نهایت به ایجاد یک بازار بزرگ مشترک با حضور همه کشورهای منطقه منجر شود، به نفع همه است.

اگر کشورهای اروپایی، علیرغم قرن ها جنگ و دشمنی شدید موفق به ایجاد اتحادیه اروپا شدند، هیچ دلیلی وجود ندارد که کشورهای خاورمیانه - که ارزش های مشترک مذهبی، فرهنگی و تاریخی بیشماری دارند - نتوانند به جای استفاده از منابعشان در راه حصول اهداف مخرب به اتحاد و تجمیع منابع دست یابند.





# خاورمیانه و شمال افریقا

دبیران: سمیه خماریا  
رامین حسین آبادیان

## تحلیلگر تونس می مطرح کرد؛

## تلاش ناکام آمریکا برای شکست انقلاب تونس/انقلاب در مسیر موفقیت



### های اخیر در اعتراض به بیکاری در کشور به «طرح مارشال» احتیاج دارد؟

طرح مارشال یک طرح غربی است و تونس یک کشور سنتی و ریشه دار است. تونس راهکارهای مختلفی برای حل مشکلات و بحران های خود پیش رو دارد و می تواند به نحو احسن از این راهکارها استفاده کند. به نظر من طرح های شکست خورده نمی توانند بار دیگر به کار گرفته شوند. علاوه بر این، توجه به این نکته نیز ضروری است که اوضاع تونس در مقایسه با وضعیت فاجعه بار همسایگانش بسیار بهتر است. به طور کلی در مقایسه با بسیاری از کشورهای عربی وضعیت بیکاری و فقر در تونس در شرایط بهتری قرار دارد. من شخصا عقیده دارم که این غرب است که به حل بحران تونس احتیاج دارد، زیرا به خطر افتادن امنیت تونس امنیت اروپا را نیز به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار می دهد.

### انگیزه جوانان تونسی برای برپایی انقلاب در این کشور چه بود؟ به دست آوردن آزادی، تحقق خواسته های سیاسی و بحران اقتصادی؟

خیزش مردمی در تونس در ابتدا با هدف تحقق رشد اقتصادی در کشور به راه افتاد. به تدریج با گذر زمان سقف مطالبات معترضان به دیکتاتور سابق افزایش یافت تا اینکه آنها خواستار اصلاحات سیاسی جدی از جمله در زمینه آزادی ها و برقراری دموکراسی شدند. پس از آنکه برخی مداخلات خارجی بر مطالبات مردم سرپوش نهاده و خواستار توقف آنها شدند، سرنگونی دیکتاتور سابق به عنوان آخرین خواسته مردم انقلابی تونس تبدیل شد. ایالات متحده آمریکا کاملاً به این درک رسید که جنگ علیه تونس همانند سیاستی که در قبال عراق اتخاذ شد، بسیار هزینه خواهد داشت. بنابراین تلاش کرد تا از راهی دیگر برای خفه کردن صدای مردم تونس در نطفه وارد عمل شود.

### بزرگترین چالش پیش روی تونس در دوران ما بعد از انقلاب و دوره سازندگی کشور چیست؟

بزرگترین چالش در مقابل تونس ایجاد یک تحول استراتژیک در کشور در زمینه های اقتصادی و سیاسی است. باید سیاست هایی اتخاذ گردد که دیگر منجر به تظاهرات هزاران نفری جوانان تونسی در اعتراض به بیکاری نشود. شاید مهم ترین چالش چگونگی افزایش نرخ رشد اقتصادی باشد به حدود ۶ درصد در طول سال باشد. اتخاذ راهکارهای مناسب برای مقابله با بیکاری و نابودی کامل تروریسم نیز از دیگر چالش های آینده تونس به شمار می روند.

تحلیلگر سیاسی تونس با اشاره به اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور پس از انقلاب سال ۲۰۱۱، تصریح کرد: ایالات متحده آمریکا در به شکست کشاندن انقلاب تونس شکست خورد.

مردم تونس در سال ۲۰۱۱ با یک خیزش مردمی گسترده موفق شدند به عمر حکومت «زین العابدین بن علی» دیکتاتور فراری این کشور پایان داده و یک دولت دموکراتیک برآمده از آرای ملت را تشکیل دهند. اکنون پنج سال از انقلاب مردمی در تونس می گذرد و در طول این مدت، این کشور همواره با چالش های متعدد اقتصادی و امنیتی و بعضاً سیاسی مواجه بوده است.

طی هفته های اخیر تظاهرات گسترده ای علیه سیاست های تونس در برخی استان های این کشور از جمله «القصرین» برگزار شده است. دامنه تظاهرات طی روزهای گذشته گسترش پیدا کرده و به پایتخت این کشور کشیده. «قائد باجی السبسی» رئیس جمهوری تونس در واکنش به این رویدادها ضمن اینکه حق اعتراضات به سیاست های دولت را حق طبیعی مردم عنوان کرده، گفته است: بدون شک تروریست های تکفیری داعش از ناآرامی های به وجود آمده اخیر در کشور سوء استفاده خواهد کرد. بر همین اساس، در زمینه آخرین تحولات تونس و اوضاع سیاسی و امنیتی این کشور خبرنگار مهر گفتگویی را با «روعه قاسم» تحلیلگر سیاسی تونس انجام داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

دست پیدا کرد، اما برخی از ناهنجاری ها و چالش ها نیز در عرصه های مختلف در کشور ظهور و بروز پیدا کرد. پس از انقلاب ما خود را در مقابل بسیاری از کشورهای خارجی از جمله آمریکا دیدیم و این موضوع بر هیچکس پوشیده نیست. دولت آمریکا همواره تلاش کرده با اتخاذ سیاست های گوناگون و استراتژی های متفاوت نقش سنتی و تاریخی فرانسه در تونس را با چالش مواجه سازد. برخی اطلاعات وجود دارد که نشان می دهد مهم ترین هدف آمریکا ایجا یک پایگاه نظامی در شمال آفریقا برای تحرک هرچه بیشتر به سمت منطقه است.

### آینده انقلاب تونس را چگونه ارزیابی می کنید؟

مردم تونس ثابت کرده اند که قادر به تحمل تمامی سختی های دوران پس از انقلاب هستند. آنها با اتخاذ سیاست «توافق و آشتی» کشور را از خطر جنگ داخلی نجات دادند. شما به خوبی می دانید آنچه که در تونس اتفاق افتاد با آنچه که اکنون در سوریه، لیبی و دیگر کشورها رخ می دهد، کاملاً تفاوت دارد. به نظر من تونس با تاریخ تمدنانه ای که دارد می تواند از همه مشکلات و سختی ها عبور کرده و به ساحل آرامش برسد.

### به نظر شما بزرگترین مانع بر سر راه برقراری دموکراسی در کشورهای جهان عرب چیست؟ منازعات سیاسی، بی تجربگی، عدم وجود نهادهای قدرتمند، حکام دیکتاتور، بحران های اقتصادی و یا دخالت های ایالات متحده آمریکا در کشورهای عربی؟

درست است که آنچه امروز در کشورهای جهان عرب اتفاق می افتد در نتیجه سناریوی ایجاد هرج و مرج که وزیر خارجه پیشین آمریکا مطرح کرد، رخ می دهد. اما این بدان معنا نیست که قصد داریم وجود یک تاریخ سرشار از استبداد در کشورهای عربی را انکار کنیم. صحنه سیاسی یکنواخت در بسیاری از کشورها موجب شد تا جوانان به نشانه اعتراض به خیابان ها ریخته و آرزوهای خود را جستجو کنند. در بسیاری از کشورهای عربی اوضاع اقتصادی نابسامانی وجود دارد و ثروت های کشور در دستان طاغوتیان قرار دارد. با این حال، خیلی زود پروژه های کشورهای خارجی و بیگانه در کشورهای عربی اجرایی شده و انقلاب های به وجود آمده در این کشورها جای خود را به توطئه های خارجی دادند.

### به نظر شما آیا تونس به دلیل تظاهرات

### به نظر شما اوضاع سیاسی و امنیتی در تونس با گذشت پنج سال از سرنگونی «زین العابدین بن علی» شاهد تغییر و تحولاتی بوده است؟

تحولاتی که در طول پنج سال گذشته در تونس اتفاق افتاد را می توان به چند قسمت تقسیم کرد: تحولات اول مربوط به اقتصاد و رشد اقتصادی و دوم تحولات مربوط به اوضاع امنیتی. در خصوص تحولات مربوط به اوضاع اقتصادی باید گفت که پس از سرنگونی دیکتاتور سابق کشور دولتمردان تونس موفق نشدند هیچ دستاورد اقتصادی جدیدی را به جوانان کشور ارائه دهند. اگر به آمار و ارقام نگاهی بیاندازیم به خوبی متوجه خواهیم شد که نرخ بیکاری در مقایسه با سال های گذشته که ۱۲ درصد بود به ۱۵ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، میزان رشد اقتصادی در سالهای اولیه انقلاب تونس زیر ۱۵ درصد بوده است. در خصوص اوضاع امنیتی باید گفت که چالش های بیشتری پس از انقلاب دامن گیر مردم تونس شده است. به عقیده من تنها دستاورد انقلاب تونس در زمینه رعایت «آزادی ها» است؛ آزادی هایی که به ویژه در زمینه رسانه نمود بیشتری پیدا کردند. پس از انقلاب تونس، آزادی بیان و عقیده به عناصر اصلی قانون اساسی کشور تبدیل شدند.

### آیا انقلاب تونس به پایان رسیده است؟ آیا این انقلاب تمامی اهداف خود را محقق کرده است؟

انقلاب تونس به پایان نرسیده است، با این حال تمامی اهداف آن هم محقق نشده است. همانگونه که گفتم در زمینه اقتصادی مشکلات زیادی در کشور طی پنج سال گذشته به وجود آمد. در مقابل، در زمینه تأمین آزادی ها برای شهروندان تونسی اتفاقات خوبی افتاد. متأسفانه طی ماه ها اخیر حزب «نداء» تونس به عنوان حزب حاکم در کشور به جای تمرکز بر روی مسائل و معضلات اصلی کشور مانند بیکاری جوانان مشغول درگیری های سیاسی است. به نظر من برگزاری تظاهرات های گسترده طی هفته های گذشته یک هشدار برای دولتمردان است که ممکن است انقلابی دیگر در لحظه ای غیرمنتظره اتفاق بیافتد.

### واکنش و مواضع قدرت های جهانی به ویژه ایالات متحده آمریکا در قبال انقلاب تونس را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تصور می کنید که همراهی و آشننگتن با انقلاب تونس کند و ناکافی بوده است؟

می خواهم به مطلب مهمی اشاره کنم. با وجود اینکه تونس پس از انقلاب در سال ۲۰۱۱ به دستاوردهای بسیاری

## هراس صهیونیست‌ها از تهدیدات صادقانه سید حسن نصرالله



مواضع دبیر کل حزب الله لبنان درباره هدف قرار دادن مخازن شیمیایی در حیفا در فلسطین اشغالی در صورت ارتکاب اقدام احمقانه از سوی رژیم اسرائیل، سخت صهیونیست‌ها را به هراس انداخته است.

روزنامه الاخبار در مطلبی با اشاره به هراس صهیونیست‌ها از تهدیدات سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان آورده است: اسرائیلی‌ها مواضع چند روز قبل دبیر کل حزب الله درباره بمب اتمی را نمی‌توانند نادیده بگیرند تهدیدی که درباره هدف قرار دادن مخازن آمونیاک در خلیج حیفا بود این موضع گیری فراتر از سیاست رسانه ای تل آویو در برابر مواضع حزب الله از سال ۲۰۰۶ به بعد بود.

این رسانه می‌نویسد: رژیم اسرائیل در برابر تهدیدات نصرالله عاجز است زیرا این تهدیدات تأثیر ویژه و واقع بینانه ای بر اسرائیلی‌ها (صهیونیست‌ها) دارد. علت این موضوع کاملاً مشخص است و آن صداقت نصرالله دبیر کل حزب الله در تهدیدات است و نتایج درگیری سالهای طولانی به کارشناسان اسرائیلی این موضوع را ثابت کرده است.

الاخبار تشریح کرد: در تهدیدات اخیر سید حسن نصرالله دو بُعد وجود دارد که مسئولان رژیم اسرائیل نمی‌توانند آن را خنثی کنند و از میزان ترس بکاهند و به ساکنان حیفا و دیگر مناطق (فلسطین اشغالی) را دلداری بدهند: نخست اینکه مخازن گاز شیمیایی آمونیاک در حیفا وجود دارد و اینکه هدف قرار دادن آن به کشته شدن ده‌ها هزار نفر می‌انجامد و دیگر اینکه حزب الله لبنان ادوات لازم برای هدف قرار دادن این مخازن را در اختیار دارد و این موضوعی است که همه مسئولان رژیم اسرائیل به آن اعتراف می‌کنند و آن را قبول دارند و تنها موضوع اراده انجام کار است.

در همین راستا کانال دوم رژیم اسرائیل به بررسی این موضع در برنامه ای پرداخت که همه کارشناسان بر صداقت نصرالله و کارزمای وی صحت گذاشتند. عودید بن عامی از کارشناسان اسرائیلی در این باره گفت: مشکلی که اسرائیل با آن روبرو است این است که نصرالله قبلاً ثابت کرده که صادق است و دروغ نمی‌گوید. وی از اموری سخن می‌گوید که با واقعیت همخوانی دارد. بدیهه مخازن آمونیاک در حیفا وجود دارد و بله این خطری است (در صورت هدف قرار گرفته شدن) که یک میلیون نفر را تهدید می‌کند و این بسیار خطرناک است.

این کارشناس صهیونیست که قبلاً سمت سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی را برعهده داشته است از توسعه و پیشرفت توان موشکی حزب الله سخن گفت و افزود: من هر آنچه نصرالله می‌گوید باور دارم و وی قادر به بمب اتمی که از آن سخن می‌گوید است و باید مواضع وی را جدی گرفت. همه اسرائیلی‌ها (صهیونیست‌ها) باید از این مواضع آگاه شوند به ویژه که این مواضع امور دقیقاً را شامل می‌شود.

الاخبار در ادامه نوشت: روزنامه هارتس نیز این مواضع نصرالله را در برابر نظریه گادی ایزنکوت رئیس ستاد ارتش رژیم اسرائیل مبنی بر نظریه الضاحیه مطرح کرده و نوشته است که نصرالله با تهدیدات خود بازدارندگی را ادامه می‌دهد.

شیرین هانتز مطرح کرد؛

## اهداف آنکارا از ایجاد پایگاه نظامی در قطر



مشغولیت مستقیم خود را در منطقه کاهش دهد.

**|| همانطور که می‌دانید چندی است نواز شریف نخست وزیر پاکستان ملاقاتی با مقامات ایرانی به منظور میانجیگری بین تهران و ریاض صورت داده است بنا بر این در مقایسه کشورهای مثل ترکیه و عمان آیا می‌توان اینگونه بیان کرد که پاکستان تأثیر بیشتری در حل این مسئله داشته است؟**

پاکستان ارتباطات نزدیک و بلند مدتی با عربستان سعودی دارد. همچنین این کشور خود را برای دفاع از عربستان سعودی در برابر هر حمله به این کشور متعهد کرده است. به خاطر این روابط، حداقل در عرصه نظر، پاکستان باید نفوذ بیشتری بر عربستان سعودی داشته باشد. برای مثال پاکستان ممکن است دلائلی برای خود داشته باشد مبنی بر اینکه ممکن است تنش بین ایران و پاکستان دچار مشکل شود در صورتی که پاکستان کاملاً بخواهد طرف عربستان سعودی را داشته باشد چرا که این امر به کاهش کمک پاکستان به عربستانی می‌انجامد که پادشاهی اش دچار تهدیدات امنیتی شده است.

در مقابل، روابط ترکیه و عربستان سعودی اخیراً زیاد شده است. همچنین عمان و عربستان سعودی هرگز روابط نزدیکی با هم نداشتند. در نتیجه، توانایی این دو کشور برای متقاعد کردن عربستان به منظور کاهش تنش‌ها با ایران بسیار کمتر از پاکستان است. سرانجام، با این حال کاهش تنش بین ایران و عربستان سعودی بستگی به خود این دو کشور دارد و دیگران نمی‌توانند مثل خودشان کاری از پیش ببرند.

**|| دلائل اصلی عربستان سعودی برای افزایش تنش‌ها با ایران چیست؟ آیا تصور نمی‌کنید که علتش افزایش موازنه قوا به نفع ایران در مقایسه با ریاض در سطح منطقه است؟**

عربستان سعودی تلاش دارد تا از هر بهبود روابطی بین ایران و ایالات متحده آمریکا، ایران و اروپا جلوگیری کند. بنابراین برای دستیابی به این هدف ایران را برای انجام اقداماتی علیه سیاست‌های غرب تحریک کرده و حتی منجر به نوعی مواجهه نظامی بین ایران و آمریکا شود.

استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا معتقد است دولت اردوغان در سالهای اخیر اشتیاقی برای نقش آفرینی بیشتر در خاورمیانه و خلیج فارس دارد و ایجاد پایگاه نظامی در قطر نیز در این راستا است.

آنکارا قرار است یک پایگاه دائمی نظامی چند منظوره هوایی و دریایی در قطر احداث کند. بر این اساس ترکیه نیز در کنار آمریکا در این کشور کوچک حوزه خلیج فارس صاحب یک پایگاه نظامی خواهد شد. بدین ترتیب ترکیه نیز در شمار کشورهای قرار می‌گیرد که مستقیماً وارد ساز و کارهای امنیتی منطقه خلیج فارس می‌شود.

با این وجود در حال حاضر علاوه بر پایگاه نظامی دائم بریتانیا در بحرین و البته پایگاه نظامی آمریکا در این کشور و پایگاه نظامی فرانسه در امارات متحده عربی، ترکیه نیز در کنار آمریکا در قطر پایگاه نظامی خواهد داشت.

این پایگاه زمینه دسترسی و پشتیبانی نیروهای ترکیه را در عملیات‌های آتی احتمالی این کشور در دریای سرخ، شمال آفریقا و خلیج فارس فراهم خواهد کرد و برای اولین بار بعد از سال ۱۹۵۰ میلادی ناوگان دریایی ترکیه به اقیانوس آرام دسترسی خواهد داشت.

مطمئناً حضور مستقیم نظامی ترکیه در ساز و کارهای امنیتی خلیج فارس با مجوز آمریکا و ناتو صورت گرفته است. اگرچه آمریکا و ناتو حاضر نیستند با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سطح همکاری نظامی را به پیمان امنیت جمعی ارتقا دهند اما وجود توافقنامه‌های دو جانبه چه از سوی آمریکا و چه از سوی متحدان این کشور با اعضای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند منافع آنها را به همراه داشته باشد.

در گفتگو با پروفسور «شیرین هانتز» استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا به بررسی آثار امنیتی پایگاه نظامی ترکیه در قطر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته ایم که مشروح آن در ادامه آمده است.

**|| ترکیه تصمیم دارد پایگاه چند منظوره نظامی خود را در قطر راه اندازی کند. آیا این موضوع به استراتژی ایالات متحده برای چرخش به آسیا (pivot to Asia) مرتبط است. برخی کارشناسان معتقد هستند که ایالات متحده از متحدانش می‌خواهد که نقش بیشتری در خلیج فارس داشته باشند به اعتقاد شما این نظر درست است یا خیر؟ اگر این ادعا درست است نقش ایران در خاورمیانه در آینده چطور خواهد بود؟**

ترکیه تحت حکومت اردوغان، به ویژه در این سال‌های اخیر، اشتیاق بیشتری برای نقش آفرینی بیشتر در خاورمیانه و خلیج فارس دارد. سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه بیشتر به سمت طایفه‌گرایی پیش رفته و این سیاست‌ها ماهیتی ضدشیعی و ضدایرانی بیشتری پیدا کرده است.

ایجاد یک پایگاه در قطر نیز بخشی از نقشه‌های ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت بزرگ خاورمیانه و کنترل ایران و قدرت عراق شیعی است. این موضوع ارتباط کمی با سیاست چرخش آمریکا به آسیا دارد. هرچند فعالیت‌های ترکیه به عنوان عضو از ناتو در خلیج فارس ایالات متحده را قادر می‌سازد تا



کارشناس مسائل خاورمیانه مطرح کرد؛

## اقدام مشکوک حریری در حمایت از فرنجه/ جمعج به دنبال انتقامجویی

رامین حسین آبادیان



در هر صورت، هنگامی که کار به اینجا رسیده است که صفوف ۱۴ مارس پیش از ۸ مارس به هم ریخته است، بار دیگر تحلیل اول زیر سؤال می رود. با این حال، هیچکس در صحنه سیاسی لبنان نمی تواند پاسخ دقیقی به این سؤال بدهد تا در آینده همه چیز مشخص شود.

**|| با توجه به اینکه گروهی در ۸ مارس از جمله «نبیه بری» از «سلیمان فرنجه» حمایت می کنند، بنابراین انتخاب میشل عون به عنوان رئیس جمهوری چه پیامدهایی بر این جریان خواهد داشت؟**

این موضوع برای جریان ۸ مارس می تواند تبعاتی به دنبال داشته باشد، زیرا درست است که هر دو نامزد تصدی پست ریاست جمهوری از جریان ۸ مارس هستند، با این حال در صفوف این جریان اختلافاتی دیده می شود که نمی توان از آن چشم بست. بنابراین چنین مسأله ای می تواند به انسجام درونی جریان ۸ مارس لطمه زده و وحدتی که تا به امروز از آن برخوردار بودند را متزلزل کند. بنابراین، یک وضعیت خطرناکی در حال اتفاق افتادن است که باید منتظر ماند و دید پارلمان لبنان در جلسه بعدی خود در خصوص انتخاب رئیس جمهوری بعدی چه اقدامی را انجام می دهد.

**|| با توجه به اقدام «سمیر جمعج» که مورد حمایت قطر است، رقابت میان این کشور و عربستان سعودی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

البته گمانه زنی هایی که در این خصوص مطرح می شود تنها رسانه ای بوده و قطر و عربستان سعودی هیچیک مواضع رسمی خود در خصوص نامزدهای مورد حمایتشان در انتخابات ریاست جمهوری لبنان را اعلام نکرده اند. اخبار رسانه ای حاکی از آن هستند که عربستان از موضع اخیر «سمیر جمعج» بسیار عصبانی بوده و این اقدام را به مثابه یک «گناه بزرگ» و یا یک «اشتباه» بزرگ تلقی کرده است. از سوی دیگر، قطری ها هم گفته می شود که از موضع «سمیر جمعج» حمایت کرده اند. با این اوصاف یک نوع رقابت میان عربستان و قطر گفته می شود در حال شکل گیری است. البته نباید از این مسأله غافل شد که چنین مسأله ای تاکنون در حد شایعات و گمانه زنی های رسانه ای باقی مانده است.

**|| آیا هدف اصلی سعد الحریری از معرفی فرنجه ایجاد انشقاق در جریان ۸ مارس بوده و یا اهداف دیگری را دنبال می کند؟**

در حال حاضر تحلیل های مختلفی در این زمینه وجود دارد. تاکنون هیچکس نتوانسته است پاسخ دقیقی به این سؤال بدهد، زیرا در حقیقت انتخاب سلیمان فرنجه توسط سعد الحریری جای تعجب بسیار دارد. علامت سؤال بزرگ این است که اگر سعد الحریری حاضر نیست میشل عون را به ریاست جمهوری بپذیرد، چگونه در مقابل با گزینه ای همچون سلیمان فرنجه موافقت کرده است؟ زیرا ارتباط سلیمان فرنجه با حزب الله، دولت سوریه و حتی شخص بشار اسد بسیار قوی تر از ارتباط عون با آنهاست. بنابراین از ابتدا این شک و شبهه وجود داشت که سعد الحریری در اقدامی که انجام داده است، صادق نیست و در واقع با جبهه ۸ مارس بازی می کند تا آن را به هم بریزد. این شبهه نیز وجود دارد که الحریری قصد داشته در واقع توپ را در زمین حزب الله انداخته و اینگونه وانمود کند که حزب الله مانع انتخاب رئیس جمهور کشور است.

است. حتی هم اکنون نیز چنین شک و شبهه ای در خصوص اقدامی که سعد الحریری انجام داده است، وجود دارد، چرا که با وجود اینکه الحریری در جریان دیدار شخصی با سلیمان فرنجه حمایت خود از وی را اعلام کرده است اما تاکنون حاضر به علنی و رسمی کردن مسأله نشده است. در مقابل، سمیر جمعج از این اقدام و انتخاب الحریری بسیار تعجب کرد، زیرا داستان دشمنی جمعج با سلیمان فرنجه که الحریری وی را به عنوان جایگزین جمعج انتخاب کرد، بسیار طولانی است. پدر سلیمان فرنجه، مادر و خواهر او توسط نیروهای سمیر جمعج کشته شدند و این انتخاب سلیمان فرنجه برای تصدی پست ریاست جمهوری توسط سعد الحریری یک ضربه بسیار شدیدی به جایگاه سمیر جمعج در بین مسیحیان ۱۴ مارس داشت. از همین روی، سمیر جمعج برای احیای خود و همچنین جبران این مسأله موضع خود را تغییر داده و از میشل عون حمایت کرد. وی تلاش کرد تا با این اقدام خود پاسخ محکمی به سعد الحریری داده باشد.

**|| به نظر شما این اقدام باعث انشقاق در جریان ۱۴ مارس خواهد شد؟ بلوک بندی های سیاسی در لبنان با این اقدام دستخوش تغییر خواهد شد؟**

در واقع باید گفت که صفوف هر دو جبهه به هم ریخته است. این غیرقابل انکار است صفوف ۱۴ مارس و همچنین ۸ مارس به هم ریخته است. در جبهه ۸ مارس «نبیه بری» از سلیمان فرنجه حمایت می کند و از صفوف ۱۴ مارس، سعد الحریری و جنبلاط هم از سلیمان فرنجه حمایت می کنند بر عکس، سمیر جمعج از جریان ۱۴ مارس از میشل عون حمایت می کند و حزب الله و جریان ۸ مارس هم از میشل عون حمایت می کند. بنابراین حداقل برآورد از اوضاع سیاسی مربوط به تحولات انتخابات ریاست جمهوری این است که صفوف به هم ریخته است. در نهایت برای رسیدن به نتیجه باید منتظر شد و دید اوضاع به کجا خواهد رسید، زیرا هیچ چیز قطعی نیست. اگر پارلمان لبنان در جلسه آینده خود برای انتخاب رئیس جمهوری لبنان، از میان میشل عون و سلیمان فرنجه یک نفر را برای تصدی پست ریاست جمهوری برگزیند، قطعاً صفوف هر دو جبهه به هم خواهد ریخت.

دکتر «مسعود اسدلهی» با اشاره به اقدام سعد حریری در حمایت از سلیمان فرنجه در انتخابات ریاست جمهوری لبنان به جای جمعج، گفت: حمایت جمعج از عون در انتخابات برای جبران اقدام حریری صورت گرفت. پس از پایان دوره ریاست جمهوری «میشل سلیمان» در سال ۲۰۱۴، به دلیل مخالفت اکثر گروه ها و جریان های سیاسی با تمدید این دوره که دلیل آن را مواضع ضعیف وی در قبال تحولات داخلی و منطقه ای اعلام کردند، کشور لبنان با بحران خلاء ریاست جمهوری مواجه شد؛ بحرانی که سلسله نشست های متعدد حزب الله و المستقبل هم برای پایان دادن به آن کارگر نبود. از زمان آغاز بحران خلاء ریاست جمهوری در لبنان، نمایندگان پارلمان این کشور جلسات متعددی را برای انتخاب رئیس جمهوری تشکیل داده اند اما تمامی این جلسات یا به دلیل عدم توافق گروه های سیاسی بر سر نام رئیس جمهوری و یا به دلیل به حد نصاب نرسیدن تعداد نمایندگان با ناکامی مواجه شده اند.

خلاء ریاست جمهوری در تاریخ سیاسی لبنان مسبوق به سابقه است. از پایان دوره ریاست جمهوری «امین الجمیل» تا انتخاب «ربیه معوض»؛ یعنی از سپتامبر ۱۹۸۸ تا نوامبر ۱۹۸۹ و همین طور از پایان دوره ریاست جمهوری «امیل لحد» تا انتخاب «میشل سلیمان»؛ یعنی از نوامبر ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸، کاخ ریاست جمهوری لبنان در «بعیدا» فاقد رئیس بود. در نتیجه کشمکش های سیاسی در لبنان در نهایت «سمیر جمعج» نامزد مورد حمایت سابق جریان ۱۴ مارس به صورت کاملاً ناگهانی و در اقدامی غیرمنتظره حمایت خود از «میشل عون» نامزد مورد حمایت جریان ۸ مارس حمایت کرد. در نتیجه قرار است پارلمان لبنان در جلسه آینده خود در رابطه با رئیس جمهوری بعدی این کشور تصمیم گیری کند. در همین ارتباط، خبرنگار مهر گفتگویی را با دکتر «مسعود اسدلهی» استاد جغرافیای سیاسی و کارشناس مسائل خاورمیانه انجام داده است که مشروح آن از نظر می گذرد؛

**|| دلایل حمایت «سمیر جمعج» از «میشل عون» کاندیدای مورد حمایت حزب الله چیست؟**

علت کناره گیری «سمیر جمعج» از نامزدی انتخابات ریاست جمهوری لبنان و حمایت وی از «میشل عون» برای تصدی این پست به مواضع اخیر «سعد الحریری» رئیس جریان المستقبل لبنان طی هفته های اخیر بازمی گردد؛ زمانی که الحریری در جریان دیداری دو جانبه با «سلیمان فرنجه» رسماً اعلام می کند که جریان المستقبل آماده است تا از وی برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری به جای سمیر جمعج حمایت کند. همانگونه که می دانید فرنجه یکی از چهره های برجسته جریان ۸ مارس در لبنان به شمار می رود و رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی با حزب الله و دولت سوریه دارد. بنابراین، چنین تحولی در عرصه انتخابات ریاست جمهوری لبنان، تحولی بزرگ محسوب می شود.

در ابتدا تصور می شد که اقدام الحریری در اعلام حمایت از سلیمان فرنجه به جای سمیر جمعج مانوری است از سوی وی که با هدف بر هم ریختن صفوف جریان ۸ مارس انجام شده

چرا آزادی شهرک «نبل» و «الزهراء» اهمیت دارد؟

## برگ برنده معارضین علیه مقاومت در مذاکرات ژنو شکست خورد



به دی میستورا گفتیم که قرار است با چه کسانی سر میز مذاکره بنشینیم گویا ما با گروهی از اشباح طرف بودیم. ما باید شرایط دی میستورا را به عنوان پیش برنده مذاکرات درک کنیم اما وی با فشار از سوی عربستان مواجه است. برخی از دوستان ما و همچنین برخی کشورها از اقدامات ائتلاف ریاض ناخرسند هستند.

بر این اساس به نظر می رسد شکستن محاصره این دو شهرک در حومه حلب - که از سال ۲۰۱۳ در پی محاصره شدید از سوی گروه های مسلح با بحران غذا، دارو و سوخت مواجه شده و افزون بر این فجایع باید به گلوله باران مداوم شهروندان به صورت کورکورانه اشاره کرد که منجر به شهادت و زخمی شدن شمار زیادی از این افراد به ویژه زنان و کودکان شد - توانسته تا حدود زیادی اوضاع منطقه ای در سوریه را وزن کشتی کند.

از سویی؛ از آنجا که با وجود شرایط سختی مانند بمباران و محاصره، ساکنان این دو شهرک شیعیه نشین به مدت ۳ سال و نیم مقاومت کرده و با تشکیل کمیته های مردمی برای دفاع از خود در برابر گروه های مسلح و با وجود بمباران روزانه ایستادگی کردند تا جایی که موفق شدند با شکسته شدن محاصره، پوزه تروریسم تکفیری و حامیان عبری - غربی - عربی - ترکی آنها را به خاک مالیده و به نیروهای ارتش سوریه ملحق شوند، پیام روشن «مقاومت، تنها راه پیروزی» به همگان مخابره شد.

ژنو ۳ مشخص بود، نظام سلطه و حامیان تروریست ها به دنبال بهانه گیری هایی بودند تا با تحمیل برخی پیش شرط ها، خروجی کار را به سود خویش پیش ببرند. در این مدت بسیاری از تحلیل ها نبل و الزهراء را برگ برنده معارضین علیه محور مقاومت می دانستند که سعی می شود با فشار بر آن در ژنو دست بالا را داشته باشند. شکست این محاصره در واقع برگ برنده تروریست ها و حامیانشان را در ژنو شکست.

در این باره «عمران الزعبی» وزیر اطلاع رسانی سوریه اظهار داشت که پیروزی های میدانی در سوریه و شکست محاصره نبل و الزهراء در حومه حلب نشان می دهد که مذاکره سوری - سوری تنها در سوریه انجام می گیرد نه در هیچ کشور دیگری. به بیان بهتر؛ یکی از مواردی که موجب به تعویق افتادن دوباره مذاکرات صلح سوریه در ژنو و تعلیق آن شد همین مسئله بود زیرا عملاً ابزار فشار تروریست ها و حامیانشان را از آنها ستاند و هیأت سوری نیز پس از تعلیق مذاکرات صلح این کشور در ژنو و موکول شدن آن به روز ۲۵ فوریه اقدام به ترک ژنو کردند.

«نشار الجعفری» رئیس هیأت مذاکره کننده سوری پیش از ترک ژنو در این باره تصریح کرد: هیأت مخالفان سوری دستوراتی را از عربستان، ترکیه و قطر برای کناره گیری از مذاکرات ژنو دریافت کرده بود. ما با یک هیأت مخالفان روبرو نبودیم بلکه با مخالفان متعددی مواجه بودیم. ما

های دفاع مردمی پس از سلسله عملیات نظامی موفق که طی آن کنترل بسیاری از روستاها و مناطق حومه شمالی حلب را در دست گرفتند موفق به کسب این دستاورد و فک محاصره نبل و الزهراء شدند که طی آن شمار زیادی از عناصر گروه های تروریستی کشته شدند. بنابر این گزارش، دستاوردهای حداقلی این عملیات بزرگ و سرنوشت ساز را می توان به شرح زیر فهرست نمود:

الف) این پیروزی مهمترین راه امدادسانی به تروریست ها از ترکیه به حلب و حومه آن را قطع کرده و فروپاشی بزرگی برای گروه های تروریستی بشمار می رود. ب) برخلاف ادعاهای آمریکایی ها و جنگ روانی رسانه های وابسته، پیروزی در این عملیات با توجه به اینکه کاملاً توسط ارتش سوریه ساماندهی و انجام شد نشان داد که او لا هنوز دولت سوریه وجود دارد و در ثانی تاکیدی دوباره بر اصرار نیروهای مسلح سوریه برای ادامه انجام وظایف و ماموریت های خود در حمایت از این کشور و مردم آن بود.

ج) در فرآیند جنگ میدانی پیچیده چند وقت اخیر در مناطق تحت درگیری، این پیروزی و حصر شکنی، موقعیت محور مقاومت را پس از پشت سر گذاردن دوران عقب نشینی و دفاع به تحکیم و تثبیت محیطی و در نهایت به سمت آفتد تغییر داد و همین مسئله موجب افت شدید روحیه تروریست ها و تقویت روحیه رزمندگان مقاومت شد. د) چنانچه در روزهای منتهی به نشست

در این مدت بسیاری از تحلیلها نبل و الزهراء برگ برنده معارضین علیه مقاومت می دانستند که سعی می شود با فشار بر آن در ژنو دست بالا را داشته باشند. شکست این محاصره برگ برنده تروریستها را شکست.

چند روز قبل بالاخره پس از تلاش چند شبانه روزی و نفس گیر، ارتش سوریه و نیروهای مقاومت پس از آزادسازی معرسة الخان موفق به شکستن محاصره بیش از سه سال و نیم دو شهرک «نبل» و «الزهراء» شده و با ورود به داخل این دو شهرک به پاکسازی محله به محله از لوث تروریست ها اقدام کردند.

شکستن محاصره این دو شهرک که در ۲۰ کیلومتری حومه شمالی حلب و ۴۰ کیلومتری مرز ترکیه در مسیر «حلب - اعزاز» در شمال سوریه واقع شده و در بیست و سوم ژوئیه سال ۲۰۱۲ میلادی توسط گروه های سلفی وهابی تکفیری وابسته به گروه تروریستی «القاعده» و در رأس آنها گروه «جبهة النصرة» هدف حمله قرار گرفته و به صورت کامل به محاصره در آمدند، از چند منظر اهمیت ویژه و راهبردی دارد.

در این باره فرماندهی کل ارتش سوریه شکست محاصره دو منطقه شیعیه نشین «نبل» و «الزهراء» را ضربه مهلکی به تروریست ها و حامیان آنها در منطقه و نقطه عطفی برای تکمیل عملیات نظامی در حومه شمالی حلب و ریشه کنی گروه های تروریستی پرشمرد و اعلام کرد که نیروهای ارتش سوریه با همکاری گروه



## تصمیم عربستان برای قطع روابط با ایران از پیش تعیین شده بود

سفیر عراق در تهران اعلام کرد که تصمیم ریاض برای قطع روابط دیپلماتیک با ایران اقدامی از پیش تعیین شده بود. اعدام آیت‌الله نمر باقر النمر مخالف شیعه رژیم آل سعود به همراه شمار دیگری از مخالفان واکنش‌های گسترده‌ای را در ایران، منطقه و جهان داشته است. این اقدام تحریک آمیز سعودی در این مقطع زمانی خاص موجب شد تا گروهی با غلبه احساسات به اماکن دیپلماتیک این کشور در تهران و مشهد تعرض کنند. اقدامی مشکوک که موجب جنجال سیاسی رژیم سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران شد هر چند عالی‌ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران تعرض صورت گرفته را محکوم کردند و این اقدام تحت پیگرد قرار گرفت.

به اعتقاد بسیاری این حرکتی مشکوک بوده است که رژیم سعودی با بهانه قرار دادن آن برای دستیابی به اهدافی کلان تر روابط خود با ایران را قطع کرد. در همین رابطه گفتگویی انجام شده است با «راجح صابر الموسوی» سفیر عراق در تهران که مشروح آن از نظر می‌گذرد:



یادداشتی را که حاوی ملاحظاتی درباره محکوم نکردن ایران بود به صورت مکتوب در اختیار دبیرخانه اتحادیه عرب قرار داد. عراق همچنین با محکوم کردن حزب الله مخالف است زیرا این جنبش با دشمن اسرائیلی مبارزه می‌کند.

### || ابراهیم الجعفری در حاشیه نشست وزیران خارجه اتحادیه عرب دیداری با هم‌تایان قطری، اماراتی و لبنانی خود داشته است محور این گفتگوها چه بوده است؟

هدف عراق تلاش برای آرام کردن اوضاع و مواضع افراطی بود که خواهان تشدید تنش‌ها بودند، به طوری که عراق نقش بسیاری در صدور بیانیه کنونی ایفا کرد و از همه خواست که راه تعقل را در پیش بگیرند. ابراهیم الجعفری با مسئولان امارات، لبنان و قطر دیدارهایی داشت و دیدگاه‌های طرف ایرانی که حمله به سفارت عربستان را محکوم کرده بودند را انتقال داد. ابراهیم الجعفری در این دیدارها همه را به گفتگو با ایران دعوت و اعلام کرد که ایران خطری برای منطقه به شمار نمی‌رود بلکه عامل ثبات است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و اتهاماتی که به این کشور وارد می‌شود اتهاماتی باطل است.

### || ابراهیم الجعفری اعلام کرده است که ریاض با طرح عراق برای حل تنش با ایران موافق است، این طرح دقیقاً چیست و

در بیانیه اتحادیه عرب به برقراری روابط حسنه با کشورهای عربی و اسلامی دعوت شده است، برخی از کشورهای عربی متاسفانه به دنبال فشار بر اتحادیه عرب برای بحران زایی میان روابط ایران و عراق هستند و فراموش می‌کنند که ایران کشور مهمی در جهان است و عامل ثبات در منطقه محسوب می‌شود. عراق در تلاش برای بهره‌برداری از جو مثبتی که در پی توافق هسته‌ای ایران در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه به وجود آمده است خواهان گفتگو میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با ایران است. محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران نیز ۴ ماه پیش با سفر به کویت، قطر و عراق پیشنهاد همکاری و گفتگو را مطرح کرده بود.

عراق از گفتگو با جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کند، ایران همواره تروریسم را محکوم می‌کند و با کشتار مخالف است و خواهان گفتگو است، عراق نیز تجاوز را محکوم می‌کند و با محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران مخالف است.

ابراهیم الجعفری متهم کردن ایران به تروریسم را مضحک خواند و اعلام کرد ایران قربانی تروریسم است و همواره خواهان صلح و مبارزه با تروریسم است، اگر جمهوری اسلامی ایران و دستگاه‌های امنیتی آن نبودند فجایعی در منطقه رخ می‌داد اما ایران با تلاش‌های خود مانع این امر شد و همواره در حمایت از کشورهای دیگر به ویژه عراق مشارکت داشته است. وزارت خارجه عراق بیانیه اتحادیه عرب را امضا کرد اما

عراق بیانیه اتحادیه عرب علیه ایران را امضا کرد، این در حالی است که ابراهیم الجعفری وزیر خارجه عراق بعد از این نشست اعلام کرد عراق با محکومیت ایران در حادثه سفارت ریاض مخالف است دقیقاً موضع بغداد در این خصوص چیست و اگر ملاحظه‌ای وجود داشته چرا در نشست اتحادیه عرب مطرح نشده است؟

موضع ایران در قبال اقدامات تحریک آمیز برخی کشورهای منطقه در راستای برقراری صلح و ثبات در سطح منطقه و جهان قابل تقدیر است و این در حالی است که برخی کشورها با ایجاد اختلاف و فتنه افکنی به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی هستند. مسئولان جمهوری اسلامی ایران در قبال حادثه حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری عربستان در مشهد موضع منطقی و قاطعی اتخاذ و حمله به سفارت عربستان را محکوم کردند.

ما اتهامات شیخ نمر النمر را بی اساس می‌دانیم و ایشان [مردم] را به حمل سلاح تشویق نمی‌کردند و تلاش‌های وی برای احقاق حقوق شهروندان سعودی و اجرای قانون بود، بنابراین اتهامات وارده به ایشان مبنی بر حمایت از تروریسم اتهاماتی بی پایه و اساس و به دور از منطق و تعقل بود.

کشورهای اسلامی در شرایط کنونی نیازمند اتحاد و یکپارچگی هستند به طوری که از طرفی قربانی تروریسم و از سوی دیگر متهم به حمایت از آن هستند لذا در چنین شرایطی مسئولان کشورهای اسلامی باید دوراندیش و عاقل باشند.

ابراهیم الجعفری وزیر امور خارجه عراق تلاش‌هایی را برای آرام کردن اوضاع و تنش زدایی میان ایران و عربستان انجام داد و در این زمینه موضع ایران را به کشورهای دیگر و اتحادیه عرب منتقل می‌کرد. وزیر خارجه عراق تلاش کرد میان محکوم کردن تجاوز به سفارت عربستان سعودی و محکوم کردن دولت ایران، تفاوت ایجاد کند و بر این موضوع تأکید کند که مقامات ایران نیز حادثه حمله به سفارت عربستان در تهران را محکوم می‌کنند. توافق هسته‌ای میان ایران و ۵+۱ بیانگر این است که جهان به ایران اعتماد دارد. ما از اتهامی که مسئولان عربستان سعودی به شیخ نمر النمر زدند متأسف هستیم و چنین اقداماتی خشم شیعیان را برمی‌انگیزد چرا که احساسات شیعیان عراق در قبال شخصیت‌های مذهبی‌شان احساسی یکپارچه است. طرف‌های ایرانی مسئول، همه اقدامات لازم برای حمایت از دیپلمات‌های سعودی را انجام دادند و به این افراد اعلام کردند که امنیت آنها را تأمین خواهند کرد. لغو نکردن کارت دیپلماتیک سعودی‌ها نیز دلیلی بر حسن نیت جمهوری اسلامی ایران است.

### || ابراهیم الجعفری اعلام کرده است در نشست اتحادیه عرب ملاحظاتی جدی خود به بیانیه یابانی این نشست را تسلیم دبیرخانه این اتحادیه کرده است آیا این بدین معنا است که بغداد با حق شرط بیانیه اتحادیه عرب را امضا کرده است؟



استاد لبنانی؛

## عربستان مجری سیاست های تل آویوا / تشریح اهمیت دفاع از سوریه



سمیه خمایری

نسل های آتی بنا خواهد کرد.

استاد دانشگاه های لبنان درباره مقاومت حزب الله لبنان در سوریه و واکنش آن در صورت اعزام نیروی زمینی عربستان به سوریه گفت: دفاع مقاومت لبنان از نظام سوریه طبیعی و منطقی است، به این دلیل ساده که مرزهای سوریه و لبنان مرزهایی است که هنوز به صورت رسمی ترسیم نشده است، این مرزها باز است و اگر حزب الله نبود، تکفیری ها به داخل مرزهای لبنان نفوذ می کردند. در حقیقت با توجه به ترکیب جامعه لبنان که متشکل از مذاهب و طوائف مختلف است، اگر مقاومت حزب الله و دفاع آن از کشور نبود، لبنان دچار جنگ داخلی و بحران می شد.

کمیل آلفرد شمعون خاطر نشان کرد: ما به سیاست بردباری و تدبیر و درایت حزب الله لبنان عادت کرده ایم بنابراین از اعزام احتمالی نیروی زمینی عربستان به سوریه هراسی نداریم و اطمینان داریم که حزب الله در قبال رخدادهای آتی منطقه موضع کاملاً حکیمانه اتخاذ خواهد کرد.

وی در بخش دیگر سخنان خود درباره انتخابات ریاست جمهوری لبنان نیز گفت: متأسفانه خلا ریاست جمهوری در لبنان همواره وجود داشته است و علت این امر به نظر من در نوع ساختار نظام انتخاباتی کشور است، همانطور که در بالا اشاره کردم جامعه لبنان، تعددی است و این اقتضا می کند که قدرت در این کشور به صورت علمی، عادلانه و متوازن میان تمامی طوائف لبنانی تقسیم شود.

کمیل آلفرد شمعون افزود: در واقع در سایه این نظام انتخاباتی هیچکدام از اشخاصی مثل «میشال عون» و «سلیمان فرنجیه» شانس برای ریاست جمهوری ندارند چرا که نظام فعلی انتخابات مبتنی بر دموکراسی توافقی است و دشواری های خاص خود را دارد و معمولاً نتیجه، برخلاف خواست ملت است، بنابراین دموکراسی توافقی برای ایجاد آینده ای بهتر برای نسل های آتی موفق نبوده است، بهتر است نظام جدیدی ایجاد شود که مبتنی بر اصل تقسیم قوا به صورت عادلانه باشد به گونه ای که به خواست و ویژگی های تمامی مذاهب جامعه لبنان احترام بگذارد.

«کمیل آلفرد شمعون» استاد دانشگاه های لبنان با بیان اینکه عربستان سعودی مجری سیاست های رژیم صهیونیستی است به تشریح اهمیت دفاع مقاومت لبنان از نظام سوریه در برابر تروریست ها پرداخت.

کمیل آلفرد شمعون استاد دانشگاه های لبنان درباره پیشنهاد اخیر عربستان سعودی مبنی بر اعزام نیروی زمینی به سوریه اظهار داشت: هدف عربستان سعودی از طرح چنین پیشنهادی به هم زدن اوضاع منطقه است. سعودی ها توطئه ای را در پیش گرفته اند تا در جهان عرب ایجاد هرج و مرج کنند. ما در جهان عرب همواره خواهان اتحاد کشورهای عربی در راستای زندگی هر چه بهتر انسان بودیم و دشمن صهیونیستی طی دهه های گذشته تاکنون تجزیه جهان عرب را در سر می پروراند توطئه ای که به تفرقه، خونریزی، فقدان ارزش انسانی در کشورهای عربی منجر شده است، همه این موارد زمینه را برای تجزیه جهان عرب فراهم می کند.

وی با بیان این مطلب افزود: در حال حاضر پیشنهاد سعودی ها برای اعزام نیروی زمینی به سوریه نیز در راستای خدمت به دشمن صهیونیستی مطرح می شود و در واقع عربستان مجری سیاست های تل آویوا است و زمینه را برای تحقق رویای صهیونیست ها در تکه تکه کردن کشورهای عربی فراهم می کند. در چنین شرایطی شهروندان جهان عرب به جای اینکه به دفاع از حقوق و کرامت خود بپردازند از مسیر اصلی منحرف شده و به تفرقه و جنگ داخلی مشغول می شوند. بحران سوریه نیز در این چارچوب ایجاد شد.

شمعون درباره نقش مقاومت در ناکام گذاشتن توطئه های مذکور گفت: مقاومت لبنان با همکاری و حمایت جمهوری اسلامی ایران و با وجود خامنه ای رهبر عالیقدر ایران تاکنون مانع از تحقق اهداف شوم اسرائیل و عربستان شده است. اصول و مبانی مقاومت، مبتنی بر پایبندی به کرامت است، کرامتی که در جهان عرب از بین رفته است و مقاومت برای این به وجود آمد که یاس و ناامیدی را از قلوب ملت های عربی دور و کرامت انسانی را احیا کند، چنین مقاومتی، آینده بهتری را برای

آیا وزیر خارجه عراق در خصوص این طرح با مسئولان ایرانی نیز رایزنی داشته است؟

ابراهیم الجعفری به صورت رسمی عهده دار میانجیگری میان ایران و عربستان سعودی نشده است و ماموریت کنونی وی، آرام کردن اوضاع است، شرایط کنونی و شدت تنش ها اجازه میانجیگری دو کشور را نمی دهد. هیچ دلیلی برای قطع روابط میان ایران و عربستان وجود ندارد و ما از اقدام سعودی ها مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک متأسف هستیم، تصمیم سعودی ها از پیش تعیین شده بود و بهتر است در شرایط کنونی، منطقه را از لبه پرتگاه نجات داد.

در حال حاضر عراق میانجیگری نمی کند اما ایده عراقی برای تشکیل میانجیگری در راستای تنش زدایی میان ایران و عربستان مطرح است. عراق بخشی از اتحادیه عرب و جزئی از جامعه جهانی است، عراق پیش از این به دلیل سیاست های صدام کانون تنش و بحران در منطقه بود اما امروزه وضعیت متفاوت است و عراق دارای روابط حسنه با کشورهای همسایه همچون ایران، ترکیه، عربستان سعودی و ... است. عراق هرگز اجازه نخواهد داد مشکلی، روابطش را با دیگر کشورها به ویژه جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر قرار دهد. عراق نسبت به برقراری روابط با ایران و همچنین با عربستان سعودی اهتمام می ورزد و تلاش می کند در تقویت این روابط نقش مثبتی ایفا کند.

|| حضور نظامی ترکی در شمال عراق بر اساس چه قراردادی است آیا این قرارداد اجازه حضور نیروهای ترکیه به خارج از منطقه کردشین را داده است؟ بغداد چه اقداماتی را برای خروج این نیروها انجام داده است؟

عراق تجاوز ترکیه به خاک کشورش را محکوم می کند و هیچ درخواستی از سوی بغداد برای حضور نظامیان ترکیه در خاک عراق وجود نداشته است. با وجود آنکه ترکیه همسایه دوست و مسلمان عراق محسوب می شود و دو کشور روابط تاریخی با یکدیگر داشته اند اما بغداد نمی تواند تجاوز امنیتی را نادیده بگیرد چرا که روابط دوستانه یک موضوع است و تجاوز بحث دیگری است و این خط قرمز محسوب می شود. عراق برای خروج نظامیان ترکیه از خاک کشورش به راهکارهای دیپلماتیک روی آورده است و از جامعه جهانی می خواهد که خواستار خروج ترکیه از عراق شوند.

|| عربستان سعودی پس از ۲۵ سال اقدام به بازگشایی سفارت خود در عراق کرده است آیا امکان همکاری میان بغداد - ریاض در شرایط کنونی وجود دارد؟

طبیعی است که عربستان روابط خود را با عراق از سر بگیرد و جای تأسف است که در بازگشایی سفارت خود در بغداد تأخیر داشت، ایران و عراق وارد جنگی شدند که هشت سال طول کشید اما سفارت هر دو کشور در بغداد و تهران مشغول فعالیت بود و روابط ایران و عراق قطع نشد، این اقدامی مثبت است و به برقراری امنیت و ثبات در منطقه کمک کرد. ما از طریق سفارت ها با یکدیگر همکاری و رایزنی می کنیم، ما از بازگشایی سفارت عربستان در عراق احساس خرسندی می کنیم و معتقدیم این اقدام، روزنه ای است که از طریق آن می توانیم با سعودی ها گفتگو و درباره منطقه و روابط دو کشور رایزنی کنیم. بازگشایی سفارت عربستان در عراق به ثبات در منطقه کمک می کند و به نفع همه است.

کارشناس مسائل خاورمیانه:

# عصبانیت سعودی از نقش منطقه‌ای ایران/ مذاکرات سوریه به نتیجه می‌رسد

رامین حسین آبادیان



«عبدالرضا فرجی راد» با اشاره به تصمیم ترکیه برای احداث پایگاه نظامی در قطر، تصریح کرد: ترکیه برای توسعه نفوذ خود در منطقه قصد انجام چنین اقدامی را دارد. منطقه خاورمیانه آبستن حواش و رویدادهای مختلف است. از یک سو عربستان سعودی با اصرار بر عدم نزدیکی به ایران و رد هرگونه مذاکرات با تهران برای بهبود روابط همچنان به سیاست‌های تنش آفرین خود ادامه می‌دهد و از سوی دیگر ائتلاف موسوم به معارضان سوری نیز در اندیشه به شکست کشاندن مذاکرات صلح سوریه در ژنو به سر می‌برد و برای تحقق این خواسته خود چند روز پیش از موعد برگزاری این مذاکرات، پیش‌شرط‌هایی را برای آن مطرح ساخته است. این در حالی است که ترکیه نیز تلاش می‌کند تا با احداث یک پایگاه نظامی در قطر، نفوذ خود در منطقه را گسترش داده به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. در همین ارتباط خبرنگار خبرگزاری مهر گفتگویی را با دکتر «عبدالرضا فرجی راد» استاد ژئوپلیتیک و کارشناس مسائل خاورمیانه و بین الملل و از اساتید دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

**|| همانگونه که مستحضر هستید ترکیه قصد دارد یک پایگاه نظامی در قطر احداث کند. به نظر شما دلایلی که آنکارا را بر آن داشته تا به شکل مستقیم وارد ساز و کارهای امنیتی منطقه خلیج فارس شود، چیست؟**

باید به این نکته توجه داشت که دولت ترکیه در حال حاضر با انتقادات جدی از سوی اروپایی‌ها و همچنین آمریکا مواجه است. دلیل عمده این انتقادات نیز به مسأله «آزادی بیان» و «حقوق بشر» باز می‌گردد. از طرف دیگر مقامات آنکارا به خوبی می‌دانند که عضویت آنها در اتحادیه اروپا در آینده نزدیک محقق نخواهد شد.

**برای نزدیکی به ایران چه می‌تواند باشد؟**

اگر به تحولات منطقه در سطح کلان بنگریم به این نتیجه خواهیم رسید که سعودی‌ها از روند تحولات منطقه بسیار عصبانی هستند. آنها از توافق هسته‌ای حاصل شده میان ایران و ۵+۱ بسیار خشمگین هستند و به نظر می‌رسد که اعتمادشان به آمریکا خدشه‌دار شده است.

تمامی این تحولات به اضافه توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ موجب شده است تا ترکیه به فکر توسعه نفوذ خود در منطقه باشد. مقامات آنکارا تلاش می‌کنند با احداث پایگاه نظامی در قطر، برای تحقق اهداف خود نفوذشان در منطقه را گسترش دهند. البته ترکیه عضو ناتو است و به نظر نمی‌رسد که ناتو از اقدام آنکارا در احداث پایگاه نظامی در قطر ابراز نارضایتی کرده و یا اقداماتی را در راستای جلوگیری از آن انجام دهد، زیرا مقامات ناتو بدشان نمی‌آید یک عضو از آنان در منطقه نفوذ خود را گسترش دهد. اگر از زاویه‌ای دیگر به این مسأله بنگریم، باید گفت که کشورهای عربی نیز برای قرار دادن ترکیه در مقابل ایران، تلاش‌هایی را برای کمک به آنکارا به منظور گسترش نفوذ آن در منطقه انجام خواهند داد.

علاوه بر این، عربستان سعودی با نقش مؤثر ایران در سوریه نیز همواره مخالف بوده است و ادامه ایفای این نقش از سوی ایران آنها را بسیار خشمگین ساخته است. در خصوص تحولات یمن نیز آنها بسیار از ایران عصبانی هستند.

**|| مقامات پاکستانی به صورت رسمی برای میانجی‌گری میان ایران و عربستان اعلام آمادگی کرده‌اند. به نظر شما علت میانجی‌گری مقامات پاکستانی به طور عام و «نواز شریف» به طور خاص چیست؟**

دولت پاکستان طی سال‌های اخیر همواره مواضعش به عربستان سعودی نزدیک بوده است. این در حالی است که پارلمان این کشور همواره سعی کرده در اتفاقاتی که میان ریاض و تهران رخ داده سیاست بی‌طرفی را پیش گیرد.

عربستان سعودی تحت سر میز مذاکره با ایران وارد کرده و حاضر به نزدیکی به تهران نیستند زیرا آنها برای ورود به مذاکرات شروطی دارند و اصلی‌ترین شرط آنها حل و فصل مسأله یمن است. علت مطرح ساختن این شرط نیز این است که سعودی‌ها به دلیل تداوم حملات هوایی خود به یمن به شدت توسط برخی طرف‌های اروپایی تحت فشار قرار دارند.

**|| عربستان سعودی به رغم تلاش‌هایی که صورت گرفت، همچنان بر ادامه تنش‌ها با ایران اصرار داشته و به نوعی عدم تمایل خود برای برقراری ارتباط با ایران را اعلام کرده است. به نظر شما دلایل عدم تمایل سعودی‌ها**

**|| یکی از اختلافات اساسی میان آمریکا و روسیه، عدم توافق آنها بر سر لیست گروه‌های تروریستی در سوریه است. با توجه به این مسأله به نظر شما آیا دو طرف به یک همگرایی در این خصوص خواهند رسید؟**

اختلافات اساسی میان آمریکا و روسیه بر سر لیست گروه‌های تروریستی در واقع به فشارهای عربستان و ترکیه بر آمریکا باز می‌گردد. شکی نیست که عربستان و ترکیه از همپیمانان اصلی و استراتژیک آمریکا به شمار می‌آیند و واکنش‌نمی‌تواند دیدگاه‌های آنها در خصوص لیست

گروه‌های تروریستی را به طور صد در صد نادیده بگیرد.

است و اینگونه اظهار می‌کند که خواهان پایان تنش‌ها میان دو طرف است. بدون شک نواز شریف کمک‌هایی را از عربستان سعودی دریافت می‌کند و تحت هیچ شرایطی حاضر نیست این کمک‌ها قطع شوند.

در این خصوص باید این نکته را در نظر گرفت که هر چقدر دیدگاه‌های آمریکا و روسیه در زمینه تهیه لیست گروه‌های تروریستی به یکدیگر نزدیک‌تر شود، قدرت مانور عربستان و ترکیه بر محتوای این لیست نیز کم‌تری می‌شود و بالعکس هر چقدر دیدگاه‌های طرف روسی و آمریکایی از هم دور باشد، عربستان و ترکیه نیز از مجال گسترده‌تری برای اعمال نظر خود بر این لیست برخوردار خواهند بود. در واقع همانگونه که گفته شد عربستان و ترکیه با اجرایی شدن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در سوریه مخالف هستند.

**|| عربستان به تازگی «استفان دیمبستورا» فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه را «عنصر نامطلوب» خوانده است. بدین ترتیب وضعیت مذاکرات صلح سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

عربستان سعودی تحت هیچ شرایطی به دنبال اجرایی شدن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای حل بحران سوریه نیست. مقامات سعودی به دنبال کارشکنی در سوریه هستند تا مذاکرات به نتیجه نرسد. درست مانند قطر که راضی به نتیجه دادن مذاکرات نیست. البته آقای دیمبستورا جدیت خود برای حل بحران سوریه را نشان داده و ثابت کرده که همچنان به تلاش‌ها برای حل بحران ادامه می‌دهند و خواستار اجرایی شدن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است.

**|| با توجه به پیش‌شرط‌های ائتلاف موسوم به «معارضان سوری» برای مذاکرات صلح سوریه در ژنو، این پیش‌شرط‌ها چه تأثیری بر روند مذاکرات خواهد داشت؟**

مذاکرات در نهایت به نتیجه خواهد رسید. اما آنچه که منجر به کارشکنی گروه‌های معارض سوری و طرح پیش‌شرط در این مذاکرات شده است، این است که آنها به شدت از ادامه حملات چنگنده‌های ارتش روسیه تحت فشار قرار دارند. این حملات اخیراً منجر به این شده است که ارتش سوریه کنترل بخش وسیعی از لاذقیه را در دست بگیرد و به همین دلیل آنها به شدت تحت فشار هستند. معارضان سوریه به خوبی می‌دانند که ادامه حملات روسیه به مواضع تکفیری‌ها در سوریه منافع آنها را تأمین نمی‌کند و منجر به خسارت‌های عظیمی برای آنها خواهد شد. به عقیده من مخالفان بر سر میز مذاکرات خواهند نشست و شروط خود را در این مذاکرات مطرح خواهند کرد.

عربستان سعودی تحت سر میز مذاکره با ایران وارد کرده و حاضر به نزدیکی به تهران نیستند زیرا آنها برای ورود به مذاکرات شروطی دارند و اصلی‌ترین شرط آنها حل و فصل مسأله یمن است. علت مطرح ساختن این شرط نیز این است که سعودی‌ها به دلیل تداوم حملات هوایی خود به یمن به شدت توسط برخی طرف‌های اروپایی تحت فشار قرار دارند.

علاوه بر این، عربستان سعودی با نقش مؤثر ایران در سوریه نیز همواره مخالف بوده است و ادامه ایفای این نقش از سوی ایران آنها را بسیار خشمگین ساخته است. در خصوص تحولات یمن نیز آنها بسیار از ایران عصبانی هستند.

عربستان سعودی تحت سر میز مذاکره با ایران وارد کرده و حاضر به نزدیکی به تهران نیستند زیرا آنها برای ورود به مذاکرات شروطی دارند و اصلی‌ترین شرط آنها حل و فصل مسأله یمن است. علت مطرح ساختن این شرط نیز این است که سعودی‌ها به دلیل تداوم حملات هوایی خود به یمن به شدت توسط برخی طرف‌های اروپایی تحت فشار قرار دارند.



# اروپا

دبيران: عبد الحميد بياتي  
مريم خرماني



صادق ملکی:

## راهبرد شکست فرقه گرایانه سعودی چیست؟/ ترکیه بازیگر مستقلی نیست

پیمان بزدانی



«صادق ملکی» با تاکید بر مسیر ژئوپولیتیک اسلامی مدنظر امام (ره) برای شکست راهبرد فرقه گرایانه سعودی و تشریح علل حضور ترکیه در خلیج فارس گفت: زخم عربستان از انقلاب اسلامی دهان باز کرده است. اعدام آیت الله نمر باقر النمر مخالف شیعه رژیم آل سعود به همراه شمار دیگری از مخالفان واکنش های گسترده ای را در ایران، منطقه و جهان داشته است. این اقدام تحریک آمیز سعودی در این مقطع زمانی خاص موجب شد تا گروهی با غلبه احساسات به اماکن دیپلماتیک این کشور در تهران و مشهد تعرض کنند. اقدامی مشکوک که موجب جنجال سیاسی رژیم سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران شد هر چند عالی ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران تعرض صورت گرفته را محکوم کرده و این اقدام تحت پیگرد قرار گرفت. به اعتقاد بسیاری این حرکتی مشکوک بوده است که رژیم سعودی با بهانه قرار دادن آن برای دستیابی به اهدافی کلان تر روابط خود با ایران را قطع کرد. در همین رابطه گفتگویی انجام شده است با «صادق ملکی» کارشناس ارشد مسائل خاور میانه داشته ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

تغییر دهد. این برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت در سیاست خارجی بود. غربی ها هم از شیوه رفتاری ارتجاعی عربستان انتقادات زیادی را مطرح کردند اما با عدم مدیریت صحیح بر کنترل احساسات و یا هر کسی که آن اقدامات را علیه سفارت عربستان انجام داد این فرصت را تبدیل به ندرت پیش می آیند. به هر حال این پایان راه نیست. عربستان کارنامه سیاهی دارد مثلاً یازده سپتامبر و غربی ها این را خوب می دانند. این پرده داشت برداشته می شد. اگر ما بتوانیم از این فاکتورها استفاده بکنیم می توانیم شرایط را به نفع جهان اسلام تغییر دهیم. من باید بگویم هر کسی که از برخورد در جهان اسلام حمایت کند، دانسته و ندانسته در خدمت غرب و بطور مشخص رژیم اسرائیل است. درگیری بین مسلمانان راهبرد مشخص رژیم اسرائیل است. ما باید این را بصورت یک دستور کار دائمی برای کشورهای اسلامی در بیاوریم و در مسیری که امام خمینی (ره) بنا کردند حرکت کنیم یعنی همان ژئوپولیتیک اسلامی. هزینه ای که جمهوری اسلامی برای حماس داده هیچ کشور عربی یا سنی نداده است. باید این مسئله را راهبرد اصلی سیاست خارجی خودمان قرار دهیم و با این کار عملاً بخش گسترده ای از راهبرد عربستان را که درگیری شیعه و سنی است را با شکست مواجه کرده ایم.

**|| در پی قطع ارتباط عربستان با ایران عربستانه خیلی سعی کرد از مجامع عربی مثل اتحادیه خلیج فارس و اتحادیه عرب علیه ایران استفاده کند ولی این مجامع فقط محکومیت هایی را انجام دادند و عملاً اقدام عملی علیه ایران نداشتند. چرا در این خصوص عربستان نتوانست موفق باشد؟**

ببینید الان صحبت شعار نیست. نظام سیاسی عربستان نتوانسته در بخش هایی موفق عمل کند مثل ناامن کردن عراق، سوریه، عربستان با سیاست سلبی در این دو کشور وضعیت ایران در این دو کشور را نسبت به ۱۰ سال پیش ضعیف تر کرده است. باید نگاه کلیشه ای موجود در داخل ایران را تغییر داد. در خصوص همین اتفاق اخیر و مسئله اعدام شیخ نمر و تعرض به سفارت عربستان هم همینکه

اسلامی در کشور شیعه ای رخ داد که ادعای ژئوپولیتیک شیعه نداشت بلکه ادعای جهان اسلامی داشت. این اقدام امام خمینی (ره) عربستانی را که ادعای خلافت جهان اسلام را داشت را به چالش کشید. زخمی که عربستان از ایران خورد، امروز دهان باز کرده است. بعد از انقلاب اسلامی تحول بعدی هم سقوط صدام بود که چیدمان قدرت در عراق را به نفع ایران برهم زد و جایگاه ایران در عراق و منطقه را بسیار برتر از نگاه عربی-بعثی کرد. از همان روزهای اول این تغییرات در عراق که به نفع ایران رقم خورد، عربستان شروع به حمایت از گروه های تروریستی علیه ایران و شیعیان کرد و سیاست های تخریبی و سلبی در پیش گرفت و نتیجه این اقدامات سعودی ها شد گروه تروریستی بنام داعش که امروز مثل یک سرطان در سوریه و عراق عمل می کند و توانسته بخشی از قدرت جهان اسلام را تضعیف بکند.

تا می رسیم به بگرام که شما اشاره کردید. با اجرایی شدن بگرام و لغو تحریم های ایران و عادی شدن روابط ایران و غرب موقعیت ژئوپولیتیک ایران قوی تر خواهد شد و ایران را الگوی بهتری برای جهان اسلام خواهد کرد. این مسئله برای عربستان غیرقابل قبول است. بطور کلی نگاه عربستان به ایران تعاملی نبوده است و همواره تعارضی بوده و در بهترین شرایط رقابتی بوده است. تا زمانی هم که این ذهنیت در نزد سعودی ها تغییر نکند که بعید هم است تغییر بکنند، روابط ایران و عربستان نمی تواند در مسیر درست خودش عمل کند. البته این به این معنی نیست که ایران به عنوان کشوری که عقل محور عمل می کند از موضع عزت (تکرار می کنم از موضع عزت) به تنش ها دامن بزند. این ضرورت جغرافیای ما است. نباید کاری کرد که نهایتاً منطقه دچار چالش و درگیری شود که بهای آن را جهان اسلام پرداخت کند.

**|| در این راستا چه قدم های عملی می توان برداشت؟**

برای برداشتن قدم های عملی باید زیر ساخت ها بطور همزمان در دو کشور ایجاد شوند. ما باید بستر سازی کنیم برای حذف زمینه های جنگ شیعه و سنی. باید تفهیم بکنیم که جنگ شیعه و سنی به نفع غرب و رژیم اسرائیل است. باید بر مبنای عزت و حکمت بطوری عمل کنیم که دست آویز این برخوردها را ایجاد نکنیم. ببینید اتفاقی افتاد شیخ شهید النمر را آل سعود اعدام کرد. خوب این یک افتضاح سیاسی برای آل سعود بود و می توانست یک فشار سیاسی گسترده به این رژیم وارد کند تا رفتارها را

**|| عربستان از اعدام شیخ نمر و به دنبال آن قطع روابط با ایران چه اهدافی را دنبال می کند؟ برخی بر این باورند که با این کار سعودی ها قصد دارند اجرایی شدن بگرام را تحت الشعاع قرار دهند. نظر شما در این خصوص چیست؟**

در تحلیل های کلان عربستان با این بحران سازی ها نه تنها درباره ایران بلکه در کل منطقه یکی از اهدافی که دنبال می کند تحت الشعاع قرار دادن بگرام است. مقامات سعودی برای ممانعت از توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ به اندازه ای فعال بوده اند که حتی در مقطعی قبل از توافق به وین رفتند و سکنه ای را در مذاکرات بگرام ایجاد کردند اما این بخشی از مسئله است. عربستان دارای رژیم مرتجع می است که با استانداردهای دموکراسی و حکومت داری امروز جهان هم خوانی ندارد و همین امر چالش های جدی درونی و بیرونی برای آل سعود به وجود آورده است. عربستان برای حل بحران درونی خودش و یا حداقل برای کنترل بحران داخلی نیاز به بحران سازی خارجی دارد.

**|| آیا چنین کاری شدنی است؟ نمونه ای برای این کار دارید که کشوری برای حل بحران درونی به بحران سازی خارجی پرداخته باشد؟**

بله این یک مسئله سنتی است و قبلاً جواب داده است. مثلاً در منطقه در همین چند ماه گذشته حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه نتوانست در انتخابات پارلمانی موفق شود و نتوانست به تنهایی دولت را تشکیل دهد و در انتخابات ۷ ژوئن باخت. این حزب با بحران سازی های اقتصادی، امنیتی نتوانست در دور دوم انتخابات مجدداً پیروز شود. در کشورهای که سیستم دموکراتیک ندارند می توان با بحران سازی بطور مقطعی اهدافی را پیش برد. در عراق دوران صدام هم همین مسئله بود. صدام هم دشمنی بنام ایران را به عنوان دشمن ملت عرب ایجاد کرده بود که در نهایت به جنگ منتهی شد. در خاندان سعودی هم رقابت قدرت وجود دارد لذا این خاندان به بحران نیاز دارد لذا به بحران سازی خارجی در قالب مذهبی با ایران روی آورده است. برخی از کشورهای منطقه مثل قطر، ترکیه و امارات هم با این سیاست همراهی می کنند زیرا این نوع نگاه و ذهنیت مذهبی ایجاد شده از سوی سعودی ها بخشی از منافع آنها را هم تامین می کند.

عربستان در نگاه استراتژیک خودش به ایران به عنوان رقیب منطقه ای نگاه می کند این مسئله قبل از انقلاب اسلامی بوده و بعد از آن هم تشدید شده است. زیرا انقلاب

عربستان توانسته تمامی کشورهای عربی به غیر از لبنان را در امضای بیانیه علیه ایران دور هم جمع کند یعنی به نوعی موفق بوده است. مثل اقدامی که در ائتلاف ضد تروریسم انجام داد، خیلی ها گفتند این ائتلاف روی کاغذ است و بپر کاغذی است و اما حتی اگر این ائتلاف روی کاغذ بوده باشد برای سیاست خارجی عربستان یک موفقیت بوده است که توانسته یک شبه چنین ائتلافی را ایجاد کند هر چند دو تا کشور هم ما خبر نداشتیم ولی نگفتند همکاری نمی کنند. عربستان توانست از طریق تعرض انجام شده به سفارتش در ایران بخش هایی از اهداف خودش را تحقق دهد و تا حدودی هم موفق عمل کرده است.

**|| با توجه به این تحولات اخیر ایا عربستان خواهد توانست در مسیر مذاکرات حل بحران سوریه سنگ اندازی کند و مانع از دسترسی به یک راه کار سیاسی برای ل بحران سوریه شود؟**  
در مذاکرات یک پای کار عربستان است و حتما تحولات اخیر فضای مذاکرات را تحت تاثیر قرار خواهد داد و به اعتقاد من یک مدتی در این روند خلل وارد خواهد شد اما چون نگاه کلان جهانی در مسیر حل بحران است لذا دیر یا زود مسیر مذاکرات صلح سوریه دوباره هموار خواهد شد. من معتقدم ولی در ماه آینده این روند دچار وقفه خواهد شد.

**|| در روزهای اخیر اخبار داشتیم مبنی بر ایجاد یک پایگاه نظامی در قطر توسط ترکیه که قرار است ۳ هزار نیروی ترکیه در آن مستقر شوند. حضور نظامی ترکیه در خلیج فارس رو چگونه ارزیابی می کنید آیا این را می تواند در راستای نگاه مذهبی مشترک عربستان، ترکیه و قطر ارزیابی کرد و ایا این مسئله با چراغ**

**سبز ناتو در راستای نظم امنیتی نوین مد نظر آمریکا و غرب برای منطقه صورت می گیرد؟**  
تحولات سیاسی تک علتی نمی شوند پاسخ شما در بخشی از سوال شما موجود است. ترکیه امروز تبلور ترکیه نئو عثمانی است. ترکیه نئو عثمانی به دنبال زنده کردن هویت اسلامی خود بر مبنای خلافت اسلامی اهل تسنن است و این نگاه اهل تسنن ترکیه، ترکیه را با محیط عربی پیوند می دهد. در ترجمه امروز آقای داود اوغلو می گوید ترکیه ای موفق خواهد بود که بتواند خط آنکارا را به دیاربکر و خط دیاربکر را به خلیج فارس متصل بکند. آقای داود اوغلو در کتاب عمق استراتژیک خود مهمترین مانع این هدف ترکیه را ایران معرفی می کند. در همین چهارچوب تفکری است که ترکیه در کنار عربستان در عراق و سوریه وارد تنش و فضای رقابتی با ایران می شود. بخشی از تحولات منطقه نتیجه این نگرش ترک ها است که آنها را بخشی از نگاه های اعراب پیوند زده است. ترکیه در اهداف دراز مدت خود در سال ۲۰۲۳ قصد تبدیل شدن به ۱۰ قدرت اول جهان را دارد.

**|| با توجه به سوابقی که غربی ها از ترکیه و عثمانی ها داشته اند آیا غربی ها اجازه چنین کاری را به ترکیه خواهند داد؟**

این قدرت قدرت مستقلی نخواهد بود بلکه قدرتی خواهد بود که تامین کننده منافع غرب باشد. عثمانی ها اگر در اسلام آبرویی دارند در برخورد جهان اسلام با غرب داشتند. سربازان عثمانی سرزمین های مسیحیان را فتح کردند اما سربازان نئو عثمانی یعنی ترکیه فعلی جنگ بین مسلمان ها را هدایت می کنند که این به نفع غرب است. در راهبرد کلان ترکیه در خدمت منافع غرب است. ترکیه بازیگر مستقلی نیست زیرا نه توانش را دارد و نه قابلیتش را. اگر غرب پشتیبانی اقتصادی خود را از ترکیه قطع کند ظرف

یک هفته اقتصاد ترکیه سقوط می کند. غربی ها همواره در ترکیه حضور داشته اند یک زمانی از طریق کودتاهای نظامیان و الان هم با نمایش دموکراسی نظامیان را کنار گذاشته اند و کنترل ترکیه را با اقتصاد در دست خود گرفته اند. در بازی امروز غرب و ترکیه هر کدام اهدافی را برای خود تعریف کرده اند. غربی ها در بازی دموکراسی برای ترکیه می توانند ترکیه را تجزیه کنند که ما در تحولات اخیر ترکیه علایم آن را شاهدیم مثلا اینکه یک حزبی در پارلمان ترکیه خواستار خودمختاری مناطق کردی می شود. ورود ترکیه به قطر در راستای ترکیه تعریف شده توسط آنکارا برای سال ۲۰۲۳ است. در همین راستا حضور نظامی ترکیه فقط به قطر محدود نخواهد شد و می تواند با نوعی همپوشانی با اهداف ناتو در دیگر کشورهای منطقه نیز این حضور نظامی گسترش یابد. به جای حضور ۳ هزار سرباز غربی در قطر ۳ هزار سرباز ترک مسلمان در آنجا حضور دارند که از حساسیت های بستر اجتماعی مردم منطقه هم جلوگیری می کنند.

در پایان می خواهم بگویم که نه ایران، نه عربستان و نه ترکیه از نقشه جغرافیای منطقه قابل حذف شدن نیستند مگر اینکه با دخالت کشورهای فرا منطقه ای این سه کشور با هم درگیر شوند و آنقدر تضعیف شوند که بستر یک سایسپیکوی جدید فراهم شود. اگر این شرایط ایجاد شود همه کشورهای منطقه ضرر خواهند کرد. در این منطقه با همه با هم خواهند باخت یا همه با هم خواهند برد. باید همکاری منطقه ای کنیم تا همه با هم موفق باشیم. شاید در شرایط فعلی منطقه این فقط یک شعار باشد اما یادمان باشد که اروپا هم از خاکستر جنگ جهانی دوم برخاست و آلمان و فرانسه که دو دشمن و رقیب تاریخی بودند در کنار هم قرار گرفتند و اروپایی را ایجاد کردند که در حال تبدیل کردن اتحادیه اروپا به یک واحد سیاسی هستند.

## گفتگو با معاون حزب جمهوری خلق ترکیه:

# لزوم تمرکز بر مذاکرات ژنو/ ترکیه قصد مداخله نظامی در سوریه را ندارد

پیمان یزدانی



«فاروق لوغ اوغلو» با تاکید بر اینکه اقدام نظامی احتمالی ترکیه در سوریه نفعی برای این کشور نخواهد داشت بر لزوم تمرکز بر به موفقیت رساندن مذاکرات ژنو ۳ برای پایان درگیری ها در سوریه تاکید کرد.

حملات هوایی و توپخانه ای ارتش ترکیه به کردهای سوریه در حالی ادامه دارد که آمریکا و دیگر متحدان این کشور خواستار توقف آن شده اند.

ترکیه اعلام داشته است اجازه نخواهد داد تا شهر اعزاز در نزدیکی حلب به دست نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک کردی سوریه بیافتد و از آنها خواسته است تا این منطقه را ترک کنند.

مسلم صالح از رهبران کردهای سوریه در واکنش به این درخواست ترکیه نیز آن را رد کرد.

حملات ترکیه به مواضع کردهای سوریه که ترکیه آنها را گروهی تروریستی می داند در حالی صورت می گیرد که هزمان در گفتگوهای ژنو توافقاتی برای برقراری

ترکیه در سوریه و تبعات آن برای این کشور گفت: درگیری نظامیان ترک در سوریه مد نظر نیست. این امر برای سوریه یا ترکیه دستاورد مثبتی ندارد. وزیر دفاع ترکیه نیز روز سه شنبه در پارلمان گفت که ترکیه قصد مداخله نظامی در سوریه را ندارد.

این مقام حزب جمهوری خلق دربار راهکار خروج از بحران سوریه را برای ترکیه و دیگر کشورها را اینگونه عنوان کرد: ترکیه تنها بازیگر این میدان نیست، روسیه نیز باید مسوولانه رفتار کند و بمباران های هوایی خود به نمایندگی از بشار اسد را متوقف نماید. کردهای سوریه هم باید همینطور عملیات نظامی خود با هدف گسترش مناطق تحت کنترل خود را متوقف نمایند.

وی در ادامه افزود: راه خروج از این بحران برای سوریه و دیگران تمرکز بر به موفقیت رساندن کنفرانس ژنو ۳ می باشد. تا وقتی صلح و ثبات به سوریه برنگردد تمام بازیگرهای منطقه ای و خارجی منطقه مشکلات و تنش هایی را خواهند داشت که پیامدهای آنها قابل پیش بینی نیست.

بزرگترین حزب مخالف ترکیه صورت گرفته است.

وی در خصوص تحولات اخیر در سوریه و مرزهای ترکیه با این کشور گفت: وضعیت در سوریه بدتر میشود که بهتر نمیشود و این در حالیست که همزمان در ژنو تلاش هایی برای برقراری آتش بس و توقف جنگ و فراهم کردن زمینه دسترسی کمک های بشردوستانه در جریان است. لوغ اوغلو درباره احتمال مداخله زمینی

آتش بس در سوریه صورت گرفته است. در پی تحولات این روزها خبرهای ضد و نقیضی از مقامات ترکیه در خصوص احتمال مداخله زمینی این کشور در سوریه منتشر می شوند امری که اگر اتفاق بیافتد می تواند تلاش ها برای حل مسالمت آمیز درگیری ها در سوریه را با شکست مواجه کند.

در همین راستا گفتگویی با «عثمان فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق



## ناسیونالیسم اقتصادی؛ رقابت کشورها در اقتصاد بین المللی فضای مجازی

حمایت‌گرایی و یا ناسیونالیسم اقتصادی یکی از سه جریان مهم اقتصاد سیاسی تجارت بین الملل است که در مقابل اندیشه های لیبرالی و چپ قرار گرفته است. ملی‌گرایی اقتصادی بر این مبنا تاکید می‌کند که اساس روابط اقتصادی دولت‌ها با یکدیگر بر مبنای اولویت‌های دولت ملی است نه نظام بازار جهانی. فردریک لیست که یکی از تئوریسین‌های معروف این جریان است معتقد بود که انگلستان زمانی قهرمان تجارت آزاد است که به برتری تکنولوژیک و صنعتی نسبت به رقیب دست یافته باشد. لیست همچنین مدعی بود که انگلیس از قدرتش برای حمایت از صنایع نوپای خویش بهره می‌برد و رقبای خویش را با نیروی نظامی تضعیف می‌کند. از نظر ناسیونالیست‌های اقتصادی استقرار بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی تأثیر مهمی بر موقعیت سیاسی و توسعه کلی اقتصاد کشورها دارد. سوال این است که فعالیت‌های اقتصاد بین‌المللی فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات چگونه تحت تأثیر سیاست‌های ناسیونالیستی و حمایت‌گرایانه قرار می‌گیرد؟ پاسخ به این سوال به عین شدن حوزه امنیت و فعالیت‌های اقتصادی مجازی بر می‌گردد. در واقع فضای مجازی باعث تقویت پیوند امنیت فردی، ملی و بین‌المللی شده

است و مرزهای جغرافیایی امنیت را در نوردیده است به طوری که مراجع مختلف امنیتی در سطوح گوناگون فردی، اجتماعی، ملی و فراملی ممکن است به راحتی مورد هدف آگاهانه و یا غیر عمدی قرار گیرند و این مسئله خود می‌تواند بهانه‌ای برای رقابت‌های اقتصادی کشورها در عرصه اقتصاد دیجیتال باشد. این مسئله قبلاً در برخی شرکت‌های مخابراتی ظهور و بروز داشته است به عنوان مثال شرکت مخابراتی آرسی‌ای ایالات متحده آمریکا که سیستم تلفن کوبا را ایجاد کرد در دوران جنگ سرد به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا برای شنود مکالمات تلفنی کمک کرد و یا افشاگری استون در خصوص ایجاد «بک‌دور» (درب پشتی) در تولیدات شرکت‌های آمریکایی از جمله این اقدامات بوده است. در واقع دولت‌ها با ایجاد قوانین و سیاست‌هایی در خصوص امنیت شبکه، حفظ حریم خصوصی، ایجاد محدودیت در سرمایه‌گذاری، محلی کردن اطلاعات و قوانین دسترسی ترجیحی به بازار هم‌به‌دنبال ایجاد امنیت و هم‌سیاست‌های حمایت‌گرایانه در عرصه اقتصاد دیجیتال هستند. به عنوان مثال قانون دسترسی ترجیحی به بازار توسط هند در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، دستور العمل حفظ حریم خصوصی اطلاعات عمومی در اتحادیه اروپا و قانون امنیت ملی چین در این راستا قابل تفسیر است. به عنوان مثال اتحادیه اروپا

موافقت نامه‌ای را با ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان «سیف هاربر» منعقد نمود تا بتواند از حریم خصوصی شهروندان اروپایی حمایت نماید و در ماه آینده میلادی قرار است نسخه جدید آن تحت عنوان سیف هاربر ۲ به امضای دو طرف برسد و در آن رگولاتوری‌های اروپایی گفته‌اند که موافقت نامه با آمریکا باید به این صورت تنظیم گردد که هر گونه نقص حریم خصوصی شهروندان اتحادیه اروپا (در چارچوب این موافقت نامه) باید در سیستم قضایی آمریکا تحت تعقیب قرار گرفته و خسارت‌های ناشی از آن جبران گردد. مجلس چین در ژانویه سال گذشته قانون امنیت ملی شامل اقداماتی برای امنیت سایبری جهت زیرساخت‌های کلیدی شبکه را تصویب کرد. ولی شرکت‌های آمریکایی می‌گویند که شرکت‌های چینی از امنیت ملی برای حمایت از تولیدات و محدود کردن رقابت استفاده می‌نمایند. آنها می‌گویند حتی سیستم فیلترینگ چینی می‌تواند به عنوان یک سیاست مرکزانیستی برای حمایت از اقتصاد مجازی چین در برابر شرکت‌های خارجی عمل نماید زیرا هر وب‌سایت در چین برای در دسترس ماندن نیاز به در اختیار داشتن مجوز است. این رقابت تا آنجایی پیش می‌رود که اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا از قوانین جدید امنیت سایبری چین در خصوص صنعت بانکداری که باعث دور شدن رقبای

آمریکایی از بازار چین می‌گردد انتقاد کرد. همچنین شرکت‌های خارجی از اینکه ممکن است با بازرسی‌های انجام یافته در چین مجبور به افشای اموری شوند که حق مالکیت معنوی آنها را در چین به خطر می‌اندازد احساس نگرانی می‌نمایند. در این راستا ایالات متحده آمریکا برخی از فعالیت‌های شرکت‌های چینی مانند هوآوی و زد تی‌ای را در آمریکا محدود کرده است. این موضوع به حدی مهم بود که در اولین سفر رئیس‌جمهور چین به ایالات متحده آمریکا که چند ماه پیش انجام شد علاوه بر مسائل گوناگون فضای مجازی در حوزه تجارت دو کشور توافق کردند که در خرید و فروش و استفاده از محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات ساخت دو کشور ملاحظات امنیتی متعادلی را لحاظ نمایند و نگرش‌های امنیتی را در سرمایه‌گذاری خارجی فی‌مابین محدود نمایند. در مجموع به دلیل عجین شدن اقتصاد فضای مجازی با حریم خصوصی افراد، اسرار تجاری شرکت‌ها و امنیت ملی دولت‌ها و تلاش کشورها برای در اختیار گرفتن سهم بیشتر اقتصاد دیجیتال در عرصه‌های بین‌المللی، رقابت دولت‌ها و سایر بازیگران عرصه جهانی کماکان ادامه خواهد یافت. در واقع منافع سیسکو و ایالات متحده، زد تی‌ای و دولت چین و آکاتل لوسنت فرانسه با اقتصاد ملی و منافع امنیتی این کشورها همگرا است.





## تجزیه عراق و منطقه؛ دستور کار «بایدن» در ترکیه

وی در آن سخنرانی داشتن دولت مستقل را حق کردها دانسته و تأکید کرد: نه جنگ داعش و نه هیچ عامل دیگری نمی تواند مانعی برای استقلال اقلیم کردستان باشد و گفتگوهای خوبی در این مورد انجام شده و موانع قبلی از سر راه برداشته شده‌اند.

در روزهای اخیر نیز بعد از دیدار اخیر «جو بایدن» معاون رئیس جمهور آمریکا از آنکارا و مذاکرات وی با مقامات ترکیه، بار دیگر مسعود بارزانی بر مسئله استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت کردی تأکید کرد.

با وجود تأکیدات کاخ سفید و آنکارا مبنی بر حمایت از یکپارچگی عراق، کارشناسان از هماهنگی های پشت پرده اربیل، آنکارا و واشنگتن و رژیم صهیونیستی در این خصوص خبر می دهند.

### حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی از طرح استقلال کردستان عراق

در شرایط کنونی هدف آمریکا این است که کشورهای منطقه را تجزیه کند و هر کشوری در حوزه انسانی و جغرافیایی خود در حد و توان رژیم صهیونیستی باشد و بیشتر از آن قدرت نداشته باشد تا از این طریق بتواند آنها را به راحتی کنترل کند و اکنون تحولات منطقه این شرایط را فراهم کرده تا آمریکا چنین طرحی را عملی کند.

رژیم صهیونیستی نیز به منظور حفظ امنیت خود و تضعیف قدرت های منطقه ای اولین هدف راهبردی خود را در حمایت از استقلال کردها می بیند. ایجاد اختلافات فرقه ای و قومیتی ضمن آنکه باعث افزایش قدرت چانه زنی رژیم صهیونیستی در منطقه می شود می تواند اهرم فشاری علیه کشورهایی باشد که دشمن این رژیم محسوب می شوند. کنترل و نظارت اطلاعاتی بر کشورهای منطقه نیز از دیگر اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی است. موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه و ترکیه این امکان را در اختیار سرویس های اطلاعاتی رژیم اسرائیل قرار می دهد که با حضور در این منطقه و ایجاد پایگاه های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق، فعالیت این کشورها را رصد کنند.

بهره مندی از منابع انرژی و نفت عراق نیز که عمدتاً در بخش کردستان این کشور قرار دارد از دیگر اهداف رژیم صهیونیستی است.

همچنین رژیم صهیونیستی به دنبال انتقال منابع آب شیرین غنی اقلیم کردستان عراق از طریق خاک اردن به سرزمین های اشغالی و سرمایه گذاری های گسترده در این منطقه است.

### موضع ترکیه در قبال استقلال کردستان عراق

ترکیه که تا چندی پیش استقلال کردستان عراق را تهدیدی برای منافع ملی خود می دانست، اکنون سکوت

سیاست های جرج بوش پسر در عراق در شکل و قالبی جدید در دوران اوباما تکمیل شد و عراق را در بحران تضادهای هنجاری و قومیتی فرو برد.

جو بایدن در طرح موسوم به «مسیر سوم» خود مطرح کرد که برای مهار جنگ در عراق باید مدل بوسنی را پیاده کرد تا آمریکا با طراحی صلح دیتون، اقوام نژادی را از یکدیگر جدا کند. بایدن می گفت بخش مهمی از طرح تقسیم عراق، عقب کشیدن بخش عمده نیروهای آمریکایی از عراق تا سال ۲۰۰۸ و باقی گذاشتن تعداد اندکی نیروهای ویژه در این کشور است، طرحی که در دوره بوش عملی نشد ولی باراک اوباما بعد از ورود به کاخ سفید، بخش مهمی از آن را تا پایان دسامبر ۲۰۱۱ عملی کرد.

با شروع بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، قدرت مانور گروه های تروریستی نیز به تبع آن افزایش یافت. کنترل ها و محدودیت ها به طور مشکوک از روی تروریست ها برداشته شد و به عنوان ابزاری برای مقابله با دولت ها به کار گرفته شدند.

گسترش گروه های تروریستی و افزایش قدرت آنها در سال های اخیر در زمان ریاست جمهوری اوباما یک اشتباه سهوی نبود بلکه برنامه ای حساب شده در راستای ایجاد آشوب بوده است. کاهش هزینه سیاست های خاورمیانه ای دولت آمریکا که در دوران بوش با مداخله مستقیم به تریلیون ها دلار رسید بود، اینک باید از این طریق جدید پیگیری می شد و این هزینه ها می بایست از جیب خود کشورهای خاورمیانه خارج می شد.

عملاً اتخاذ سیاست های جدید از سوی کاخ سفید و همکاری متحدان منطقه ای آنها در سال های اخیر موجب شده است تا گروه های تروریستی مثل داعش عملاً مجری سیاست آمریکا و رژیم صهیونیستی در این خصوص شدند. نکته جالب این است که گروه تروریستی داعش خودش هم داعیه سرزمینی دارد.

در حالیکه خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر وارد مرحله جدیدی شده است و حوزه های مختلفی درگیر جنگ و کشمکش شده اند و طرح بالکانیزه شدن منطقه به شدت از سوی آمریکا

و صهیونیست ها در حال پیگیری است، مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق در مورخه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ به آمریکا سفر کرد، در طول یک هفته اقامت در این کشور با باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، جو بایدن و نمایندگان سنا و مجلس نمایندگان دیدار و گفتگو کرد. وی در سخنرانی خود در دیدار با کردهای مقیم آمریکا گفت: واقعیت های بسیاری در عراق و اقلیم کردستان پس از وقوع جنگ داعش دچار تغییر و تحول شده و درحالی که پیش تر هیچ یک از دولت های جهان حتی تحمل شنیدن نام دولت کردی را نیز نداشت، امروز دولت های زیادی در اعلام دولت مستقل کردی از ما حمایت می کنند و می توان گفت که هیچ کشوری در این موضوع با ما مخالفت نمی کند.

رئیس اقلیم کردستان عراق در حالی بار دیگر خواستار استقلال کردستان شد که «جو بایدن» طراح طرح تجزیه عراق دیداری از ترکیه داشت.

در شرایطی که عراق برای مبارزه با داعش به انسجام و یکپارچگی داخلی نیاز دارد، برخی رهبران کرد عراق بار دیگر مسئله جدایی طلبی را پیش کشیده و طرح تجزیه عراق را مطرح کرده‌اند.

«مسعود بارزانی» رئیس اقلیم کردستان عراق در اردیبهشت ماه سال جاری در پایان سفر یک هفته ای خود به آمریکا گفت که همه موانع بر سر راه استقلال کردها برداشته شده است.

در روزهای گذشته نیز بارزانی بعد از سفر «جو بایدن» معاون رئیس جمهور آمریکا به ترکیه و دیدار با مقامات این کشور بار دیگر با تأکید بر پایان پیمان سایس بیکو خواستار استقلال کردستان و حمایت جامعه جهانی از خواسته خود شد.

طرح تجزیه عراق در سال ۲۰۰۶ توسط «جو بایدن» معاون رئیس جمهور آمریکا که در آن زمان مسئولیت کمیته روابط خارجی سنای آمریکا را عهده دار بود مطرح شد که بر اساس آن عراق به سه بخش اقلیم کردستان، مناطق سنی نشین و شیعه نشین تقسیم می شد.

در همان سال «یهود اولمرت»، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی و «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه وقت آمریکا از پروژه «خاورمیانه جدید» خبر دادند. طرحی که برای دستیابی به آن به ایجاد نا آرامی، بی ثباتی ها و خشونت که از لبنان، فلسطین و سوریه شروع می شد و به سمت عراق، خلیج فارس، ایران و مرزهای ناتو در افغانستان گسترش می باید نیاز است.

این هرج و مرج ساختاری مد نظر رژیم صهیونیستی و واشنگتن شرایط جنگ و درگیری را در کل منطقه ایجاد می کند و به آمریکا و رژیم اسرائیل این امکان را می دهد تا در فرصتی مناسب از وضعیت ایجاد شده بهره برداری لازم را بکنند تا نقشه خاورمیانه را از نو و براساس نیازها و اهداف ژئوپلیتیک خود ترسیم کنند.

کاندولیزا رایس در آن زمان جنگ رژیم اسرائیل با لبنان و ویرانی ناشی از آن را «درد زایمان خاورمیانه جدید» خواند و در راستای این هدف آشوب سازی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نه با حضور مستقیم آمریکا بلکه با استفاده از نیروهایی مانند القاعده، داعش و النصره و کشورهای خودکامه عربی دنبال شد.

سیاست ایجاد بی ثباتی و هرج و مرج در منطقه در زمان جورج بوش پسر، با کارگیری سیاست عریان نظامی برای تحقق نقشه خاورمیانه بزرگ پیگیری می شد و حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ در همین راستا قرار می گیرد، حمله ای که می توان آن را به عنوان تحریک کننده خصومت های مذهبی و قومیتی در عراق یاد کرد.

## گسترش وحدت اروپایی با افزایش منطقه گرایی دیجیتالی

مهدی یور حسینی



ایجاد قوانین یکسان در حوزه فضای مجازی در اتحادیه اروپا با تعمیق منطقه گرایی در این اتحادیه ارتباط مستقیم دارد. همگرایی اقتصادی در سطح منطقه ای را در ادبیات روابط بین الملل به منطقه گرایی تعبیر می نمایند. منطقه گرایی دارای مراحل است که از ترتیبات تجاری ترجیحی آغاز شده و به اتحادیه اقتصادی به عنوان پیشرفته ترین مرحله ادغام اقتصادی ختم می گردد به گونه ای که کشورهای عضو اتحادیه از سیاست اقتصادی واحدی در سطح منطقه تبعیت خواهند کرد.

یکی از نمونه های موفق منطقه گرایی اقتصادی که همواره با فراز و نشیب هایی هم همراه بوده اتحادیه اروپایی است که هم اکنون به سطح قابل قبولی از منطقه گرایی نائل شده است. در این اتحادیه منطقه گرایی اقتصادی با ایجاد جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا عملاً آغاز شد.

در اواخر دهه دوم قرن بیست و یکم با گسترش جامعه اطلاعاتی در سطح جهانی و اهمیت روز افزون فضای مجازی با توافقی که کمیسیون اروپا، شورای وزیران و پارلمان اروپا بر روی متن پیشنهادی کمیسیون اروپا برای اصلاح مقررات حفاظت از داده های عمومی در اتحادیه اروپا انجام شده است به مرحله جدیدی نزدیک می شود که از آن می توان به گسترش منطقه گرایی دیجیتالی تعبیر کرد. کمیسیون اروپا در ژانویه سال ۲۰۱۲ پیشنهاد اصلاح قوانین حفاظت از داده ها را برای ورود این اتحادیه به عصر دیجیتال مطرح کرد. طبق برخی از نظرسنجی های انجام گرفته بیش از ۹۰٪ مردم در اتحادیه اروپایی خواهان یکسان شدن این قوانین در اتحادیه بودند.

رژیم جدید حفاظت از دیتا (اطلاعات) اتحادیه اروپا شامل حفاظت از هر گونه اطلاعات شخصی ساکنین اتحادیه اروپا شامل نام، عکس، ایمیل، اطلاعات بانکی، سایت ها و شبکه های اجتماعی و یا آدرس های اینترنتی می شود و محدوده قانون قبلی را به تمام شرکت هایی که به پردازش دیتا از ساکنان اتحادیه اروپا مشغول هستند تسری می دهد و اینکه این شرکت ها در داخل اتحادیه مستقر باشند و یا در خارج از اتحادیه تفاوتی نمی کند و عدم رعایت این قوانین با جریمه های بالایی همراه خواهد بود. البته موارد مربوط به امنیت ملی و یا مسائل جانی با هماهنگی با مقامات صلاحیت دار یک استثنا خواهد بود.

### اصلاح قوانین حفاظت از داده ها و گسترش منطقه گرایی اقتصادی دیجیتالی

در منطقه گرایی برای نیل به بازار مشترک، پول مشترک و دیگر نهادهای اقتصادی مشترک نیاز به ایجاد قوانین یکسان است به همین صورت ایجاد قوانین یکسان در حوزه فضای مجازی به همگرا تر شدن فعالیت های اقتصاد دیجیتال اتحادیه های منطقه ای کمک خواهد کرد. زیرا شرکت های خارجی که خواهان تداوم فعالیت ها در حوزه اقتصاد دیجیتال برای این اتحادیه هستند ممکن است نتوانند با قوانین جدید خودشان را تطبیق دهند و این فرصتی برای شرکت های اروپایی خواهد بود.

از طرف دیگر نفس وجود قوانین و استانداردهای یکسان دیجیتالی در این اتحادیه باعث گسترش فعالیت های

اختیار کرده و موضع خاصی در قبال اظهار نظرهای رهبران اقلیم کردستان عراق نگرفته است. برخی کارشناسان معتقدند که سکوت ترکیه نشان دهنده حمایت ترکیه از طرح تجزیه کردستان عراق است.

«داود هرمیداس باوند» کارشناس مسائل بین الملل با توجه به تحولات منطقه بر این باور است: ترکیه از چندین دهه قبل از استقلال کردها در منطقه نگران بود اما با توجه به تحولات اخیر در منطقه و وجود میلیون ها جمعیت کرد بسترهای لازم را برای استقلال اقلیم کردستان فراهم کرده است و به نظر نمی رسد استقلال کردهای عراق تهدیدی برای ترکیه باشد.

اینکه آنکارا با داشتن ۲۰ میلیون کرد چرا در قبال طرح استقلال اقلیم کردستان عراق سکوت کرده جای بحث دارد. به گفته باوند ممکن است کردهای عراق به ترکیه تضمین هایی داده باشند از جمله اینکه گروه پ ک ک را وادار به دست کشیدن از مقابله با آنکارا کنند و همچنین عبدالله اوچالان رهبر کردهای ترکیه را به سمت توافق صلح با ترکیه هدایت کنند. به نظر نمی رسد ترکیه واکنش جدی در مقابل استقلال اقلیم کردستان عراق نشان دهد.

هاشم قلیچ یکی از نویسندگان نشریه آکسیون در گزارشی پیرامون این مطلب درباره هماهنگی های اردوغان و بارزانی و دیدارهای مکرر آنها نوشت بارزانی قصد دارد در صورت اعلام استقلال کردستان عراق، شهر کرکوک را نیز زیر پوشش کردستان ببرد و به اردوغان گفته است که همه شرایط ترکیه برای منتفع شدن از کرکوک را پذیرفته و این منطقه را با همکاری و مشارکت ترکیه اداره خواهد نمود.

با توجه به عملیات گسترده ارتش ترکیه در مناطق کردنشین این کشور علیه پ ک ک دور از چشم رسانه ها که با چراغ سبز واشنگتن صورت می گیرد را بتوان دلیلی بر صحت این تحلیل ها دانست که بین اربیل، آنکارا و واشنگتن در این خصوص هماهنگی وجود دارد تا پ ک ک دست از مقابله با آنکارا بردارد. جو بایدن در روزهای گذشته در اوج عملیات ارتش ترکیه علیه پ ک ک در کنفرانس خبری مشترک با نخست وزیر ترکیه، گروه پ ک ک را گروهی تروریستی و تهدیدی علیه ترکیه خواند که ترکیه می تواند با آنها مقابله کند.

همچنین هاشم قلیچ معتقد است اعلام استقلال کردستان عراق در صورت ادامه بی ثباتی ها در عراق امکان پذیر است، اما در صورتی که اوضاع در عراق به حالت عادی بازگردد همه این مطالبات باید به فراموشی سپرده شوند.

حضور نظامی ترکیه در شمال عراق در پایگاه بعشقیه در نزدیکی موصل با وجود مخالفت های دولت مرکزی عراق و مخالفت های منطقه ای و جهانی و اعلام ورود نظامیان آمریکایی به خاک عراق و همچنین اشغال بخش هایی از خاک سوریه توسط ترکیه و آمریکا و اعلام آمادگی آمریکا و ترکیه برای اقدام نظامی در سوریه و دیگر تحولات اخیر در منطقه را می توان در راستای تلاش آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه برای افزایش تنش ها و بی ثباتی ها در راستای تحقق این خواسته که همانا تجزیه منطقه است ارزیابی کرد.

شرکت های عضو این اتحادیه در درون بوده و بازار مشترک دیجیتالی اتحادیه را تقویت خواهد کرد. «اندروس آنسیپ» سیاست مدار استونیایی که در سال ۲۰۱۵ به سمت معاون بازار مشترک دیجیتالی اتحادیه اروپا منصوب شده است می گوید: این توافق باعث از بین رفتن موانع و ایجاد فرصت است و آینده دیجیتال اروپا بر صداقت استوار خواهد بود و با استانداردهای یکسان در حوزه حفاظت از داده ها افراد می توانند بر اطلاعات شخصی شان کنترل داشته باشند و از بازار مشترک دیجیتال بهره مند گردند.

«جان جیستی» که سال گذشته به عنوان مسئول تنظیم مقررات کنگره جهانی موبایل بارسلونا منصوب شد در واکنش به این توافق ضمن استقبال از آن اظهار داشت این قانون برای اعتماد سازی برای خدمات جدید دیجیتال به شهروندان اروپایی و همچنین برای نیل به بازار مشترک اروپایی اهمیت دارد.

در مجموع ایجاد قوانین یکسان در حوزه فضای مجازی در اتحادیه اروپا با تعمیق منطقه گرایی در این اتحادیه ارتباط مستقیم دارد زیرا با یکسان شدن قوانین کشورهای عضو اتحادیه ضمن افزایش همکاری های منطقه ای در حوزه فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش هویت منطقه ای و رفتار مشترک ساکنین این اتحادیه در فضای مجازی خواهد شد و دیگر بلوک های اقتصادی منطقه ای و جهانی برای همکاری های اقتصادی با این اتحادیه مجبور به رعایت قوانین اتحادیه خواهند بود نه قوانین یک کشور در درون اتحادیه.

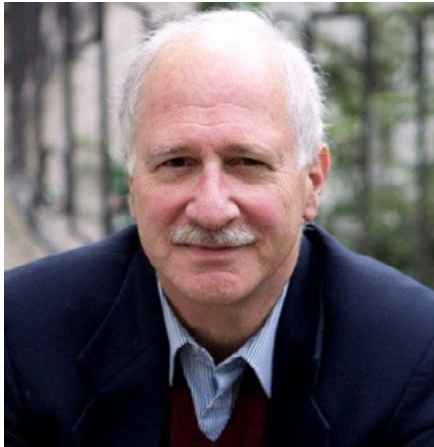
موافقت نامه سیف هاربر ۲ که قرار است بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا امضا شود و طبق مفاد آن در صورت نقض حریم خصوصی شهروندان اروپایی توسط آمریکا دولت این کشور را موظف می نماید آن را مورد تعقیب قرار داده و خسارات ناشی از آن را جبران کند در چارچوب همین روند است.



گفتگو با استاد دانشگاه کالیفرنیا بر کلی:

## اروپا بستر ساز جنگ تمدن‌ها است / لزوم هوشیاری مسلمانان

جواد حیران نیا - مریم خرمائی



با بهبود اقتصاد جهانی است، غیر ممکن می‌سازد.

**|| تهدید تروریسم علیه ارزش‌های اروپایی از زمان حمله به عوامل مجله موهن «شارلی ابدو» بر سر زبان‌ها افتاد و اختلاف نظر بر سر مضمون «آزادی بیان» را بیش از پیش نمودار ساخت. ارزیابی شما از مجادلاتی که پیرامون این مسئله وجود دارد، چگونه است؟**

مطابق با آموزه‌های موجود، ترسیم یک چارچوب مشخص برای آزادی بیان همواره دشوار بوده است. اما ما این مسئله را هم می‌دانیم که کلام از قدرت اجرایی برخوردار است به این معنا که فراتر از یک ابزار عقیده ساده پتانسیل خلق یک اتفاق را دارد. در این راستا، آنچه که «سخنران تفرآمیز» خوانده می‌شود، به دلیل ماهیت آزردهنده و توهین آمیزشان درخور واکنش توأم با تنبیه هستند.

البته باید بگویم که به هیچ عنوان با تنبیهی که به قیمت جان عوامل مجله شارلی ابدو تمام شد، موافق نیستیم. اما منکر لزوم درک این مطلب هم نیستیم که کاریکاتورهای کشیده شده از سوی آنها مشکل آفرین بود. اما باز هم می‌گویم که مسلماً تنبیه و مجازات نباید از سوی یک عده افراط‌گرا که می‌خواهند عدالت را به زور خشونت برقرار کنند، اعمال شود. اینکه پیروان داعش پس از حمله به دفتر مجله شارلی ابدو، به یک فروشگاه یهودی حمله کرده و تعدادی انسان بی‌گناه را به قتل رساندند، بازگو کننده این مطلب است که افراط‌گرایان در حقیقت انگیزه‌ای به غیر از دفاع از حرمت پیامبر اسلام (ص) داشته‌اند.

\* نظر شما درباره این استدلال که برخی مجله موهن شارلی ابدو را به دلیل اینکه مقامات سیاسی فرانسه را هم هدف قرار می‌دهد، از اتهام توهین به مقدسات دینی میرا می‌داند، چیست؟  
اطمینان دارم که شارلی ابدو طیف وسیعی را هدف قرار داده است. اما واقعیت این است که انتخاب هدف دقت بیشتر و درک این موضوع را می‌طلبد که برخی مردم و نهادها شایسته تمسخر و به چالش کشیده شدن هستند و بی‌هیچ دلیلی در زندگی روزمره به یاد استهزا گرفته می‌شوند.

البته یک مسئله دیگر را هم باید در نظر گرفت و آن واکنش افراد مختلف به تصاویر و اظهارات توهین آمیز است. انتخاب با شماست که در مقام خشم و انتقام برابری یا رفتار تحریک آمیز طرف مقابل را ناشی از حماقت وی تلقی کرده و آن را با ملاراجوبی خنثی کنید نباید فراموش کرد که برخورد توأم با خشونت نتیجه معکوس به بار آورده و منجر به همدردی با فرد خاطی می‌شود.

من همه کاریکاتورهای شارلی ابدو را به صورت مورد به مورد بررسی نکرده‌ام، بلکه در مواردی، طرح‌های این مجله در راستای ابزار عقیده پیرامون یک مسئله سیاسی مشخص بوده است اما در برخی موارد هم آنها مقاصد تحریک آمیزی را در دنبال کرده‌اند با این حال اعمال خشونت راه مناسبی برای مقابله با این رفتارهای توهین آمیز نیست.

گروه تروریستی داعش که با ابتکار عمل آمریکا و رژیم صهیونیستی در راستای پیشبرد سیاست ایجاد بی‌ثباتی و هرج و مرج در منطقه به وجود آمد اکنون در تلاش برای اثبات هویت مستقل به معضلی برای اربابان غربی خود تبدیل شده است. این گروه تروریستی که زمانی بهترین ابزار آمریکا برای آشوب‌سازی در خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می‌رفت اکنون دیگر به مرزهای جغرافیایی که واشنگتن و همپیمانان منطقه‌ای برای آن توصیف کردند، قناعت نکرده و برای نشر ایدئولوژی و هوابی محور خود راه دروازه‌های طلایی اروپا را در پیش گرفته است.

وقوع سلسله حوادث تروریستی که در فرانسه از اوایل سال میلادی گذشته (۲۰۱۵) با حمله به دفتر مجله موهن «شارلی ابدو» آغاز و بعدها به تراژدی تکان دهنده پاریس ختم شد، زنگ هشدار را در بیخ گوش غربی‌ها به صدا درآورد که تلعل در مهار داعش بیش از این جایز نیست.

در این میان، جریان اسلام ستیز رسانه‌های غربی همزمان با بزرگنمایی تلاش‌های آمریکا در مبارزه با این دشمن خودساخته، سعی به پنهان کردن تصویر حقیقی اسلام در زیر صورت تک داعش دارد و بی‌گناه بهانه آزادی بیان بر حریم مقدسات اسلام می‌تازد.

در این راستا، گفتگوی با «مارتین جی» مورخ مشهور معاصر و استاد دانشگاه «برکلی» کالیفرنیا انجام شده که در ادامه به آن می‌پردازیم.

داشته است، هیچ انسجام زمانی وجود ندارد که در آن همه آدم‌ها از روایتی با ساختار خطی برداشت مشابهی را داشته و یا لزوماً به یک تعریف مشخص از سلسله تغییرات باور داشته باشند.

اگر بخواهیم به نظریه «رنست بلوخ» - که در آثار وی «امید» نقشی اساسی ایفا می‌کند و وظیفه اصلی آن نه فقط تفسیر بلکه تغییر جهان است - تکیه کنیم؛ شاید بتوان به دشواری در ایدئولوژی داعش رد پای از امید به یک آینده توأم با رستگاری پیدا کرد تا با تکیه بر آن بتوان بدون عذاب وجدان چنین اعمال وحشیانه‌ای را توجیه کرد.

اما به عقیده من بهتر است به جای اینکه اجازه بدهیم چنین بینشی راهی برای توجیه اعمال داعش پیش پای ما بگذارد، فرضیه رستگاری آرمان‌گرایانه را زیر سوال ببریم چرا که حتی اگر انگیزه آنها نیز مقدس باشد، ابزاری که داعش انتخاب کرده است درک هدف آنها را غیر ممکن می‌سازد. تحت هیچ یک از قوانین عدل الهی و با هیچ ادله فریبنده‌ای نمی‌توان به زوال اخلاقی داعش و جاهت بخشید.

**|| توسل به خشونت ملهم از ایده رستگاری تا حدی یادآور تئوری «والتر بنیامین» است که به جنگ جهانی اول به منزله فرصتی برای تصفیه و پیرایش جهان از راه تخریب نگاه می‌کرد. آیا با این حساب شما شباهتی بین دهه‌های نخست قرن میلادی گذشته و زمان حال می‌بینید؟ اصلاً چطور شد که بار دیگر به خشونت به چشم یک امید نگاه شد؟**

این نظریه بنیامین که به آن اشاره می‌کنید و به عنوان پند نهایی کتاب «خیابان یک طرفه» وی در نظر گرفته می‌شود، به طور قطع یکی از بحث برانگیزترین نظرات وی به شمار می‌آید. در واقع، وی از یک استدلال آخرالزمانی برای تفسیر جنگ به عنوان راهکاری غلط برای تغییر جهان به شیوه‌ای اساسی یاد می‌کند که در عین حال اعاده کننده خلصه ناشی از وحدت همه اجزاء جهان هستی است که در مدرنیته جامعه گم شده است.

تصور وی از یکبارگی جهان تنها به مدد دنیایی غیر وابسته به تکنولوژی محقق می‌شود، حال آنکه در حال حاضر این ایده با تسلط نظام کاپیتالیسم به حاشیه رانده شده است. از سوی دیگر، انحطاط اخلاقی و توسل به خشونت را نمی‌توان از نتایج شکست نظام سرمایه داری هم به شمار آورد. اگرچه برخی در این میان بازار سوداگری را داغ کردند اما واقعیت این است که ولع دستیابی به سود اقتصادی انگیزه قدرتمندی برای جنگ و خونریزی نیست. در واقع، فرض بر این بوده است که مزایای حاصل از تجارت آزاد که در ذیل کاپیتالیسم تعریف می‌شود، جنگ را به عنوان عاملی که در معابر

مارتین جی شارح معروف مکتب فرانکفورت و تاریخ عصر روشنگری است. وی به بررسی مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه تاریخ علاقه‌مند است. «جی» رساله خود را در قالب کتابی با عنوان «تصور دیالکتیکی» درآورد که مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران بین‌المللی قرار گرفت. آثار وی درباره مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی توجهات زیادی را میان اندیشمندان این حوزه‌ها به خود جلب کرده است. «جی» سابقه تدریس در دانشگاه‌هایی چون هاروارد، کرنل، آکسفورد و کمبریج را دارد و «مفهوم تمامیت در آرای لوکاچ و آدورنو»، «آدورنو»، «انحراف خشونت» و «مارکسیسم و تمامیت: سرگذشت یک مفهوم از لوکاچ تا هابرماس» از جمله آثار وی به شمار می‌روند.

**|| برداشت شما از جریان جدیدی که داعش به راه انداخته و بر امواج خون، مرگ و خشونت شناور است، چیست؟ اقدام خونسردانه این گروه تروریستی که با نام اسلام دست به کشتار شهروندان عادی، کودکان و روزنامه‌نگاران می‌زنند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

آدم‌هایی به مراتب باهوش‌تر از من و شما در پاسخ به این سؤال عاجز مانده‌اند. بی‌تفاوت بودن نسبت به آسیب‌های جانبی ناخواسته به همان اندازه قربانی به جا می‌گذارد که قتل عام‌های جمعی و به همین دلیل من نمی‌توانم حتی مخالفین افراط‌گرایی را نیز از مسئولیت قتل عامی که امروز در جهان اتفاق می‌افتد، میرا بدانم.

هیچ شکی وجود ندارد که داعش یک اقلیت به شمار می‌رود و اعمال این گروه تروریستی از سوی اکثر پیروان «محمد» (ص) پیامبر گرامی اسلام محکوم می‌شود. باید بگویم که از مشاهده اعتراض شدید اکثر مسلمانان نسبت به پایمال کردن ارزش‌های اسلامی از سوی داعش خوشحال هستم؛ به ویژه آنکه ما اینجا در اروپا به طور خطرناکی با شرایطی مواجه هستیم که می‌تواند بستر مناسب برای بروز یک نوع جنگ تمدن طولانی مدت باشد. تنها زمانی که مسلمانان متعهد با شور و اشتیاق در پی مهار و طرد عواملی باشند که با سوء استفاده از اسلام دست به اقدامات تروریستی می‌زنند، ما (دنیای غرب) هم می‌توانیم با خشونتی که بر فرانسه و دیگر نقاط اروپا سایه انداخته، مقابله کنیم.

**|| چگونه می‌توان واکنش گروه‌های افراطی نظیر داعش و القاعده را در چارچوب تعریفی که از عصر خوشبختی (عصر طلایی) آغاز رسالت پیامبر) ارائه می‌دهند، تفسیر کرد؟**

علیرغم اثراتی که جهانی‌سازی در قالب تلاش برای یکسان‌سازی

رامین حسین آبادیان

گفتگو با هر میداس باوند:

## ناتو حریم امنیتی خود را به خلیج فارس گسترده است



منطقه خاورمیانه آستان حوا و رویدادهای مختلف است. از یک سو عربستان سعودی با اصرار بر عدم نزدیکی به ایران و رد هرگونه مذاکرات با تهران برای بهبود روابط همچنان به سیاست های تنش آفرین خود ادامه می دهد و از سوی دیگر ائتلاف موسوم به معارضان سوری نیز در اندیشه به شکست کشاندن مذاکرات صلح سوریه در ژنو به سر می برد و برای تحقق این خواسته خود چند روز پیش از موعد برگزاری این مذاکرات، پیش شرطهایی را برای آن مطرح ساخته است.

این در حالی است که ترکیه نیز تلاش می کند تا با احداث یک پایگاه نظامی در قطر، نفوذ خود در منطقه را گسترش داده به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. در همین ارتباط خبرنگار مهر گفتگویی را با دکتر «داود هر میداس باوند» کارشناس مسائل خاورمیانه و بین الملل انجام داده است که مشروح آن از نظر می گذرد:

**|| همانگونه که مطلع هستید ترکیه قصد دارد یک پایگاه نظامی در قطر احداث کند. به نظر شما دلایلی که آنکارا را بر آن داشته تا به شکل مستقیم وارد ساز و کارهای امنیتی منطقه خلیج فارس شود، چیست؟**

دولت ترکیه پس از سلسله شکست ها و ناکامی های خود در منطقه تصمیم گرفته است جایگاه نوینی را برای خود در منطقه ایجاد کند. آنکارا قصد دارد پیش از پیش به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نزدیک شود. نکته بعدی این است که در خصوص رویدادهای مصر، ترکیه و قطر مخالف کودتا و سرکوب اخوان المسلمین در این کشور بودند و همین مواضع موجب شد تا ترکیه با عربستان سعودی وارد تنش شود. اما تحولات اخیر منطقه موجب شد تا دو طرف (ترکیه و عربستان) تصمیم به کنار گذاشتن اختلافات گذشته و بهبود روابط بگیرند.

از سوی دیگر، انگلیس هم در بحرین پایگاه نظامی احداث کرده و همچنین فرانسه نیز وارد ساز و کارهای نظامی در منطقه شده است. نکته قابل تأمل این است که هر سه این کشورها (ترکیه، فرانسه و انگلیس) عضو ناتو هستند و به همین دلیل می توان گفت که به نوعی ناتو وارد منطقه خلیج فارس شده و قصد دارد نفوذ خود در این منطقه را گسترش دهد. ورود ترکیه، فرانسه و انگلیس به خلیج فارس حاکی از آن است که ناتو در آینده نزدیک حریم امنیتی خود را به شبه جزیره عربستان و منطقه خلیج فارس گسترش خواهد داد.

**|| به نظر شما امکان دارد که این اقدام ترکیه ارتباطی با سیاست چرخش به سمت آسیای آمریکارا داشته باشد؟**

باید به این نکته توجه داشت که محور ناتو، آمریکا است. بنابراین ناتو از هر سیاستی که واشنگتن در پیش گیرد، تبعیت خواهد کرد. در واقع می توان این گونه بیان کرد که ناتو سایه آمریکاست و هرکجا که این کشور قدم بگذارد ناتو پشت سر آن خواهد رفت. به عنوان نمونه

می توان افغانستان را مثال زد که ناتو وارد آن شد در حالی که این اقدام به هیچ وجه در برنامه های از پیش تعیین شده آن نبود. لذا هر کجا که ایالات متحده آمریکا قدم بگذارد ناتو - حداقل به صورت غیرمستقیم - به دنبال آن خواهد رفت.

**|| عربستان سعودی به رغم تلاش هایی که صورت گرفت، همچنان بر ادامه تنش ها با ایران اصرار داشته و به نوعی عدم تمایل خود برای برقراری ارتباط با ایران را اعلام کرده است. به نظر شما دلایل عدم تمایل سعودی ها برای نزدیکی به ایران چه می تواند باشد؟**

عربستان سعودی دامی برای ایران قرار داد و برخی هم خیلی آسان در آن دام گرفتار شدند. اکنون سعودی ها از شرایط به دست آمده در حال بهره برداری هستند و در آینده نزدیک نیز قصد ندارد به این مسأله و اتفاقاتی که رخ داده است، پایان دهند. سعودی ها وقتی می بینند که بهره برداری های صورت گرفته از حادثه حمله به سفارت ریاض در تهران به نفع آنها بوده است، بنابراین هیچ تمایلی برای بهبود روابط با ایران از خود نشان نمی دهند. آنها این مسأله را در شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی مطرح کرده اند و احتمالاً آن را به غیرمتعهدها نیز خواهند کشاند.

در آن سوی، ایران تمایل خود برای بهبود روابط با عربستان سعودی و کاهش تنش ها با این کشور را اعلام کرده است، اما نکته مهم این است که ایران نباید موضع خود برای بهبود روابط با سعودی ها را بیش از پیش تکرار کند، چراکه این اقدام سعودی ها را جری تر می کند. بنابراین، استمرار تأکید ایران بیش از آنکه به نفع آن باشد، عربستان سعودی آن را ضعف تلقی کرده و به ضرر تهران خواهد بود.

**|| به نظر شما آیا عربستان سعودی سطح تنش با ایران را به سطوح عملی افزایش خواهد داد و یا به**

**همین مقدار اکتفا خواهد کرد؟**

عربستان سعودی سطح تنش با ایران را به سطوح عملی نخواهد کشاند در حال حاضر سعودی ها در حال بهره برداری های سیاسی، تبلیغاتی و روانی از حمله به سفارت ریاض در تهران هستند و گمان نمی کنم قصد داشته باشند بهره برداری های خود از این مسأله را به سطوح عملی افزایش دهند.

**|| عربستان به تازگی «استفان دیمبستورا» فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه را «عنصر نامطلوب» خوانده است. بدین ترتیب وضعیت مذاکرات صلح سوریه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

مقامات سعودی دقیقاً همین سیاست را در قبال «جمال بن عمر» فرستاده ویژه سابق سازمان ملل در امور یمن پیش گرفتند تا جایی که وی مجبور به استعفا از سمت خود شد. عربستان سعودی که تجربه چنین سیاستی در یمن را در کارنامه خود می بیند، هم اکنون با طرح چنین مسائلی تلاش می کند در روند تحولات سوریه تغییر و تحولات ایجاد کرده تا شاید بدین ترتیب بتواند روسیه را وادار به تجدیدنظر در نگرش خود کند. در واقع سعودی ها در تلاش هستند تا نگرش اولیه روسیه به تحولات سوریه را به نوعی به سمت و سوی نگرش خود و ترکیه سوق دهند.

**|| یکی از اختلافات اساسی میان آمریکا و روسیه، عدم توافق آنها بر سر لیست گروه های تروریستی در سوریه است. با توجه به این مسأله به نظر شما آیا دو طرف به یک همگرایی در این خصوص خواهند رسید؟**

بدون هیچ شک و تردیدی حل و فصل مسائل مربوط به سوریه از جمله تهیه لیست گروه های تروریستی - تکفیری منوط به همگرایی آمریکا و روسیه خواهد بود. البته به نظر نمی رسد که نه واشنگتن و نه مسکو

بر روی برخی گروه های تروریستی حساسیتی داشته باشند آنها از هر راه حلی که منجر به حل و فصل نهایی بحران سوریه شود، استقبال می کنند.

البته در این میان، گروه هایی مانند داعش، جبهه النصره و چند گروه دیگر وجود دارند که در تقسیم بندی ها در میان گروه های تروریستی قرار می گیرند. بنابراین طبیعی است که چنین گروه هایی صلاحیت حضور در مذاکرات صلح سوریه را نداشته باشند، چراکه خط مشی آنها کاملاً متفاوت بوده و به دنبال تحقق اهداف خود هستند.

**|| با توجه به پیش شرط های ائتلاف موسوم به «معارضان سوری» برای مذاکرات صلح سوریه در ژنو و همچنین کارشکنی های ترکیه و عربستان در مسیر مذاکرات، آینده این مذاکرات را چگونه ارزیابی می کنید؟**

در حال حاضر دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که تا مادامی که بحران سوریه حل و فصل نشود، گروه های تروریستی - تکفیری امثال داعش و جبهه النصره به حیات خود در سوریه ادامه خواهند داد. بنابراین فرانسوی ها و دیگر کشورها مسأله ناپودی گروه تکفیری داعش را در گرو حل و فصل بحران سوریه می بینند. نگرش کشورهای همانند فرانسه به بحران سوریه در حال حاضر تغییر کرده است. آنها بر خلاف گذشته دیگر مطالباتی همچون برکناری «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه و امثال آن را مطرح نمی کنند.

در مقابل، در جستجوی راهی هستند که زمینه ساز ناپودی تروریست های تکفیری داعش باشد. بنابراین، مسأله سوریه دیگر تنها از دیدگاه ترکیه و عربستان قابل بررسی نیست، بلکه منافع و مصالح غرب و خود روسیه نیز در آنجا به شدت مطرح شده است. در نتیجه می توان گفت که مسأله سوریه به یک مسأله جهانی به معنای اصیل خودش تبدیل گشته است.





**|| برخی معتقد هستند حضور آمریکا ممکن است در منطقه خلیج فارس متعاقب سیاست «چرخش به آسیا» اعلامی توسط دولت اوباما کم رنگ تر شود. آیا شما با این تحلیل موافق هستید؟**

بر خلاف سخنان پیشینی که درباره سیاست چرخش به آسیا ارائه شده، ایالات متحده آمریکا حضور قابل توجه خود را در خلیج فارس ادامه خواهد داد. این حضور برای بازداشتن و مهار ایران در منطقه خواهد بود.

در آینده دور ممکن است برنامه امنیتی در خلیج فارس با توجه به اینکه ایران نقش بزرگتری در همکاری با ایالات متحده بازی خواهد کرد، جمع آوری می شود اما برای اکنون شرایط سیاسی تهران و واشنگتن اجازه چنین حرکت هایی را در این نقطه خواهد داد.

اما در آینده دورتر ممکن است شاهد ترتیب امنیت جمعی باشیم که در آن ایران نقش بیشتری در همکاری با آمریکا ایفا کند. اما در شرایط کنونی اوضاع سیاسی در واشنگتن و تهران اجازه گام برداشتن در این جهت را نمی دهد.

همچنین تغییر رهبری از سال گذشته به این سمت در عربستان سعودی نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر این درک و فهم است. ملک سلمان و پسرش محمد بن سلمان رهیافت خصمانه تر و فعالتری در مقایسه با پادشاه قبلی عربستان، نسبت به مسائل منطقه ای اتخاذ کرده اند.

**|| دلایل احداث پایگاه نظامی ترکیه در قطر چیست؟ آیا نقش آفرینی ترکیه در سازوکارهای امنیتی خلیج فارس با چراغ سبز ناتو و آمریکا بوده است؟**

ایالات متحده آمریکا علاقه مند است که دولتهای منطقه از جمله ترکیه نقش فعالتری در خاورمیانه ایفا کنند. ترجیح آمریکا در خصوص ترکیه این است که نقش فعالتری در سوریه ایفا کند تا در منطقه خلیج فارس.

ترکیه نیز دلایل خود را برای گسترش نفوذ در خاورمیانه دارد که این شامل خلیج فارس نیز می شود اما تصمیم گیرندگان آمریکایی احتمالاً به جایگزینی ترکیه به عنوان جانشین ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس فکر نمی کنند.

## گفتگو با رئیس سابق تحلیل عملیات سیا: ایفای نقش فعالتر ترکیه در منطقه بارضایت آمریکاست

رئیس پیشین تحلیل عملیات سیا معتقد است عربستان بعد از برجام نگران تغییر موازنه قوای منطقه به نفع ایران است و این از دلایل رویکرد تهاجمی این کشور است. برجام شرایطی را برای ایران به وجود آورد تا رویکرد چند جانبه ای را در سیاست خارجی دنبال کند. این موضوع برای کشورهای چون عربستان سعودی قابل تحمل نبود و این کشور را نگران افزایش نقش ایران در تحولات منطقه کرده است. در همین رابطه برای تحلیل بهتر این جریان با پروفسور «پل پیلار» به گفتگو نشستیم. پیلار از اساتید دانشگاه «جرج تاون» بوده و در گذشته کارشناس و رئیس سابق بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) بود. متن این گفتگو به شرح زیر است:

ایران است که ایران را قادر سازد که روابط تجاری با همه طرفهایی که خواهان آن است را ممکن سازد. روحانی نمی خواهد که ایران به یک قدرت خارجی وابسته باشد بنابراین گرایش همه جانبه در سیاست خارجی دولت روحانی نشان دهنده موفقیت ایران در خارج شدن از این انزوا است. بنابراین اگر این مباحث نشان دهنده جهت گیری ایران به سمت غرب است علتش هم این است که سودآوری اقتصادی بیشتری در روابط با غرب برای ایران فراهم می شود.

**|| دلیل اصلی عربستان سعودی برای افزایش تنش با ایران چیست آیا دلیل این موضوع این است که ریاض تصور می کند که موازنه قدرت در خاورمیانه به سمت ایران سوق خواهد یافت؟** این تفکر و درک که با کاهش یافتن تحریمهای ایران موقعیت و موازنه قوای منطقه ای به نفع ایران تغییر خواهد کرد احتمالاً بخشی از تفکر عربستان سعودی در خصوص ایران بعد از برجام است.

**|| اهمیت سفر حسن روحانی، رئیس جمهور ایران به ایتالیا و فرانسه در چیست؟**

این سفر نشان دهنده یک تغییر اساسی به سمت روابط عادی اقتصادی و سیاسی بین ایران و اروپا است. در واقع این روابط عادی از رهگذر توافق هسته ای ایران میسر شده است. قراردادهای احضار شده در این سفر روابط ایران و اروپا را حداقل در بخش هایی به جایگاهی که پیش از تحریم های وجود داشت می برد.

بنابراین شاید مهمترین تأثیر این سفر برای حسن روحانی و همینطور برای ایران، این بود که به عموم مردم نشان داد توافق هسته ای دارای برخی تبعات واقعی بوده که می تواند به اقتصاد ایران کمک کند.

**|| برخی معتقد هستند که جهت گیری سیاست خارجی دولت روحانی به غرب بیشتر از شرق شده است. نظر شما در این خصوص چیست؟**

احتمالاً حسن روحانی در جستجوی روابط خارجی و روابط اقتصادی همه جانبه برای

## اصلاحات اتحادیه اروپا؛

### کامرون: پیشرفت «آری»، توافق «خیر»



نخست وزیر انگلستان در ادامه رابرتی برای اعمال اصلاحات ساختاری در بطن اتحادیه اروپا از پیشرفت در این زمینه خبر داد حال آنکه مذاکره برای حصول توافق همچنان ادامه دارد. «دیوید کامرون» نخست وزیر انگلستان که مذاکراتش بر سر اعمال تغییرات ساختاری با هدف تداوم حضور انگلیس در اتحادیه اروپا به روز دوم کشیده شده است، در صحبت با خبرنگاران از حصول پیشرفت هایی سخن گفت حال آنکه تأکید کرد هنوز توافقی در این زمینه حاصل نشده است. وی که تا ساعت ۵:۳۰ بامداد به وقت محلی در جلسه ای با حضور رهبران اتحادیه حضور داشت اکنون یک به یک با آنها وارد بحث شده است.

هدف وی از این مذاکرات فشرده در روزه حصول توافقی است که تضمین کننده رای «آری» مردم انگلیس به تداوم حضور در اتحادیه در صورت برگزاری همه پرسی باشد که تا ماه میلادی ژوئن در این کشور برگزار خواهد شد. اما تا اینجای امر، اتفاق آراء در خصوص تقاضای کامرون به کاهش مزایای رفاهی مهاجرین و همچنین اعمال اصلاحات در ساختار اتحادیه حاصل نشده است.

اگر چه قرار بود توافق تا ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه به وقت محلی حاصل شود اما انتظار می رود که مذاکرات تا پایان هفته جاری همچنان ادامه داشته باشد.

پیشتر گفته می شد که مذاکرات کامرون با دیگر رهبران اتحادیه اروپا تا صبح جمعه ادامه یافته و سپس وی برای تشکیل جلسه فوق العاده با وزرای کابینه خود عازم لندن می شود. نشست فوق العاده کابینه به منزله آغاز ستادی خواهد بود که به وزرا اجازه تبلیغ برای ماندن یا خروج از اتحادیه اروپا را خواهد داد.

اما از آنجا که مذاکرات به درازا کشیده است احتمال اینکه نشست کابینه وزرای انگلستان امروز جمعه انجام شود بسیار بعید است.

## کردهای سوری؛ نقطه بن بست در گذرگاه دوستی آنکارا-واشنگتن



برای حل بحران سوریه وارد مرحله حساس شده بر حضور همه گروه های سوری در پای میز مذاکره اصرار می کند.

در زمانی که عربستان و ترکیه با اعمال فشار قصد وارد کردن نام گروه های تروریستی نظیر «احرار الشام» و «جیش الاسلام» را در لیست هیئت مذاکره کننده مخالفین سوری دارند، روسیه به نوبه خود عدم حضور احزاب کرد را که جایگاه مهمی در ترکیب جمعیتی سوریه دارند و جدیت خود را در مبارزه با داعش به اثبات رسانده اند، غیر موجه می داند.

به همین دلیل پس از تعویق مذاکرات صلح سوریه در ژنو که علت اصلی آن کارشکنی های عربستان عنوان شد، «الکسی پوروداوکین» نماینده دائم روسیه در مقر اروپایی سازمان ملل در چرایی ضرورت مشارکت کردها در مذاکرات صلح سوریه دو دلیل عنوان کرد: نخست اینکه کردهای سوریه یکی از گروه های اصلی در سوریه هستند و حق مشارکت در تعیین سرنوشت کشورشان را دارند و دوم اینکه در حال حاضر بدون مشارکت کردها نمی توان برای هیچکدام از مشکلات جاری راه حل پیدا کرد.

وی در این باره گفت: کردها در ساختار اصلی اپوزیسیون سیاسی سوریه حضور دارند، آنها مذاکره کنندگان قانونی هستند علاوه بر این، آنها در دیدارهای مسکو و قاهره هم حضور داشتند و این بدان مفهوم است که کردها حق مشارکت در تصمیم گیری ها را دارند.

این در حالیست که مسکو همواره هشدار داده است که یکصدا شدن ترکیه با داعش و دیگر تروریست ها موجب افزایش خطر در منطقه و جهان می شود.

دعوای تازه ای که ترکیه برای نادیده گرفتن حقوق کردهای سوری در مذاکرات صلح این کشور به راه انداخته در حالی به اوج خود نزدیک می شود که دیروز «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا از روسیه برای کمک به حل بحران سوریه درخواست کمک کرد. حال آنکه «سرگئی لاوروف» همتای روس وی ضمن تاکید بر آمادگی مسکو برای حل این معضل هر گونه همکاری با آمریکا را به پیروی از اصول و قراردادهای بین المللی منوط کرد.

از سوی دیگر، لاوروف به تازگی از طرحی خبر داد که می تواند جنگ داخلی در سوریه را تمام کند. وی در توضیح این مطلب گفت: این طرح ساده و تخصصی است و با مقامات دولت آمریکا در میان گذاشته شده است.

وی در بیان اعتراض خود خطاب به مقامات واشنگتن گفت: آیا شما پ ک ک را به عنوان یک گروه تروریستی قبول دارید؟ پس اگر جواب آری است چرا حزب اتحاد دموکراتیک کردها و شاخه نظامی آن را در لیست تروریستی خود جا نمی دهید.

دلیل اصلی مخالفت اردوغان با احزاب کرد سوریه آن است که مبادا آنها با حمایتی که از واشنگتن دریافت می کنند به فکر تشکیل منطقه خودمختار در سوریه مشابه آنچه که الان در شمال عراق وجود دارد بیافتند چرا که به این ترتیب احساسات جدایی طلبانه می تواند در حرکتی دومینو وار به کردهای ترکیه هم انتقال یابد. حال آنکه در اصل ماجرا، رئیس جمهوری ترکیه به جای آنکه شهروندان کرد این کشور را با تسلاوی و عدالت به حفظ انسجام کشور ترغیب کند، به سلاح جنگ، خشونت و محرومیت روی آورده است.

در ادامه واکنش تند مقامات آنکارا به دیدارهای آمریکایی با سران شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک کردها، دیروز سه شنبه «مولود چاوش اوغلو» وزیر خارجه ترکیه هم با تکرار مواضع اردوغان گفت: کشورهای متحد و دوست ما باید تصمیم خود را در خصوص گروه های تروریستی بگیرند.

وی در همین راستا تصریح کرد: آیا ما در مبارزه با داعش یا گروه های تروریستی شریک هستیم. چاوش اوغلو با طرح این ادعا که حزب دموکراتیک کرد سوریه نیز یک گروه تروریستی است، افزود: مبارزه با تروریسم بدین صورت امکان ندارد.

این در حالیست که کبری هرگونه حمایت تسلیحاتی آمریکا از کردهای سوریه را رد کرده و می گوید که آمریکا فقط به آنها در امر مبارزه با داعش پشتیبانی هوایی ارائه می دهد. وی در عین حال، تاکید کرد که آمریکا برای رعایت دوستی با ترکیه حاضر است برای رفع دغدغه های این کشور به بحث و تبادل نظر بپردازد.

### موضع متفاوت روسیه در قبال احزاب کرد سوریه

نگرانی اردوغان در قبال کردهای سوری به آمریکا ختم نمی شود که به اسم مبارزه با داعش و در اصل با هدف پیگیری پروژه نفوذ وارد میدان عملیاتی سوریه شده است. بلکه وی باید در این میان پاسخگوی چالش برخاسته از روسیه هم باشد که برخلاف واشنگتن جدیت خود را در مقابله با داعش به اثبات رسانده و حال که تلاش ها

مناسبات دوستانه ترکیه و آمریکا به دلیل اختلاف نظری که پیرامون ماهیت حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه و تفکیک آن از گروه های تروریستی وجود دارد، دستخوش تنش بی سابقه شده است.

اختلاف ترکیه با آمریکا بر سر اعلام مواضع واشنگتن نسبت به حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه (PYD) تا حدی بالا گرفت که دیروز سه شنبه وزارت امور خارجه ترکیه برای اعلام مراتب ناراضی خود نسبت به اظهارات اخیر «جان کری» سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، سفیر آمریکا را احضار کرد.

واقعیت ماجرا از این قرار است که کبری در سخنرانی مطبوعاتی روز دوشنبه خود خطاب به دولت آنکارا گفت: ما آنگونه که شما می گوئید، حزب اتحاد دموکراتیک کردها را یک گروه تروریستی به حساب نمی آوریم. البته می دانیم که ترکیه نظر مخالفی دارد و این موضع را درک می کنیم، اما واقعیت آن است که حتی بهترین دوستان هم بر سر همه مواضع با یکدیگر اتفاق نظر ندارند.

دولت آنکارا ادعا می کند که حزب اتحاد دموکراتیک کردها و «وای پی جی» که حکم شاخه نظامی آن را دارد به حزب منحل کارگران کردستان (پ ک ک) وابسته هستند و به همین لحاظ باید در شمار گروه های تروریستی قرار بگیرند.

با این حال، کبری ضمن تایید ملاقات «جان باس» سفیر آمریکا با مقامات ترکیه همچنان بر درستی مواضع اتخاذ شده از سوی واشنگتن تاکید کرد و گفت: هیچ چیز در سیاست آمریکا تغییر نکرده است.

ائتلاف آمریکایی به اصطلاح مبارزه با داعش از زمان تشکیل در سپتامبر سال ۲۰۱۴ میلادی رابطه مداومی با شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک کردها داشته که سعی می کنند به نوبه خود مانع از پیشروی داعش در خاک سوریه شوند.

### چرایی مخالفت ترکیه با مواضع آمریکا در قبال کردها

احضار سفیر آمریکا از سوی مقامات دولت آنکارا پس از آن صورت می گیرد که «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه هفته گذشته خشم خود را در قبال ملاقات یک هیات بلندپایه از مقامات آمریکایی با اعضای وای پی جی - شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک - ابراز داشت. این گروه در حال حاضر کنترل شهر کردنشین «کوبانی» سوریه را بر عهده دارد.



## گفتگو با راینز فرهنگی ایران در آلمان:

# روابط ایران و آلمان تاریخی است/ لزوم ارتباط بخش فرهنگ و اقتصاد

دوم معرفی اسلام و مسلمانان. استراتژی ما برای تحقق این مأموریت، پیاده‌سازی مدلی از فعالیت‌های فرهنگی بود که مبتنی بر ایجاد و حمایت از نهادهای بومی است.

اعتقاد دارم اگر این دو مأموریت به‌درستی انجام پذیرد، زمینه توسعه روابط فرهنگی هم در ابعاد مردمی و هم در ابعاد دولتی به شکلی اصولی مهیا می‌شود. در کشور آلمان خوشبختانه زمینه هر دو کار فراهم بود. البته من در شرایطی به آلمان اعزام شدم که روابط رسمی فرهنگی متأثر از روابط سیاسی، سردتر از معمول بود.

در این ایام تلاش شد معرفی ایران و کار فرهنگی با ایرانیان از مسیرهای مختلفی توسعه داده شود. در گام اول با توجه به اینکه دانشگاه‌های آلمان در صدد ادغام برخی رشته‌های کم مخاطب و بدون صرفه اقتصادی بودند، می‌بایست فکری برای رشته‌های ایران شناسی و آموزش زبان فارسی می‌کردیم. این کار در قالب دیدار و گفتگوی حضوری با روسای دانشگاه‌های و کرسی‌های ایران شناسی در شهرهای مختلف آغاز شد. در برخی موارد موفق به توجیه مسئولین دانشگاه و در برخی موارد ناگزیر از حمایت مالی برای حفظ کرسی‌ها شدیم.

### || با توجه به محدودیت‌های مالی راینز فرهنگی آیا امکان ادامه و توسعه حمایت‌های مالی برای حفظ کرسی‌ها را خواهید داشت؟

شایه رایج در حمایت از کرسی‌های آموزش زبان توسط سایر کشورها که قابل‌الگو برداری است، اتصال بخش‌های فرهنگی به بخش‌های اقتصادی خصوصی و یا دولتی آن کشورها است. می‌بایست از تجار و شرکت‌های معتبر خواسته شود در چارچوب فعالیت‌های اقتصادی، حمایت از این آموزش‌ها را در دستور کار خود قرار دهند. متأسفانه به دلیل کاهش سطح روابط اقتصادی و نبود تعریف لازم بین بخش‌های اقتصادی و فرهنگی در کشورمان، امکان عملی کردن این مهم فراهم نبود. گمان می‌کنم با فضای جدید امکان این امر میسر گردد؛ منوط به اینکه بتوانیم ارتباط تعریف شده‌های بین بخش‌های اقتصادی و نهادهای فرهنگی مسئول در داخل کشور در سطوح بالا فراهم سازیم.

### || چه اقدامات دیگری برای گسترش زبان و ادبیات فارسی انجام شده است؟

آغاز آموزش زبان فارسی در مدارس که فارسی زبان دارند، همفکری با ایران شناسان برای ایجاد «انجمن ایران شناسان آلمان»، طراحی المپیاد فارسی، انتشار لغت نامه علوم انسانی آلمانی - فارسی، تجلیل از ایران شناسان و اساتید فارسی‌آموز برتر (با اهدای لوح حافظ و تور ایرانگردی)، اعزام گروه‌های دانش‌افزایی به ایران، طراحی کتاب‌های مناسب برای آموزش زبان فارسی با همکاری بنیاد سعدی شیرازی، همکاری با نهادهای غیردولتی ایرانی برای بسط آموزش زبان فارسی، حمایت از کلاس‌های آموزش فارسی برای نسل دوم و سوم ایرانیان مقیم آلمان در مدارس ایرانی و مذاکره با برخی از دانشگاه‌های ایران برای اعزام گروه‌های دانشجویی علاقمند به فراگیری زبان و ادبیات فارسی، بخشی از فعالیت‌های انجام گرفته در این حوزه است.

### || در ارتباط با معرفی ایران چه اقداماتی صورت پذیرفته است؟

برگزاری نشست‌های علمی در خصوص ایران با همکاری مراکز دانشگاهی، حضور در نمایشگاه‌های معتبر نظیر



به‌پایان رسانده و به‌زودی اصلاحات پیشنهادی را برای نهایی شدن به آلمان اعلام خواهد کرد.

### || وضعیت مسلمانان در آلمان، خصوصاً با ورود مهاجرین مسلمان به این کشور، شاهد چه تحولاتی بوده است؟

جامعه مسلمان آلمان مرتبه نخست را به‌لحاظ جمعیت و تعداد مراکز در اتحادیه اروپا داراست، در حالی که پیش از این بیشترین تعداد مسلمانان در اروپا به فرانسه تعلق داشت. البته در کنار این افزایش کمی، مسلمانان و مراکز اسلامی از افزایش احساسات اسلام‌ستیزانه در جامعه آلمان، که توسط راست‌گرایان افراطی نیز دامن زده می‌شود، رنج می‌برند. گسترش مهاجرت مسلمانان به کشور آلمان خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم و رشد قابل توجه آنها در اثر زاد و ولد در سال‌های اخیر موجب شد دولت فدرال آلمان تلاش گسترده‌ای برای جذب و هضم این جامعه در جامعه میزبان داشته باشد و باید اذعان کرد به‌جز موارد اندکی، در این کار موفق بوده است. در کنار این واقعیت، نباید فراموش کرد علیرغم حضور پنج‌صدی مسلمانان در جامعه آلمان، هنوز در بسیاری از ایالت‌ها، مسلمانان فاقد رسمیت و برخورداری از حقوق ادیان رسمی هستند.

نکته مهم دیگر، چهره اسلام‌بومی در آلمان است. با عنایت به غلبه ترک‌تبارهای مسلمان در آلمان، جوامع اسلامی و گروه‌های تأثیرگذار مسلمان را غالباً ترک‌ها تشکیل می‌دهند. در واقع اسلام متأثر از «فرهنگ ترکی»، با گستره ۶۳ درصدی، نهادها و سازمان‌های اسلامی را تحت تسلط خود قرار داده است.

پس از مهاجرت‌های اخیر در سال ۲۰۱۵، طبق نتایج تحقیقاتی که بنیاد «کنراد آدنauer» انجام داده است، رشد ۲۵ درصدی مسلمانان که عمدتاً از کشورهای عربی مهاجرت نموده‌اند، شرایط را به‌نفع اسلام متأثر از «فرهنگ عربی» تغییر داده است. البته در کوتاه مدت، تأثیر قابل توجهی در جامعه آلمان نخواهد داشت. زیرا برای تربیت نسلی که خود را بومی تلقی کند و بتواند زیرساخت‌های لازم را برای حضور تأثیرگذار فراهم نماید، زمان زیادی لازم است.

### || مهمترین دستاورد راینز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سه سال اخیر چه بوده است؟

من و همکارانم دو مأموریت اصلی را مورد توجه قرار دادیم. یکی شناسایی و دیگر شناساندن. اول شناخت درست از کشور میزبان که در واقع پیش‌فرض و زمینه‌ساز ورود به مأموریت دوم بود و دوم معرفی شایسته و جامع ایران. اما مأموریت دوم ما دو وجه بارز داشت. وجه اول، معرفی ایران و ایرانیان، وجه

مهدی ایمانی پور راینز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان، بیش از سه سال است که این مسئولیت را به‌عهده دارد. وی که تجربه‌های مختلفی در حوزه بین‌الملل در کارنامه خود دارد، پیش از این مدیرکل اروپا و آمریکای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، قائم مقام مجمع جهانی اهل بیت (ع)، معاون بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و راینز فرهنگی ایران در روسیه بوده است. علاوه بر این، او از کارشناسان تنظیم اسناد راهبردی در حوزه بین‌الملل است. با او درباره روابط فرهنگی ایران و اروپا و فعالیت‌های راینز جمهوری اسلامی ایران در آلمان گفت‌وگو کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرد:

### || جایگاه آلمان را در پازل روابط جمهوری اسلامی ایران با اروپا چگونه تعریف می‌کنید؟

کشور آلمان از دیرباز به‌عنوان زادگاه اندیشه در اروپا مطرح بوده است. آلمان به‌صورت نانوخته و وظیفه تولید علم در حوزه علوم انسانی در غرب را برعهده داشته و دارد. بخشی از بزرگترین تحولات سیاسی را شخصیت‌های آلمانی نظیر مارکس رقم زده‌اند. همچنین بخش عمده‌ای از تحولات دنیای مسیحیت توسط شخصیت‌های مذهبی این کشور صورت پذیرفته است که ایجاد مکتب پروتستان توسط لوتر نمونه بارز آن است. علاوه بر این‌ها نقش شخصیت‌هایی نظیر کانت، هگل، نیچه، گوته، شلر و... را در تحولات فکری و فرهنگی اروپا نباید نادیده گرفت.

در حال حاضر نیز قدرت نفوذ آلمان به‌واسطه قدرت اقتصادی، در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی نیز افزایش یافته است. تا جایی که اگر کار خوبی در حوزه‌های آکادمیک آلمان صورت پذیرد، قدرت نشر و توسعه در منطقه اروپا خصوصاً حوزه‌های شنگن را دارد. همچنین در تعریف نقش اسلام و مسلمانان و شکل‌دهی به اسلام اروپایی نیز آلمان نقش انکارناپذیری دارد.

### || ارزیابی شما از روابط فرهنگی ایران و آلمان و دورنمای آن چیست؟

کشور ایران به‌دلیل موقعیت حساس و استراتژیک و همچنین دارا بودن پتانسیل‌های گوناگون اقتصادی از جایگاه مهمی برای جامعه و سیاست آلمان برخوردار است. از سوی دیگر مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به‌دلیل عدم سابقه استعماری کشور آلمان و حضور جمع قابل توجهی از مهاجرین ایرانی در این کشور و سابقه دیرینه روابط دوستانه، همواره نگاه مثبتی به روابط با آلمان داشته‌اند. سوابق طولانی ایران شناسی در آلمان، آموزش زبان آلمانی در ایران و وجود موسسات فرهنگی دو کشور و فعالیت‌های مستمر آنها گوشه‌ای از علایق فرهنگی دو کشور را نمایان می‌سازد. در سال‌های اخیر با توجه به سردی روابط سیاسی دو کشور، از حجم فعالیت‌های رسمی کاسته شده بود و در کنار آن، حجم‌های رسانه‌ای برای سیاه‌نمایی و ایران‌هراسی به این موضوع دامن می‌زد. اما به نظر می‌رسد با بهبود روابط سیاسی، در حال گذر از این مرحله و توسعه روابط فرهنگی رسمی هستیم. سفر اخیر مقامات آلمانی به ایران و اظهار تمایل به برگزاری نمایشگاه‌های هنری و همکاری‌های فرهنگی - علمی، گواهی این مدعاست. علاوه بر این موافقت‌نامه فرهنگی دو کشور که مدت‌ها مسکوت مانده بود، چند وقتی است به جریان افتاده است و اکنون طرف ایرانی بررسی متن پیشنهادی دولت آلمان را

نمایشگاه کتاب و اعزاز هیئت‌های علمی دانشگاهی، انتشار کتاب جاذبه‌های گردشگری، حمایت از برگزاری نمایشگاه‌های هنرمندان ایرانی، نمایشگاه گردشگری، نمایشگاه صنایع دستی، برگزاری جشنواره‌های هنری اعم از موسیقی، تصویرگری، فیلم و عکس، حضور در جشنواره صلح و نمایشگاه‌های استانی بخشی از کارهایی بود که برای معرفی ایران و گرم کردن کانون ایرانیان مقیم، مستقل یا با همکاری نهادهای بومی به انجام رسیده است. یکی از جنبه‌های معرفی ایران که هم در مراکز علمی و هم رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد، معرفی ایران امروز و گفتمان انقلاب اسلامی است. این مهم در چارچوب نشست‌های علمی و نیز حوزه‌ی سایبری، با عنایت خاصی برنامه‌ریزی و اجرایی شد. به‌عنوان نمونه، نامه‌های مقام معظم رهبری خطاب به جوانان اروپا که به صورت حساب شده‌ای از سوی جراید و رسانه‌ها سانسور می‌شد از طرق مختلفی به دانشجویان و جوانان آلمانی عرضه گردید.

## || برای معرفی تولیدات فکری جدید کشورمان چه اقدامی صورت انجام داده اید؟

علاوه بر موارد پیش گفته، از جمله اقداماتی که برای معرفی تولیدات فکری جدید کشورمان در حوزه علوم انسانی انجام می‌شود، انتشار منظم فصلنامه علمی و پژوهشی بنام «اشپکتروم ایران» است که ۲۷ سال سابقه دارد. براساس برنامه‌ریزی انجام شده در دوره اخیر، این فصلنامه به‌صورت موضوعی تهیه می‌شود و توسط یک ناشر آلمانی توزیع می‌گردد. سال گذشته این نشریه موفق به اخذ رتبه علمی و پژوهشی از وزارت علوم شد و با ترمیم سردبیری؛ هیئت علمی و تحریریه خود به جذب مقالات معتبر از اساتید صاحب‌نام و در حوزه‌های مورد توجه متفکران آلمانی اقدام نمود و عرصه مهمی را برای معرفی ایران و ایرانیان توسعه داد.

|| در زمینه معرفی اسلام و مسلمانان که به‌عنوان یکی از مهمترین ماموریت‌ها از آن یاد کردید، چه فعالیت‌هایی انجام شده است؟

تفکیک میان معرفی اسلام و ایران کار دشواری است. چون عملاً معرفی ایران به معرفی اسلام یا بالعکس منجر می‌شود. آنچه در این بین اهمیت دارد معرفی قرائت رایج از مکتب اهل بیت (ع) در جمهوری اسلامی ایران است.

معرفی اسلام خردگرا و معتدل هم مطالبه ما بود و هم مطلوب مسئولین آلمانی. لذا تلاش شد در چارچوب «بنیاد مطالعات اسلامی آلمان» این مهم ساماندهی شود. با همکاری تنی چند از اساتید دانشگاه‌های آلمان کار ساماندهی مطالعات اسلامی را آغاز کردیم. تربیت نیروی انسانی کارآمد و تهیه متون لازم برای آموزش در اولویت بود. همان‌طور که قبلاً هم تلویحاً عرض کردم یکی از یافته‌ها این بود که در جامعه آلمان برای هویت دادن به هر چیز باید مسیر مراکز علمی طی شود. در این کشور هر جریانی که سخنگویان کاردان با جایگاه اجتماعی و علمی مناسب داشته باشد، می‌تواند جای خود را در جامعه باز کند. لذا صدراعظم آلمان وقتی می‌خواهد اسلام را به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر در آلمان مطرح نماید به دو چیز اشاره می‌کند: اول وجود کرسی‌های الهیات اسلامی در دانشگاه‌ها و دوم وجود مراکز و اتحادیه‌های اسلامی. در کنار این مسئله، تبلیغات گسترده و سیاه‌نامی مستمر رسانه‌ها و ایجاد هراس از اسلام، ضرورت فراهم نمودن متون لازم و حضور در فضاهای مجازی برای پاسخگویی به شبهات را دو چندان می‌کرد.

## || بنیاد مطالعات اسلامی چه فعالیت‌هایی را دنبال می‌کند؟

با در نظر داشتن مواردی که مطرح شد، بنیاد چند اقدام عاجل را برنامه‌ریزی نموده و در دست انجام دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

- تدوین مجموعه ۱۱ جلدی از معارف اسلامی در حوزه‌های فلسفی، عرفانی، کلامی و ... برای دانشجویان مقطع کارشناسی توسط اساتید مسلط به‌زبان آلمانی.

- تهیه کتب آموزش اسلام برای کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۸ سال (مجموعاً ۵ کتاب) جهت آموزش در مدارس و یا آموزش‌های آخر هفته در مراکز اسلامی. جلد اول این کتاب مراحل تصویرگری را پشت سر می‌گذارد.

- ترجمه و تفسیر مختصر قرآن با بهره‌مندی از روایات مصومین. این ترجمه درحال حاضر به جزء چهارم رسیده است. گفتنی است که از چهل ترجمه کامل یا گزیده قرآن کریم به زبان آلمان، پیروان مکتب اهل بیت (ع) سهمی ندارند.

- ایجاد کرسی شیعه‌شناسی در دانشگاه‌های فرانکفورت و مونستر.

- اعطای جایزه کتاب سال مطالعات اسلامی در حوزه‌های آلمانی زبان (جایزه رومی) که دوره اول آن به انجام رسیده است.

- انجام مقدمات لازم برای ایجاد مدرسه ابتدایی آلمانی با گرایش اسلامی در شهر برلین.

- ترجمه برخی از متون مرجع نظیر تحف العقول، دیوان شمس و تدوین لغت نامه اسلامی فارسی - آلمانی.

- انتشار دو کتاب‌شناسی مرجع با موضوع قرآن و نسخ خطی اسلامی.

- برگزاری کنفرانس‌های علمی و گفتگوهای دینی و انتشار مجموعه مقالات آن توسط ناشرین معتبر آلمانی.

- حمایت از بورس‌های دانشجویی و حمایت از انتشار آثار فاخر اسلامی نظیر «پایان نامه فوق دکتر» مرحوم پروفیسور فلاطوری و دهها کار کوچک و بزرگ دیگر در این چارچوب از جمله وظایف تعریف شده برای بنیاد مطالعات اسلامی است.

|| باتوجه به اینکه جنابعالی هم در ستاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و هم در رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت داشته‌اید، چرا تفاوت زیادی در عملکرد رایزنان فرهنگی (حتی در یک کشور خاص) وجود دارد. مثلاً آنچه در آلمان انجام شده، سلیقه شما بوده یا مطالبه‌ی ستاد است؟

فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور، یک مجموعه به‌هم پیوسته است که مشتمل بر فعالیت‌های بنیادین، فعالیت‌های تکلیفی ستاد و فعالیت‌های متداول است و برای هر یک از این فعالیت‌ها سهمی در بودجه نمایندگی‌ها در نظر گرفته شده است. لذا نمایندگی‌های فرهنگی خارج از کشور در یک چارچوب تعیین شده، برنامه‌های خود را پیشنهاد می‌دهند و در ستاد، برنامه‌ها کنترل می‌شود. ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که رایزنان فرهنگی ربات نیستند و در صحنه عمل، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و تفاوت‌هایی که در نحوه عملکرد نمایندگی‌های فرهنگی دیده می‌شود از این منظر قابل تفسیر است. واقعیت این است که علیرغم سیاست‌گذارهای کلان در ستاد، بخش عمده‌ای از تشخیص و یاقتن مدل‌های مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی در هر کشور برعهده رایزنان فرهنگی است و صد البته تعهد و تخصص رایزنان در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. همان‌طور که گفته شد آنچه در آلمان دنبال کردیم، پیاده‌سازی مدلی از فعالیت‌های فرهنگی مبتنی بر ایجاد و حمایت از نهادهای بومی بود. این کار به ماندگاری و اثر بخشی فعالیت‌ها کمک شایانی می‌کند. البته ویژگی کارهای ماندگار، زمان‌بر بودن آنهاست و چنانچه تا به‌ثمر

نشستن و مستقل شدن آن حوصله نکنیم، نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد نوع تعامل ستاد و صف است. برخی مطالبات ستادی می‌توانند رایزنان فرهنگی را به سوی انجام فعالیت‌های زود بازده و کم‌اثر سوق دهد.

نکته دیگر، پرهیز از کارهای بی مطالعه و سلیقه‌ای است. به‌عنوان مثال کار برای معرفی معارف بلند تنسیع فقط یک خواست قلبی نبود، بلکه مبتنی بر یک استراتژی تعیین‌کننده و قابل تحقق در کشور آلمان بود که می‌توانست برای هر دو کشور مفید باشد. یا انتخاب کارهای مطالعاتی و فعالیت‌های آکادمیک و تولید متن در فضای سایبری و فضای مکتوب، به‌جای پرداختن به فعالیت‌های تبلیغی و گوری، یک اتفاق نبود، بلکه یک برنامه مطالعه شده بود. پیمودن راه‌های دشوار و بعضاً پرهزینه برای علمی‌تر شدن فعالیت‌ها، راهی ناگزیر برای ثمردهی و تضمین ماندگاری فعالیت‌ها بود که این مسئله به نوبه خود توجیه ستادی را که درگیر کاهش اعتبارات بود، با مشکل روبرو می‌ساخت.

## || موانع و مشکلات موجود در این عرصه را چه می‌دانید و چه راه‌کارهایی را برای توسعه و پیشبرد اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ کوتاه به این سوال کار دشواری است. در دوره‌ای که مسئولیت ستاد تدوین سند توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را به‌عهده داشتیم، ساعت‌ها با همکاران برای مطالعه در این خصوص وقت گذاشتیم.

در این مجال به دو نمونه در مبنا و روش بسنده می‌کنم. برای ارتقاء روابط فرهنگی نظام‌مند و هوشمند اولاً یک قرارگاه مشترک لازم داریم که تقسیم کار مناسبی میان نهاد‌های فرهنگی مسئول در خارج کشور، فراهم سازد و ثانیاً نیاز به بازتعریف مدل فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور داریم. سال‌هاست برای ایجاد ثبات و وحدت رویه در فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور و ساماندهی و سازماندهی به آن از سوی مقامات ارشد نظام خصوصاً شخص مقام معظم رهبری تلاش می‌شود. اساساً فلسفه تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز همین مسئله بوده است اما «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها!» در حال حاضر جلسات متعددی برای هم‌افزایی و هم‌فکری در کشور وجود دارد ولی ساختاری که دستگاه‌ها را ملزم به رعایت ضوابط و قواعد تعیین شده نماید، پیش‌بینی یا عملی نشده است.

در ارتباط با بازتعریف مدل نیز به اشاره عرض کنم که کشورهای توسعه یافته و یا کشورهایی که خود را حامل پیام‌های جهانی می‌دانند، برای فعالیت‌های برون‌مرزی خود مدل شناخته شده‌ای دارند که ما می‌توانیم به‌عنوان روش اتخاذ کنیم. نهادهای فرهنگی بسیاری از کشورها در داخل کشور به وزارت خارجه آن کشور اتصال و پیوستگی دارند. به عبارت دیگر در سیاست‌ها و حمایت‌های مالی وابسته به وزارت خارجه هستند، ولی وقتی به خارج از کشور می‌روند چهره‌ای مستقل به خود می‌گیرند و بعضاً چهره یک نهاد غیردولتی را به نمایش می‌گذارند؛ نظیر گوته یا بریتیش کانسیل.

اما در کشور ما، عکس این قاعده عمل می‌شود. رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تابع سازمانی هستند که سیاست‌های خود را از شورای عالی متشکل از نهادهای دولتی و غیردولتی و حتی شخصیت‌های حقوقی مستقل اتخاذ می‌کند و الزاماً به وزارت خارجه چسبندگی ندارند، ولی وقتی به خارج کشور می‌روند عنوان رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران را به خود می‌گیرند که امکان بسیاری از فعالیت‌ها را محدود می‌سازد.





# آسیا

دبيران: بنفشه اسماعيلي  
علي كاوسي نژاد



## چگونگی گذار به «اتحادیه آسیایی» اتاق فکر گفتگوی همکاری آسیا



علی کاوسی نژاد

«عسی رضا زاده» رئیس مرکز هماهنگی های فرهنگی همکاری آسیا گفت: از مهمترین ایده های که می توان در گفتگوی همکاری آسیا مطرح کرد راه اندازی اتاق فکر در این نهاد آسیایی است.

عسی رضا زاده رئیس مرکز هماهنگی های فرهنگی گفتگوی همکاری آسیا (Asian Cooperation Dialogue) در گفتگو با خبرنگار مهر، به تشریح فعالیت های «گفتگوی همکاری آسیا» و نیز چگونگی عضویت جمهوری اسلامی ایران در گفتگوی همکاری آسیا پرداخته که در ادامه می آید.

### || سازمان گفتگوی همکاری آسیایی در چه سالی بوجود آمد و هدف از تشکیل این سازمان چه بود؟

رضا زاده: گفتگوی همکاری آسیا، یک سازمان بین دولتی است که در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۲ (۱۸ خرداد ۱۳۸۱) به منظور ارتقای همکاری آسیایی در سطح قاره ای تشکیل شد. ایده این نهاد، اولین بار توسط نخست وزیر تایلند در سی و چهارمین نشست وزاری امور خارجه کشورهای آسیا، آن در سال ۲۰۰۱ مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ظرف چهار سال از پیادایش مجمع مذکور، تعداد کشورهای عضو از ۱۸ به ۳۳ کشور افزایش یافت به گونه ای که در مقطع فعلی این مجمع فراگیرترین تشکیلات فرامنطقه ای است که تقریباً تمام کشورهای آسیایی در آن عضویت دارند.

اهداف اصلی از شکل گیری این نهاد ارتقای همکاری های متقابل، شناسایی نقاط قوت و فرصت های مشترک در آسیا، ریشه کن کردن فقر، کمک به بهبود زندگی مردم، توسعه جامعه مبتنی بر دانش، بالا بردن و توانمند سازی جامعه و مردم آسیا، افزایش رقابت اقتصادی آسیا در بازار جهانی، تقویت همکاری های منطقه ای، پیشگیری از بلایای طبیعی، استفاده منطقی از منابع طبیعی، تضمین توسعه پایدار، تکمیل چارچوب همکاری های موجود و در نهایت تبدیل قاره آسیا به یک جامعه آسیایی با توانایی برقراری ارتباط با بقیه جهان و کمک بیشتر برای رسیدن به صلح و رفاه متقابل در سراسر دنیا است.

ایده نهایی ۹ کشور اصلی و بنیانگذار سازمان، تبدیل گفتگوی همکاری آسیا به جایگاهی برای تفاهم و تشریح مساعی در زمینه صلح، رسیدگی به چالش های موجود و پیدا کردن راه حل های مشترک به نفع مردم آسیا بود. در حال حاضر سازمان گفتگوی همکاری های آسیا با ۳۳ عضو، فراگیرترین تشکیلات در آسیا است. اعضای آن در حال حاضر کشورهای جمهوری اسلامی ایران، تایلند، چین، اندونزی، مالزی، ژاپن، کره جنوبی، لائوس، بنگلادش، سریلانکا، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، عربستان، کویت، قطر، عمان، امارات متحده عربی، بحرین، کامبوج، برونئی، مغولستان، بوتان، هند، پاکستان، سریلانکا، افغانستان، سوریه، میانمار، ویتنام، فیلیپین، سنگاپور و ترکیه هستند.

سازمان گفتگوی همکاری آسیا بر پایه گفتگو شکل گرفته و سعی دارد تا فراغ از مباحثات و بعضاً مشاجرات سیاسی، راههای جدیدی را برای ایجاد همکاریهای منطقه ای مختلف با تمرکز بر مسائل توسعه ای و اقتصادی شناسایی و تقویت نمایند. ریاست مجمع داوطلبانه بوده و دوره زمانی یک ساله دارد. دبیر خانه مجازی مجمع در بانکوک است. عالی ترین ارگان تصمیم گیری مجمع، اجلاس وزیران خارجه است که کویت می کوشد به سطح سران ارتقا بخشد. این سازمان از آغاز کار خود تا کنون در دو زمینه گفتگو و رایزنی با دیگر کشورهای عضو و اجرای پروژه های توسعه محور، فعالیت های خود را گسترش داده است.

در زمینه گفتگو و مذاکرات قاره ای وزاری خارجه مجمع به طور سالانه تحولات و همکاری های منطقه ای و راه های افزایش و تحکیم وحدت آسیایی را بررسی می کند. در بخش اجرای پروژه های توسعه محور تا کنون ۲۰ زمینه همکاری در مورد موضوعات انرژی، کشاورزی، فن آوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، آموزشی و فرهنگی از سوی کشورهای عضو تعریف، پیشنهاد و تصویب شده است و در هر بخش یکی از کشورهای عضو به عنوان مجری و مسئول طرح تعیین شده است.

### || گفتگوی همکاری آسیا چه برنامه هایی برای گفتگو میان کشورهای آسیا دارد؟ چرا اساساً بر گفتگو تأکید دارد؟

همانطور که می دانید در آسیا تشکلات فراوانی وجود دارد و از آن جمله می توان به «شورای همکاری کشورهای فارسی زبان» با عضویت سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان، «شورای همکاری کشورهای ترک زبان» با عضویت چهار کشور ترکیه، قزاقستان، آذربایجان و قرقیزستان، «آسه. آن» با عضویت هفت کشور، «سازمان همکاری شانگهای» با حضور هشت کشور، «سازمان آکو» با عضویت ۱۲ کشور و «اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند» با عضویت ۱۹ کشور اشاره کرد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، سازمان «گفتگوی همکاری آسیا» شامل ۳۳ کشور است.

مشکلی که در تشکل های قبلی آسیایی وجود داشت آن بود که مصوبات آنها برای اجرایی شدن لازم بود که در پارلمان کشورهای مورد نظر مورد بحث و تبادل نظر قرار می گرفت و سپس زمان نسبتاً زیادی صرف تصویب و تخصیص بودجه آن میشد.

نخست وزیر وقت تایلند به عنوان طراح گفتگوی همکاری آسیا دو شرط را برای تشکیل سازمان همکاری گفتگوی آسیا مطرح کرد یکی اینکه سازمان و تشکلی که وجود خواهد آمد «سیاسی» نباشد و مسایل و مناقشات مرزی را در همان سازمانهای موجود و قبلی خود حل و فصل نمایند و با یک تفکر مثبت و هم گرایانه بتوانند تشکل جدیدی را بوجود آورند. شرط دوم آن بود که اگر کشوری طرحی یا پروژه ای را مطرح کرد خود آن کشور مسئولیت اجرای آنرا به عهده گیرد. اهمیت این پیشنهاد آن بود که کشور پیشنهاد دهنده مسئول اجرای طرح باشد و از سوی کشور مورد نظربه عواقب و نتایج کار خود آگاه باشد.

حضور جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری گفتگوی آسیا از چه زمانی بود و ایران چه پیشنهاداتی را به این سازمان ارائه داشته است و کدامیک محقق شده است؟ عضویت جمهوری اسلامی ایران طی سومین اجلاس وزاری خارجه کشورهای عضو در تاریخ ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴ (۳۱ خرداد

۱۳۸۳) در چین به تصویب رسید. جمهوری اسلامی ایران در دومین اجلاس گروه مطالعاتی ( فروردین ماه ۱۳۸۷ - سنول) با توجه به اهمیت و نقش مقوله فرهنگ در نزدیکی بین ملتها و ایجاد همبستگی بین کشورهای قاره آسیا، همچنین تنوع فرهنگی، نژادی، مذهبی و سطوح متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیشنهاد تصویب همکاریهای فرهنگی به عنوان پروژه بیستم را به مجمع گفتگوی همکاری آسیا ارائه نمود. متعاقباً گزارش توجیهی تهیه و به تصویب نشست سوم گروه ارشد مطالعاتی رسید. در همین نشست جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشگام و مسئول پروژه و هند به عنوان همکار انتخاب شدند.

جمهوری اسلامی ایران در نهمین نشست گفتگوی همکاری آسیا در تهران (۱۷ و ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۹) پیشنهادات مشخصی را در زمینه همکاری های فرهنگی کشورهای عضو ارائه داد که مورد تصویب قرار گرفت و مسئولیت برنامه هایی اجرایی آنرا به عهده گرفت.

لذا باید در بخش متولیان فرهنگی در داخل کشور اجماعی صورت می گرفت به همین دلیل ما با بخش های فرهنگی شهرداریها، صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری ها و معاونت های تخصصی وزارت ارشاد مانند معاونت هنری و سینمایی جلسات مختلفی را برگزار کردیم و هریک از این ارگانها متولی یک طرح فرهنگی شدند.

معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد علاقه مندی خود را به راه اندازی یک خبرگزاری فرهنگی گفتگوی همکاریهای آسیایی ابراز داشت و سازمان میراث فرهنگی طرحی را به عنوان فعالیتهای فرهنگی درمحدوده «جاده ابریشم» ارائه کرد. وزارت علوم نیز علاقه مندی خود را به راه اندازی اتاق گفتگوی همکاری آسیایی در دانشگاهها ابراز کرد. از جمله پیشنهادات جمهوری اسلامی ایران می توان به این موارد اشاره کرد:

- تأسیس مرکز مطالعات فرهنگی مجمع گفتگوی همکاری های آسیا

- تأسیس کرسی های فرهنگی در دانشگاههای کشورهای عضو

- انجام پروژه های مطالعاتی در زمینه های فرهنگی و مردم شناسی و ایجاد شبکه ای از مردم شناسان کشورهای عضو

- تأسیس مرکز تحقیقات سینمایی آسیایی در ایران

- انتشار فصلنامه فرهنگی پژوهشی آسیایی به مدیریت جمهوری اسلامی ایران

- انتشار دایره المعارف بزرگ آسیا

- تأسیس پایگاه اطلاعاتی (وب سایت فرهنگی آسیا به مدیریت جمهوری اسلامی ایران)

- احیای فرهنگی جاده ابریشم

- برگزاری مراسم بزرگداشت خادمان فرهنگ آسیا

- تقویت برگزاری هفته های فرهنگی و هنری در سطح آسیا

- تبیین نقش برجسته زنان در فرهنگ آسیایی و معرفی فرهنگ آسیا به کودکان

- تأسیس مرکز اسناد فرهنگی مجمع

- تقویت همکاریهای رسانه ای و برقراری ساز و کار به منظور تسهیل مبادلات رسانه ای

- تسهیل تبادل فیلم و سریال

- تأسیس اتاق فرهنگی در کشورهای عضو

- تأسیس خبرگزاری مشترک آسیایی

اولین نشست همکاری های فرهنگی مقامات ارشد مجمع گفتگوی همکاری آسیا در روزهای ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۰ با هدف برنامه ریزی، سیاست گذاری و تعیین خط

مشی همکاری های فرهنگی میان کشورهای آسیایی به مدیریت معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در





تهران برگزار شد. کشورهای شرکت کننده در سه کمیته (۱) سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون (۲) پژوهش و انتشارات (۳) مردم شناسی و تبادلات فرهنگی به بحث و بررسی زمینه ها و طرح های همکاری فرهنگی پرداختند.

جمهوری اسلامی ایران پس از انتخاب به عنوان گزارشگر نشست، ۱۶ پیشنهاد مشخص را در زمینه های فرهنگی مطرح نمود که مورد تایید کلی نمایندگان شرکت کننده قرار گرفت. با این حال نمایندگان کشورهای شرکت کننده تصویب این طرح ها را به نشست بعدی مقامات ارشد آسیایی که قرار شد در دهللی نو برگزار شود، موکول کردند. دومین نشست فرهنگی مقامات ارشد سازمان گفتگوی هماریهای آسیا در ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ در دهللی نو برگزار شد. در این نشست کلیه ۱۶ طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در مورد همکاریهای فرهنگی اعضای مجمع که به صورت کتبی و نسبتاً مفصل تر ارائه شده بود، مورد بحث و بررسی اعضا و موافقت کلی قرار گرفت اما باردیگر در گزارش نهایی اعضای مجمع خواستار طرح های عملیاتی و اجرایی برنامه های فرهنگی از سوی جمهوری اسلامی ایران شدند و آن را موکول به ارائه جزئیات و طرح تفصیلی برنامه ها در نشست بعدی که قرار شد بار دیگر در تهران برگزار شود نمودند. در این نشست دو موضوع دیگر چون جمع آوری اسناد فرهنگی کشورها و نقش زنان در ارتقای فرهنگ آسیایی اضافه شد.

سومین نشست مقامات ارشد سازمان گفتگوی همکاری های آسیا در مورد همکاری های فرهنگی در روزهای ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ در سطح وزاری فرهنگ کشورهای عضو در تهران برگزار شد. در این نشست ۲ روزه که با صدور یک بیانیه ۲۰ ماده ای به اتمام رسید، بار دیگر به نقش منحصر به فرد سازمان گفتگوی همکاریهای آسیا به عنوان محلی برای تبادل نظر در گستره آسیا تاکید شد و مشترکات فرهنگی اساس محکمی برای درک متقابل و همکاری بین مردم و به نبال آن ایجاد ثبات و امنیت و توسعه تمدن بشری اعلام گردید. در این بیانیه همچنین پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای میزبانی مرکز هماهنگی های فرهنگی در تهران به منظور حصول اطمینان از اجرای طرح های فرهنگی و پروژه های مشترک و بهبود روابط فرهنگی میان کشورهای عضو مورد تصویب قرار گرفت. با این حال برنامه عملیاتی و اجرایی طرح هایی پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران که در دو نشست قبلی مطرح و سپس مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، در نشست سوم نیز ارائه نشد و اجلاس بدون رسیدن به نتیجه مشخصی تنها بار دیگر در بیانیه پایانی ۱۶ پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در زمینه های فرهنگی را تکرار کرد. نشست همچنین پیشنهاد کنسولفیلیم برای میزبانی اولین مراسم بزرگداشت گنجینه های بشری زنده آسیا را که قرار شد در اواخر مهر سال ۱۳۹۲ در مانیل برگزار شود، مورد تصویب قرار داد. البته این برنامه هیچگاه توسط فیلیپین برگزار نشد.

ما با ۳۳ سفارتخانه کشورهای مختلف ارتباط داریم تا آنها هر یک نماینده مورد نظر خود را به ما معرفی نمایند. ما تاکنون با ۶ سفیر کشورهای عضو ملاقات کرده ایم و خوشبختانه آنها ضمن اعلام آمادگی جهت هر گونه همکاری با مرکز، از تشکیل مرکز و برنامه های آن بسیار استقبال کرده اند.

### || از قرن ۲۱ به عنوان قرن آسیا یاد می شود اهمیت آسیا در چیست؟

آسیا از لحاظ نیروی انسانی بزرگترین قاره بشمار می رود. چین و هند با داشتن جمعیت میلیاردری داری بیشترین منبع نیروی کار انسانی هستند. آسیا از لحاظ منابع طبیعی غنی ترین ظرفیت را داراست، از لحاظ اکولوژی منحصر به فرد است، از لحاظ ادیان و مذاهب از تنوع بسیاری برخوردار است. نژادها در آسیا متنوع و مختلف است. بعضاً این سوال

وجود دارد که آیا یکسانی باعث وحدت بیشتر می شود و یا تنوع نژادی باعث رقابت مثبت می شود؟ لذا از هر جهت که نگاه کنیم این منابع انسانی، منابع طبیعی، گستردگی جغرافیایی اهمیت آسیا را افزونتر می کند و از قرن ۲۱ به قرن آسیا نام برده می شود.

### || گفتگو میان کشورهای آسیا در چه زمینه های قابل توسعه و گسترش است؟

هر کشوری با توجه به قابلیت ها و صلاحیت های خود در حوزه موبوطه مسئولیت انجام پروژه یا طرحی را قبول کرده است. به طور مثال چین در زمینه کشاورزی، کره جنوبی در زمینه فن آوری اطلاعات، روسیه در حوزه محیط زیست و ایران حوزه فرهنگ و هنر را بدست گرفتند و وقتی ما نگاه می کنیم آسیای میانه و شبه قاره حوزه تمدنی ایران است. در هند از موضوع عرفان و تصوف گرفته تا شخصیت سید علی همدانی همه از اشتراکات فرهنگی ایران با شبه قاره هند است.

پروژه سیاحت و گردشگری را کشور تایلند مطرح کرده است چون صنعت گردشگری نیز برای ایران قابل اهمیت است. معاونت گردشگری ریاست جمهوری اسلامی ایران قرار است در سال ۲۰۱۶ کنفرانس وزاری گردشگری سازمان گفتگوی همکاری های آسیا را در ایران برگزار کند و این خود با حوزه فرهنگ مرتبط است. ترکیه، مالزی، اندونزی و تایلند در حوزه گردشگری فعال هستند. جدیداً طرحی بنام «گردشگری حلال» راه اندازی شده و چند همایش نیز در این رابطه به ترکیه، مالزی و حتی در تایلند نیز برگزار شده است. گردشگری در کشورهای آسیا دارای ظرفیت بالایی است و ما به دلیل اینکه در این زمینه سهم داریم می توانیم در این زمینه همکاری خوبی با کشورهای آسیایی داشته باشیم. ما در صدد هستیم کانون فیلم سازان آسیایی را در حوزه فرهنگی بوجود آوریم. در آسیا پنج کشور وجود دارند که بلوک فیلم سازی هستند مانند هند، چین، کره جنوبی، ژاپن و ایران. کشورهای آسیایی باید نیاز به تولید و فروش فیلم را بین کشورهای خود به وجود آورند.

از دیگر ایده های ما انتخاب شهروند فرهنگی گفتگوی همکاریهای آسیا از بین نخبگان کشورهای عضو است. از هر کشوری در حوزه های مختلف فرهنگ و هنر و ادب ۱۰ شهروند انتخاب شوند و اگر جمع اینها به تعداد به ۳۳۰ نفر برسند حداقل کاری که می توان برای این افراد منتخب انجام داد اینست که به آنها اجازه داده شود بدون ویزا به کشورهای عضو سفر کنند و این باعث می شود این حد از نخبگان در کشورهای مورد نظر شناسایی شوند.

از سویی می توان کانون زنان حوزه گفتگوی همکاری آسیا را راه اندازی کرد که در آن زنان ۳۳ کشور آسیایی در سطح آکادمیک بتوانند با هم همکاری داشته باشند و این کانون زنان آسیا در حوزه های مختلف علمی به عنوان استاد مدعو در کشورهای آسیایی در دانشگاهها حضور داشته باشند. این کانون زنان آسیا می تواند ظرفیتی در حدود ۷۰۰ نفر را در برگیرد و کشورهای آسیایی متعهد شوند در حوزه های مختلف استادان مدعو را از کشورهای عضو سازمان دعوت به همکاری کنند.

از دیگر ایده هایی که در این سازمان می توان ارائه داد راه اندازی اتاق فکر گفتگوی همکاری آسیا است که از هر کشوری فردی در سطح آکادمیک معرفی شود که دارای قابلیت های خاصی باشد و بتواند ظرفیتهای کشور مورد نظر را بخوبی معرفی کند. با این روش می توان از ظرفیت های دانشگاهی کشورهای مختلف آسیایی آگاه شد. اگر ما بخواهیم مانند اتحادیه اروپا «اتحادیه آسیا» را بوجود آوریم می توانیم از همین اتاقهای فکر استفاده کنیم و این را در دستور ۵ ساله سازمان قرار دهیم. اعضای این اتاق فکر می توانند مشکلات و مسایل را نقد و بررسی کنند و راهکارهای لازم را در این زمینه ارائه دهند.

اجلاس وزاری خارجه سازمان گفتگوی همکاری آسیا سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ در ماه مارس یا آوریل در تایلند برگزار خواهد شد. اجلاس سران سازمان هر دو سال یکبار تشکیل می شود. در سال ۲۰۱۴ در کویت برگزار شد و در اواخر ۲۰۱۶ در تایلند برگزار خواهد شد.

اجلاس سران در سال ۲۰۱۸ در تهران و به میزبانی جمهوری اسلامی ایران برگزار خواهد شد. در اجلاسی که در کویت برگزار شد این کشور خواستار تشکیل دبیرخانه دائمی به مرکزیت کویت شد اما این طرح پذیرفته نشد و در حال حاضر فقط یک دبیر خانه موقت وجود دارد و در اجلاس سران در آینده در این مورد تصمیم گیری خواهد شد. در بخش سران درباره پروژه های کلان گفتگو صورت می گیرد و در یک رده پایین تر از آن درباره اعتبارات اختصاص داده شده گفتگو صورت می گیرد و این اجلاس معمولاً سالانه برگزار می شود و پروژه ها در سطح وزاری کشورهای عضو سازمان انجام می شود.

اجلاس وزاری متولیان اجرای پروژه ها نیز جداگانه برگزار می شود و ایران که متولی اجرای پروژه فرهنگ و هنر است از سال ۱۳۹۲ تا حال اجلاسی برگزار نکرده است. وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران سعی دارد تا این اجلاس را در سال ۲۰۱۶ برگزار کند.

## سازمان اطلاعات پاکستان بزرگترین مانع مذاکرات دهلی-اسلام آباد است

بنفشه اسماعیلی-علی کاوسی نژاد



یک کارشناس مسائل شبه قاره گفت: سران هند و پاکستان برای از سرگیری مذاکرات صلح عزم راسخی دارند، اما در این میان موانعی وجود دارد که اصلی ترین مانع سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان (ISI) است.

در نشستی که در خبرگزاری مهر با حضور «پیرمحمد ملازهی»، «سلیمان زارع» و «شبییر علی شهباز»، کارشناسان مسائل شبه قاره برگزار شد، مسائل منطقه و شبه قاره از جمله «روابط سه کشور هند - پاکستان - افغانستان»، «بررسی روند مذاکرات صلح افغانستان»، «روابط طالبان افغانستان و پاکستان»، «خط لوله صلح و خط لوله تاپی»، «تنش های هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و رو به بودن رفتن روابط دو کشور» و همچنین «روابط هند و پاکستان با کشورهای آمریکا و روسیه و چین» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم این نشست تنش های هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و رو به بهبود رفتن روابط دو کشور بررسی شده که در ادامه از نظر می گذرد.

**|| متعاقب دیدار «نواز شریف» و «نارندرا مودی» نخست وزیران دو کشور هند و پاکستان در «پاریس» و به دنبال آن سفر وزیر خارجه هند به پاکستان، برای شرکت در کنفرانس «قلب آسیا»، دو کشور از آغاز دوباره مذاکرات سخن گفته اند. دلایل از سرگیری دوباره این مذاکرات چیست؟**

سلیمان زارع: نواز شریف و نارندرا مودی، نخست وزیران هند و پاکستان، هر دو خواهان انجام مذاکرات هستند اما موانعی بر سر راه این مذاکرات وجود دارد که قابل بررسی است. در واقع نواز شریف به خاطر رشد سریع اقتصاد هند و ترس از غیر قابل کنترل شدن سرعت رشد اقتصاد این کشور، نگران است که شاید این رشد اقتصادی سریع قدرت هند را به حدی در منطقه بالا ببرد که سبب برهم خوردن توازن منطقه ای شده و هند به عنوان قدرت برتر بتواند به راحتی به هر اقدامی در پاکستان دست بزند، بنابراین نواز شریف برای جلوگیری از ایجاد فاصله اقتصادی عمیق بین هند و پاکستان و هم چنین برای برقراری توازن در منطقه به مذاکرات با هند روی خوشی نشان داد.

از دیگر سو با توجه به رشد سریع اقتصاد هند که در واقع دومین رشد اقتصادی بزرگ منطقه است، این کشور نیاز شدیدی به انرژی دارد و تا سال ۲۰۲۵ به چیزی حدود دو برابر انرژی کنونی نیازمند است.

پاکستان به «بمبئی» این اتفاق افتاد و سال گذشته بود که یکی از عوامل این حمله به نام «قصاب» محکوم به اعدام شد و به دار آویخته شد.

حتی در اولین نشست همکاری های راهبردی بین هند و آمریکا نیز دو کشور ضمن محکوم کردن این حمله و درخواست پیگیری پرونده مربوط به این واقعه، برای اولین بار بیانیه مشترکی را در راستای مبارزه با تروریسم صادر کردند.

این در واقع بازی با افکار عمومی است، چرا که خود هند از یک سو این طور نشان می دهد که همه تلاش خود را برای حل این مسئله و مذاکرات انجام می دهد و از دیگر سو بیان می کند که ما در خطوط مرزی عقب نشینی نمی کنیم و اگر اتفاقی بیفتد ما در همین خطوط مرزی جواب پاکستان را خواهیم داد. در واقع همین تبادل آتش در این منطقه و یا تحریم کشمیری ها در بخش حمل و نقل و پس از آن، آزادسازی تدریجی این تحریم ها همه و همه نشان از بازی با افکار عمومی دارد.

**|| چرا هند قصد دارد سامانه موشکی «اس-۳۰۰» که از روسیه خریداری می کند را بین مرزهای هند و پاکستان مستقر کند و آیا احتمال جنگ اتمی بین این دو کشور وجود دارد؟**

شبییر علی شهباز: این اتفاق نخواهد افتاد. در واقع آخرین درگیری جدی بین هند و پاکستان همان جنگ «کارگل» بود. نه اقتصاد هند و نه اقتصاد پاکستان هیچ کدام جوابگوی جنگ و درگیری طولانی مدت نخواهد بود و در واقع چنین اتفاقی به ضرر دو کشور تمام خواهد شد. ما نمی توانیم بگویم که این ها از لحاظ اقتصادی یک انحصار (مونوپولی) و یا یک هژمونی در منطقه محسوب می شود در واقع این

از دیگر سو هند نیز با احساس شکل گیری گروه تروریستی جدید داعش در کنار طالبان در پاکستان، نگران است. باید توجه داشت که گروه طالبان در پاکستان شکل گرفت بعد وارد افغانستان شد و در آنجا قوت گرفت و صدمات آن گریبان گیر هند نیز شد.

در واقع داعش در «تنگرهار» به قدری مسلط شد که توانست اقدام به راه اندازی رادیویی به نام رادیو خلافت کند. اگر خوب دقت کنید می بینید که در قسمت شمالی تنگرهار شهر «کنر» و در بخش بالایی کنر هم شهر «نورستان» واقع است و پایین نورستان هم شهرهای «پکیا» و «پتکیا» از جمله شهرهایی هستند که دقیقا هم مرز با پاکستان هستند. بنابراین هند نگران است که گروه تروریستی جدید داعش نیز در افغانستان قدرت بگیرد و سپس وارد پاکستان شده و صدمات آن دامن گیر هند نیز شود. لذا هند برای جلوگیری از وقوع چنین امری به سمت نواز شریف که از نظر آنان مهره مطلوبی برای مذاکرات است، دست دراز کرد.

نواز شریف و نارندرا مودی هر دو خواهان مذاکرات هستند اما بر سر راه مذاکرات موانع بسیاری وجود دارد.

**|| آیا در مذاکرات آتی دو کشور، مسئله کشمیر نیز بررسی و حل و فصل خواهد شد؟**

شبییر علی شهباز: مسئله کشمیر، مسئله حیاتی برای هند و پاکستان است. این مسئله شاید ادامه حیات سیاسی برخی احزاب را دچار تهدید کند. هرگاه در هند حزبی تضعیف می شود و از محبوبیت آن کم می شود، به سرعت مسئله کشمیر و یا نفوذ تروریست ها از پاکستان به هند به شدت بروز پیدا می کند. همانطور که در حمله سال ۲۰۰۸ گروه های تروریستی

بنابراین اگر دهلی حاضر به همکاری با اسلام آباد نباشد و اگر نخواهد خط لوله «تاپی» (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند) که از ترکمنستان به سمت افغانستان و سپس به پاکستان و سرانجام به هند گاز رسانی می کند، عملی شود و هم چنین با توجه به مانع تراشی ها که بر سر خط لوله صلح وجود دارد قطعاً هند با بحران شدید انرژی مواجه خواهد شد.

از طرفی ۵ نیروگاه هسته ای در ایالت «راجستان» هند به دلیل نداشتن سوخت هسته ای، تعطیل شده اند و این نیز به نوبه خود یک مانع بزرگ است بر سر رشد اقتصاد هند. هند برای پیشگیری از این موضوع به مذاکرات با پاکستان روی آورده تا بدین ترتیب راه های عملی شدن تاپی را تسهیل کرده و مانع از بحران انرژی در کشورش شود.

اما باید دانست که بر سر راه این مذاکرات موانعی وجود دارد که اصلی ترین مانع همان ISI (سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان) است، چرا که ISI نمی خواهد که این مذاکرت به نام نواز شریف تمام شود. اما شریف در یک حرکت زیرکانه سرمایه گذاری ۴۵ میلیون دلاری با چینی ها را به جای «کراچی» در بندر «گوادر» اجرایی می کند چرا که کراچی نسبت به بندر گوادر پیشرفته تر است و در نتیجه امکان دارد که نیروهای ISI بتوانند به راحتی نفوذ کنند و با ایجاد ناامنی این معامله را نا کارآمد کنند. در نتیجه با انجام این معامله در بندر گوادر و انتقال خط لوله گاز ۱۶۰۰ کیلومتری از کنار مرزهای روسیه، افغانستان و چین و از مناطق ناامنی چون «سین کیانگ»، کمک کرد تا این حرکت خط لوله گاز تاثیر مثبت خود را در منطقه به ویژه مناطق ناامن بگذارد چرا که هرگاه در منطقه ای اقتصاد قوی عمل کرده تروریسم در آن منطقه ناکارآمد بوده است.



## گفتگو با معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو: جهانی شدن و منطقه گرایی رقیب همدیگر نیستند / گسترش فرهنگ چینی



مواضع هند و پاکستان بیشتر چنگ و دندان نشان دادن به یکدیگر است تا بدین طریق بتواند امنیت داخلی خود را حفظ کنند و قدرت خود را به رخ طرف مقابل بکشانند.

«سرتاج عزیز» مشاور امور خارجی پاکستان، بیان داشت که دبیر کل امور خارجه هند به اسلام آباد سفر و با همتای پاکستانی خود دیدار و مذاکره خواهد کرد. در این دیدار چه نکاتی بین دو طرف مطرح خواهد شد؟

شیر علی شهباز: در واقع وقتی اعلام سفر می شود اکثر کشورهای منطقه و حتی آمریکا نیز از این سفر استقبال می کنند، همانطور که در مورد این سفر نیز «جان کربی» سخنگوی کاخ سفید نیز حمایت خود را اعلام کرد. در واقع این سفر هم از لحاظ اقتصادی اهمیت دارد که دو کشور بتوانند به سمت همکاری اقتصادی پیش بروند و هم اینکه می توان امیدوار بود این سفر نقطه آغازی باشد برای مشخص کردن و یا به گونه ای به توافق رسیدن دو کشور در جهت برقراری صلح موقت در کشمیر. اگر سفر مذکور حتی نتیجه مطلوبی هم نداشته باشد در حال حاضر و در بحث کنونی به نفع هر دو طرف هست.

دولت هند اعلام کرده است که حاضر به مذاکرات راجع به کشمیر است، اما صرفاً در مورد کشمیری مذاکره خواهد کرد که تحت سلطه پاکستان است. با این وجود مسئله کشمیر چگونه حل و فصل خواهد شد؟

شیر علی شهباز: مسئله کشمیر در حقیقت مسئله حساسی است و دو طرف حاضر نیستند که از موضع و دیدگاهی که دارند عقب نشینی کنند. لذا اگر این موضوع مطرح هم بشود به نتیجه نخواهد رسید.

به خاطر اینکه هند این قسمت از کشمیر را کشمیر غصب شده می داند که پاکستان بر آن مسلط شده است و دقیقاً همین رویکرد را پاکستان نیز نسبت به کشمیر هند دارد. در اصل طبق توافقی که قبلاً انجام شده بود کشمیر باید عملاً از آن پاکستان می شد اما هند این کار را انجام نداد و آن شرایط و آن روندی که آن زمان اتفاق افتاد باعث ایجاد تنش شد. در تنش و جنگی که در سال ۱۹۷۴ بین هند و پاکستان اتفاق افتاد و با مداخله سازمان های بین المللی تمام شد، پاکستان تنها توانست یک سوم کشمیر را آن هم به زور نظامی از هند بگیرد.

نقش رهبران آزادی در حل مذاکرات کشمیر چیست؟

رهبران آزادی چون «سید علی گیلانی»، «باسین ملک» و «نعیم احمد» که جزو چهره های شاخص آن هستند رویکرد جدیدی در قبال کشمیر در پیش گرفته اند. به این صورت که نه خواهان الحاق به پاکستان هستند و نه خواهان الحاق به هند، بلکه خواهان منطقه خود مختار و مستقلی هستند که نه تحت کنترل پاکستان باشد و نه تحت کنترل هند و این رویکرد آهسته آهسته در حال گسترش است.

اهمیت منطقه گرایی و اینکه آیا منطقه گرایی منجر به تضعیف جهانی سازی خواهد شد یا موجب تقویت آن گفت: دیدگاه من این است که تجارت منطقه ای، سرمایه گذاری و دیگر روندهای منطقه ای نهایتاً به جهانی سازی ختم خواهد شد. بر خلاف عده ای که منطقه ای را مغایر روند جهانی شدن می دانند معتقد هستم که منطقه ای به روند جهانی شدن کمک می کند.

وی در ادامه گفت: جهانی سازی و منطقه گرایی موجب اجرایی شدن همدیگر هستند و نه رقیب یکدیگر. در واقع فرایندهای منطقه گرایی در راستای تقویت فرایندهای جهانی شدن هستند. البته برخی معتقد هستند گرایش به منطقه گرایی در عرصه تجاری و اقتصادی نشان دهنده تضعیف روندهای جهانی شدن است و همین باعث شده تا کشورها رو به منطقه گرایی بیاورند.

آرتور سایر درباره علت عدم تاثیر گذاری جهانی سازی بر رژیم های امنیتی گفت: بر خلاف رژیم های اقتصادی، مالی و تجاری باید توجه داشت که بحث رژیم های امنیتی متفاوت است. علت این تفاوت در اهمیت مقولات امنیتی است.

وی در ادامه افزود: به بیان دیگر اگرچه رژیم های مالی و تجاری می توانند سازمانهای غیر دولتی شکل بگیرند و گسترش یابند ولی رژیم های امنیتی محدود به دولتها هستند. بر این اساس نظام های امنیتی اساساً بر بنیان دولت مملت هستند و سازمان های بین المللی محسوب نمی شوند.

استاد آمریکایی در پاسخ به این سوال که چرا با وجود اینکه چین بیشترین جمعیت جهان را دارد ولی فرهنگ چینی تاثیر گسترده ای در جهان نداشته است، گفت: به اعتقاد من فرهنگ چینی از نظر تاریخی و نیز در حال حاضر در تعریف موسع تاثیر گسترده ای داشته است.

استاد آمریکایی اقتصاد سیاسی گرایش به منطقه گرایی را بیانگر ضعف روند جهانی سازی ندانسته آن را موجب تقویت اجرای جهانی سازی می داند.

سیزدهم مهرماه امسال پیمان تجارت آزاد دو سوی اقیانوس آرام (ترانس پاسیفیک) (TPP) که توافقی تاریخی است پس از ۵ سال تلاش های آمریکا و ۱۱ کشور شامل ژاپن، مالزی، ویتنام، برونئی، استرالیا، سنگاپور، نیوزیلند، کانادا، پرو، مکزیک و شیلی به امضا رسید.

این توافق که بزرگترین منطقه تجارت آزاد در دنیا را به وجود خواهد آورد موجب حذف هزاران تعرفه واردات اجناس و محصولات شده و برای ۱۲ کشور امضاء کننده آن، استانداردهای مشتری را ایجاد خواهد کرد.

معاهده ترانس پاسیفیک پس از نهایی شدن نه تنها محدودیت های تجاری اعمال شده بر روی هزاران کالا از محصولات دارویی آمریکا گرفته تا فرآورده های لبنی نیوزیلند، برنج ژاپن و سرمایه ویتنام را شامل می شود، بلکه در ابعادی وسیعتر به دولت واشنگتن کمک می کند تا قوانین تجارت جهانی را در یکی از استراتژیک ترین مناطق دنیا باز نویسی کند تا به این ترتیب همزمان با بازاریابی برای کالاهای ساخت آمریکا، قدرت های اقتصادی آسیا نظیر چین و هند نیز به تبعیت از مدل های آمریکایی تجارت وادار شوند.

از منظری تئوریک، یکی از بیم های موجود ناشی از گسترش نهادهای و سازمان های منطقه ای تحت الشعاع قرار دادن موضوع جهانی شدن است. در واقع برخی معتقد هستند که گسترش منطقه گرایی به نوعی نشان از ناکارآمدی جهانی سازی است.

البته عده ای نیز معتقد هستند که منطقه گرایی در تضاد با جهانی شدن نیست بلکه باعث گسترش جهانی شدن نیز می شود.

دکتر «آرتور سایر» استاد اقتصاد سیاسی و معاون سابق شورای روابط خارجی شیکاگو در خصوص

## دلارهای سعودی در جیب نخست وزیر مالی برای سرکوب شیعیان



خاندان آل سعود در راستای گسترش وهابیت در مالزی و سرکوبی شیعیان این کشور به «نجیب رزاق» نخست وزیر این کشور ۶۸۱ میلیون دلار رشوه دادند. «نجیب تون رزاق» ششمین نخست وزیر مالزی است که پس از پیشی گرفتن بر «عبدالله احمد بدای» نخست وزیر پیشین مالزی از سال ۲۰۰۹ به سمت نخست وزیری مالزی رسیده است. نجیب رزاق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ سمت معاونت نخست وزیری مالزی را به عهده داشت.

«محمد اپندی علی» دادستان کل مالزی پس از ماه ها پنهان کاری لاجرم دیروز سه شنبه تایید کرد که «نجیب تون رزاق» نخست وزیر این کشور دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون رینگیت برابر ۶۰۷ میلیون دلار از خانواده سلطنتی عربستان دریافت و به حساب شخصی اش واریز شده است. وی در عین حال تاکید کرد این رشوه مالی سران سعودی به آنان بازگردانده شده است.

براساس اسنادی که کمیسیون مبارزه با فساد مالزی در اختیار دادستان قرار داده است در مجموع ۶۸۱ میلیون دلار برابر با دو میلیارد و ۸۰ میلیون رینگیت کمک خانواده سلطنتی سعودی از ۲۲ مارس ۲۰۱۳ تا چهارم آوریل این سال در چهار نوبت به حساب شخصی نخست وزیر واریز شده است.

از سوی دیگر پایگاه خبری «مالزی آزاد امروز» نیز هفته گذشته اعلام کرده بود که سران عربستان چند میلیون دلار به نجیب تون رزاق رئیس حزب حاکم آمنو داده اند. این پایگاه خبری این سوال را طرح کرد که اکنون که تنش های ایران و عربستان افزایش یافته، آیا ریاض به ازای بخشش این پول به مالزی، انتظاراتی ندارد؟

به اعتقاد کارشناسان، سران دلارهای نفتی سعودی در سال های گذشته با سفر به مالزی، ریزنی هایی در مورد سیاست های ریاض انجام داده و مقامات کوالالامپور نیز از سیاست ها ستیزه جوینه عربستان مانند حمله به یمن پشتیبانی کردند. این کارشناسان معتقدند که این کمک را شرکت پتروسعودی سال ۲۰۱۳ همزمان با انتخابات مالزی در اختیار نجیب قرار داد تا حزب حاکم «آمنو» در برابر مخالفان پیروز شود.

«دنيس ایگناتیوس» سفیر پیشین مالزی در شیلی و آرژانتین نیز تاکید دارد که جایی از فرایند مدیریت مذهب

«فیصل موسی» در ادامه تصریح می کند: نشست آمنو و سخنرانی نجیب تون رزاق نخست وزیر و رئیس حزب حاکم پشت درهای بسته انجام شد. «صحیف الهزبزی زین العابدین» رئیس شاخه جوانان حزب آمنو در ایالت کداح ششم دسامبر (۱۵ آذر) ادعا کرده بود آموزه های شیعی تهدید است و آن را در این نشست ارائه می کند. آموزه های شیعی دانشجویان دانشگاه ها را تحت تاثیر قرار می دهد.

فیصل موسی بر این نکته تاکید دارد که اعتدال گرای که توسط «نجیب تون رزاق» مطرح شده از نظر بین المللی «شعار سیاسی و آشغال» است.

وی درباره مبارزه بر علیه شیعیان می افزاید: «نصر الدین مات ایسا» رئیس جدید جنبش اعتدال مالزی نیز از دولت خواسته بود شیعه و صوفی ها را در این کشور محدود کند. جنبش اعتدال مالزی که خود را یک جنبش جهانی می داند، پیش از این توسط نجیب تون رزاق نخست وزیر این کشور در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد و هر سال آن را به گونه ای تبلیغ می کنند. مالزی به رغم اینکه در دوران نخست وزیری «عبدالله احمد بدای» با امضا منشور امان را به رسمیت شناخته است علیه شیعیان اقدام می کند.

دولت مالزی از حمله عربستان سعودی به یمن دفاع کرده است و از سوئی «نجیب رزاق» نخست وزیر این کشور از دولت سعودی مبالغه هنگفتی به عنوان هدیه دریافت کرده است و این نشان از آن دارد که این مقام مالائی نزدیکی بسیار زیادی با خانواده سعودی دارد.

شیعیان در کشور مالزی سرکوب می شوند و فعالیت های شیعیان در مالزی محدود می شود. همانگونه که سعودی ها با دستور به ارتش نیجریه «شیخ زکراکی» و خانواده او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و پسران این عالم روحانی را به شهادت رساندند در سرکوبی شیعه در تمام کشورهای جهان ابایی ندارند.

از سوئی سعودیها دیگر اخیراً در اقدامی نامناسب «شیخ نمر باقر النمر» روحانی مبارز شیعی را اعدام کردند. این اقدام سعودیها از طرف کشورهای مسلمان بویژه شیعیان جهان به شدت محکوم شد. کمک عربستان سعودی به «نجیب رزاق» نخست وزیر مالزی نیز با هدف سرکوبی کنترل و سرکوبی شیعیان در مالزی صورت گرفته است.

در مالزی با خطا مواجه است. مالزی باید به طور موثری با بمب ساعتی وهابیت که با پول عربستان کوک می شود، مقابله کند.

وی در ادامه افزوده است: باید به این نکته آگاهی داشت پرداخت رشوه به تأیید «ملک عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه فقید عربستان رسید و از حساب شخصی وی و خزانه دولتی این کشور پرداخت شد. برخی از منابع خبری اعلام کرده اند هدف از پرداخت این پول حمایت از رزاق و هم پیمانی با وی برای پیروزی در انتخابات بوده است. علت توجه سعودی ها به انتخابات در کشوری غیر عربی که ۶ هزار کیلومتر از آنها فاصله دارد این است که سعودی ها از افزایش قدرت اخوان المسلمین که آن را گروهی تروریستی به حساب می آورند بیم دارند.

پرداخت این چنین پولهایی از سوی خاندان آل سعود امری عادی است. اردن، مراکش، مصر، سودان و سومالی نیز تا کنون هدیه هایی به ارزش میلیون ها دلار از جیب عربستان دریافت کرده اند. در انتخابات ۲۰۱۳ مالزی، ائتلاف مخالفان حزب اسلامی مالزی فعالیت داشتند که بنیانگذاران آن تفکرات خود را از اخوان المسلمین الهام گرفته بودند. عربستان در مصر به سرنگونی «محمد مرسی» کمک کرد و به دولت برخاسته از ارتش، کمک ها و وام هایی به ارزش میلیاردها دلار پرداخت.

«فیصل موسی» استاد دانشگاه ملی مالزی (یو. کی. ام) مدعی است اعضای حزب «آمنو» بر اثر تفکرات وهابیت که در عربستان سعودی شکل گرفته است، افراطی شده اند. این محقق امور مذهبی مالزی معتقد است این شرایط یک چیز را ثابت می کند و آن اینکه دیدگاه تئو- فاشیستی دولت مالزی تحت تاثیر سعودی ها قرار دارد. سعودی ها یا وهابیان منبع افراط گرای در جهان هست.

وی همچنین تاکید کرده است با پذیرش دیدگاه های وهابیت، اعضای «آمنو» تایید کرده اند در حال تبدیل به افراط گراها هستند فیصل موسی این مطلب را در پاسخ به گزارش شاخه جوانان حزب حاکم آمنو در ایالت «کداح» مطرح کرده که قرار است در نشست مجمع عمومی آمنو ارائه شود. شاخه جوانان حزب حاکم آمنو در ایالت کداح در این گزارش ادعا کرده است آموزه های شیعه تهدید است.





# آمریکا

دبیر: فرزاد فرهاد توسکی

## آمریکا با کمک ارتش پاکستان داعش را در افغانستان بوجود آورد

و رئیس جمهور جمهوری خواه روی کار آید باید سالها منتظر باشند تا به قدرت برسند. برای جلوگیری از این اتفاق باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در حال انتقال داعش از سوی خاورمیانه به سمت افغانستان است. انگلیس و آمریکا جنگ نیابتی را در افغانستان شروع کرده اند. در زمان جنگ افغانستان وقتی انگلیسیها نیروهایشان در «موسی قلعه» بودند با طالبان موافقت می کنند که با هم درگیری نداشته باشند. انگلیسیها در افغانستان از ذخائر اورانیوم بهره برداری کرده و به انگلیس صادر می کنند، بعدا نیروهای آمریکایی متوجه می شوند که انگلیسیها با طالبان درگیر نمی شوند و آمریکاییها دوباره کنترل آن مناطق را بدست می گیرند.

داعش وسیله ای برای مشغول کردن افکار داخلی آمریکا است، یک فرد آمریکایی اطلاع کاملی از مسایل منطقه ندارد و وقتی خبری در مورد حمله و ریشه کنی تروریسم در آمریکا به او می رسد فکر او را مشغول می کند و به سمت آن خبر گرایش پیدا می کند. اوباما از داعش برای مقابله با رشد اقتصادی چین همچنین مبارزه با روسیه از طریق مستقر کردن داعش در افغانستان و کاهش نیروهای روسیه در مرز اوکراین و معطوف کردن نیروهای روسیه بسوی مرز افغانستان استفاده می کند و از طرفی خوراکی برای مشغول کردن افکار داخلی آمریکا فراهم می کند تا بتواند انتخابات آتی ریاست جمهوری در آمریکا را به نفع دمکراتها رقم زند.

«یمن الظواهری» و در پاکستان رهبری آن را «مولانا مسعود اظهر» به عهده دارد و در کشورهای مالزی و اندونزی و سنگاپور نیز رهبرانی دارند. سومی «سلفی تکفیری» است و داعش از نوع سلفی تکفیری است که رهبری آن را در عراق و سوریه «ابوبکر البغدادی» به عهده دارد. این سلفی تکفیری از جهتی برای جمهوری اسلامی ایران خطر بزرگی محسوب می شود که دشمنان خود را تقسیم بندی کرده است دشمنان دور مانند آمریکا و کشورهای اروپایی، دنیای کفر و اسرائیل و دشمنان نزدیک برخی حاکمان کشورهای اسلامی که احکام اسلامی را اجرا نمی کنند.

جمهوری اسلامی ایران اینگونه تفکر را نمی پذیرد اما ایران می تواند با گروه طالبان کنار بیاید. گروه طالبان تفکرات «دیوبندی» دارد. در تفکر دیوبندی شیعه را کافر نمی دانند. جهاد را تا این حد گسترش ندادند که اگر مسلمانی هم خلاف ما فکر کرد آن مسلمان هم جزو کفار باشد. در تفکر دیوبندی شیعه به عنوان یک فرقه مذهبی شناخته شده است. مشکل اصلی تفکر تکفیری و داعش است که جمهوری اسلامی ایران باید به خطر داعش در منطقه توجه زیادی داشته باشد.

سلیمان زارع: برای بررسی رویکرد داعش در افغانستان باید از سویی باید مسایل داخلی آمریکا را مورد بررسی قرار داد. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است اگر دمکراتها در انتخابات با شکست مواجه شوند در حالیکه مجلس سنا را نیز از دست داده اند

کارشناسان مسائل شبه قاره معتقدند آمریکا در صدد است با کمک ارتش پاکستان داعش را در افغانستان بوجود آورد.

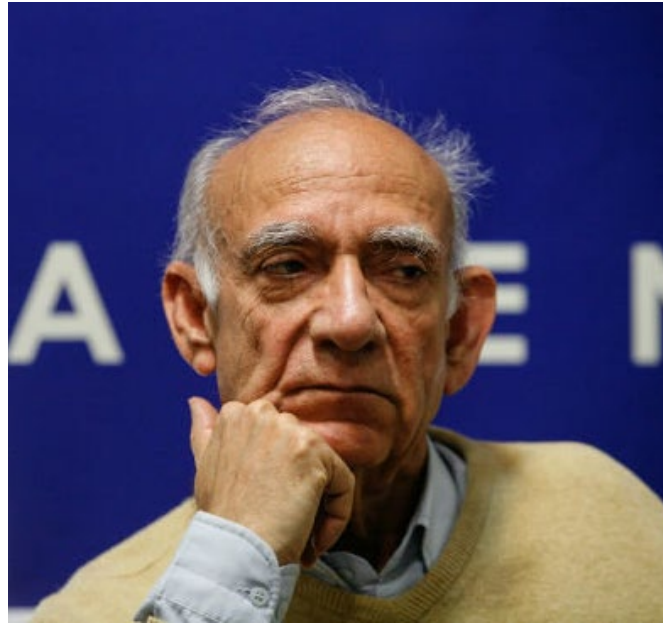
در نشستی که در خبرگزاری مهر با حضور «پیرمحمد ملازهی»، «سلیمان زارع» و «شیر علی شهباز»، کارشناسان مسائل شبه قاره برگزار شد، مسائل منطقه و شبه قاره از جمله «روابط سه کشور هند - پاکستان - افغانستان»، «بررسی روند مذاکرات صلح افغانستان»، «روابط طالبان افغانستان و پاکستان»، «خط لوله صلح و خط لوله تاپی»، «تنش های هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و رو به بود رفتن روابط دو کشور» و همچنین «روابط هند و پاکستان با کشورهای آمریکا و روسیه و چین» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم این نشست «شکل گیری داعش در افغانستان»، «رقابت ارتش بادولت در پاکستان»، «خطیب افراطی لال مسجد پاکستان» و «خط لوله صلح ایران، پاکستان و هند» مورد نقد و بررسی قرار می گیرد که در ذیل به ترتیب به آنها می پردازیم.

**|| باتوجه به حضور داعش در افغانستان، این امر چه تبعاتی برای منطقه خواهد داشت؟**  
ملازهی: آن چیزی که در ظاهر وجود دارد اینست که ارتش پاکستان در حال سرمایه گذاری بر روی داعش در افغانستان است یعنی برخلاف آن چیزی که همه تصور دارند که داعش با ارتش پاکستان درگیر خواهد شد. در یک چهار چوب و نگاه ژرف تری آمریکا بر این باور است که در منطقه باید تجزیه قومی و مذهبی انجام شود عراق و سوریه هر یک به سه قسمت تجزیه شوند و بارزانی نیز جدیداً اعلام کرد ما باید برای استقلال کردستان عراق رفراندوم برگزار کنیم. اگر این اتفاق صورت گیرد یک کشور سنی نشین، یک کشور شیعه نشین از بغداد به پایین تا بصره و از آن طرف نیر یک کشور کرد نشین در داخل عراق و سوریه بوجود خواهد آمد. داعش در ولایت ننگرها رادیو خلافت راه اندازی کرده است اما برخی معتقدند که شاید این رادیو در پایگاه آمریکا راه اندازی شده است. در سیاستهای آمریکا از سویی می توان با دعش مبارزه کرد و از سویی دیگر با این گروه همکاری کرد و

این بستگی به منافع آمریکا در منطقه دارد. بنابراین در افغانستان تمام تشکیلات امنیتی کشورهای جهان و منطقه دخالت دارند. آژانسهای امنیتی کشورهای آمریکا، پاکستان، چین، روسیه، عربستان سعودی، قطر و ترکیه در افغانستان حضور دارند هر یک از این کشورها اهداف خاص خود را در منطقه دنبال می کنند. هند و پاکستان با هم مشکل سیاسی و منطقه ای دارند و به نوعی در جنگ نیابتی در افغانستان شرکت دارند. داعش در افغانستان به این فکر می کند که نیروهایی که در این کشور وجود دارند در شکل گیری داعش در افغانستان با آنها مبارزه می کنند یا نقشی تسهیل کننده دارند. اگر ما قبول داشته باشیم که گروه تروریستی داعش از لحاظ تفکر سلفی است و ۳ شاخه سلفیت شناخته شده می باشد یکی «سلفی اخوانی» که خواهان به قدرت رسیدن از طریق سازو کارهای دمکراتیک و انتخاباتی است که در مصر در پارلمان این کشور حضور دارند. دومی «سلفیت جهادی» است که «القاعده» در راس آن قرار داشت که رهبران و فرماندهان آن یکی «اسامه بن لادن» که کشته شد و دیگری







**|| باتوجه به تحولات پاکستان و سفر «راحیل شریف» فرمانده ارتش به آمریکا و عربستان سعودی آیا بین ارتش و دولت نواز شریف اختلافات عمده ای وجود دارد؟ آیا احتمال دارد در پاکستان ارتش کودتا کند؟**

ملازهی: در حال حاضر «راحیل شریف» فرمانده ارتش پاکستان را به عنوان ناجی برای پاکستان و افغانستان و ناجی برای خیلی از جریاناتی که در منطقه اتفاق افتاده است مطرح می کنند. ائتلاف ضد تروریسمی را که «محمد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان و جانشین ولیعهد عربستان سعودی مطرح کرد که در آن ۳۴ کشور اسلامی شرکت خواهند داشت. در پاکستان سخنان ضد و نقیضی درباره عضویت اسلام آباد در ائتلاف سعودی وجود دارد، «سرتاج عزیز» مشاور امور خارجه نخست وزیر پاکستان اعلام می کند ما متحد سیاسی عربستان سعودی هستیم اما متحد نظامی نیستیم. سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلام می کند که ما درباره این ائتلاف سعودی موافقت کردیم و همگی این اختلافات بخاطر اینست که دوگانگی قدرت در پاکستان وجود دارد. تفکرات بخش نظامی و سیاسی با هم فرق دارد. بخش نظامی بدون شک وابسته به آمریکاست. اما نواز شریف نسبت به گذشته تجربه بیشتری دارد، سعی می کند با ارتش تعامل برقرار کند و به خط قرمز ارتش آشنایی کامل دارد. تا هنگامی که نواز شریف از خط قرمز ارتش عبور نکند ارتش با وی کاری نخواهد داشت. ارتش در حال برنامه ریزی برای روی کار آوردن «عمران خان» رهبر حزب عدالت است. حزب مردم با انجام تظاهرات اعتراض آمیز در پاکستان با سیاستهای «نواز شریف» مخالفت خود را نشان می دهند.

«محمد طاهر قادری» رئیس منہاج القرآن پاکستان و «عمران خان» تصمیم دارند با زور دولت را از پای در آورند و پایگاههای دولت و وزارتخانه ها را به زور تسخیر کنند. ۳ ماه در اسلام آباد تجمع اعتراض آمیز و تظاهرات انجام دادند، ارتش پاکستان را نگه داشته است و آمریکا به این امر آگاه است که اگر ارتش در پاکستان ضعیف شود پاکستان با وجود این همه عناصر تروریستی تبدیل به منطقه ای نا امن خواهد شد. ۲ میلیون طالبه جوان اهل سنت در مدارس مذهبی پاکستان تحت سرپرستی دو حزب «ملا فضل الله» و «سمیع الحق» هستند و این دو پدر خواندگان طالبان و هر نوع تفکر رادیکال در منطقه هستند. با وجود این این تعداد نیرو در پاکستان می توان آنرا بر علیه دولت و هر تفکری در پاکستان به استفاده کرد. فرقه گرایي در پاکستان به اوج خود رسیده و هر روز تعدادی در کوپته

مدرسه دینی دیگر در پاکستان وجود دارد که تحت سرپرستی احزاب دینی در کشور است. احزاب دیگر اسلامی در پاکستان مولانا عبدالعزیز را قبول ندارند چون سایر احزاب دینی در پاکستان معتقدند که عبدالعزیز با «آی اس آی» پاکستان ارتباط داشته است.

مولانا عبدالعزیز آمادگی پیوستن به داعش را دارد. اولین امیر و رهبر که برای طالبان خراسان تعیین شد ملیتی پاکستانی داشت. رهبر این گروه پشتو زبان پاکستانی و معاونش پشتو زبان افغان است. پیوستن بخش های از طالبان به داعش روشن و مبرهن است. ارتش پاکستان تحت فشار آمریکا به طالبان و تروریستها در مرز بین افغانستان و پاکستان حمله کرده است. ارتش توانسته است بطور کامل وزیرستان پاکستان را به تصرف خود در آورد و ارتش پاکستان از قدرت نظامی کافی برخوردار است.

**|| باتوجه به برداشته شدن تحریمهای بین المللی ایران آیا پروژه خط لوله صلح بین ایران، پاکستان و هند نهایی خواهد شد؟**

ملازهی: خط لوله گاز تاپی از مناطقی عبور می کند که غیر از منطقه هرات بقیه مناطق در اختیار طالبان است. این خط لوله از شهرهای هرات، فراه، هلمند، قندهار و به ایالت بلوچستان در پاکستان منتهی می شود. دو امکان برای عملیاتی شدن این خط لوله گازی وجود دارد از سویی اگر طالبان در منطقه پشتون نشین بخواهد به قدرت برسد باید این گروه از لحاظ مالی تامین شود. این خط لوله می تواند ۴۰۰ یا ۵۰۰ میلیون دلار خط ترانزیت بوجود آورد و از طرفی ۹۰ درصد تریاک منطقه در هلمند افغانستان کاشت می شود و این منبع درآمد دولتی خواهد بود که در آینده دور امکان دارد در این منطقه پشتون نشین به قدرت برسد. در این صورت منابع مهم مالی مطمئنی برای این منطقه بوجود خواهد آمد. حزب حکمت یار قول داده امنیت این منطقه را فراهم کند و این در صورتی است که با طالبان مذاکرات لازم به عمل آمده است.

سلیمان زارع: با برداشته شدن تحریم های ایران از سوی قدرتهای جهانی و باز شدن سوئیفت و برقرار شدن تجارت الکترونیک ایران با جهان، هند بدهی نفتی خود را به ایران پس داده است و اگر هند به آمریکا نزدیک شود، آمریکا ناگزیر است دستور دهد خط لوله صلح برقرار شود. رشد اقتصاد هند نیاز به انرژی خواهد داشت و کمبود انرژی در هند با نهایی شدن خط لوله «تاپی» و واردات گاز از قطر و راه اندازی نیروگاههای اتمی و گازی راجستان هند با وجود اینها نیاز به انرژی در این کشور تامین خواهد شد و هند برای اشد اقتصادی به انرژی بیشتری نیاز دارد.

**«لال مسجد» اسلام آباد از دولت نواز شریف خواست که به وی اجازه اجرای «شریعت اسلامی» در پاکستان داده شود و از دولت مطالباتی دیگری داشت آیا دولت پاکستان به وی چنین اجازه ای خواهد داد؟**

ملازهی: لال مسجد بخش تبلیغات سازمان اطلاعات امنیت پاکستان «آی اس آی» است اما در مقطعی تضاد منافی بین این دو بوجود آمد. مولانا عبدالعزیز و برادرش به آمدن آرایشگرهای زن خارجی به پاکستان و حضور آنها در جامعه اسلامی پاکستان اعتراض داشتند. طلبه های زن «حفصه» در اسلام آباد اطلاعاتی در مورد این آرایشگران زن خارجی جمع آوری کردند. مولانا عبدالعزیز که یک روحانی با تعصبات مذهبی است و وقتی از حضور این زنان آرایشگر و اعمال و افعال آنها در پاکستان آگاه شد دستور جمع آوری آنها را صادر کرد. ارتش در مقابل این عمل پافشاری می کند اما مولانا عبدالعزیز به افراشد دستور می دهد این زنان را جمع آوری کنند و مشروب فروشیهای اطراف آن منطقه را نیز از بین ببرند. در دوره «پرویز مشرف» رئیس جمهور و فرمانده اسبق ارتش پاکستان مجبور می شود که طلبه هایی که در لال مسجد تحصن کرده اند را از بین ببرد و با انجام عملیات مدیریت آنرا بهم زد. طلبه های دختر لال مسجد تا آخرین نفس جنگیدند و در عملیات ارتش علیه طلبه ها نزدیک ۱۰۰ دختر کشته شد. تفکر رادیکال در پاکستان مورد حمایت ارتش پاکستان است تا بتواند آنها را در کشمیر بر علیه هند و در افغانستان آنها را بر علیه دولت افغانستان و در ایالت بلوچستان پاکستان بر علیه نهضت جدایی طلب بلوچ بکار گیرد.

نقش مولانا عبدالعزیز پایین تر از مولانا فضل الرحمن و سمیع الحق است. لال مسجد فقط یک مدرسه است و ۲۰ هزار

پاکستان کشته می شوند. هدف اصلی از فشار آوردن آمریکا به ارتش پاکستان در حمله به وزیرستان در اصل این بود که نیروهای چچن، ازبک و ایغور را به دره «فرقانه» برای هدف آینده آمریکا هدایت کنند. حمله ارتش پاکستان باعث شد که داعش در افغانستان بوجود آید. داعسی که در خاورمیانه بود موفق شود شعبه خلافت خود را در منطقه شرقی و خراسان بزرگ بوجود آورد. داعش هم به این واقیعت آگاه است که احتمال دارد تحت فشار روسیه و کشورهای غربی طرح خلافت در خاورمیانه با شکست روبرو شود. افغانستان از لحاظ جغرافیایی مستعد است چون افغانستان کوهستانی است اما عراق و سوریه دشت و بیابان است و هوایمهای نظامی می توانند براحتی مواضع آنها را بمباران کنند و نیروهای پیاده نظام می توانند خلافت آنها را در منطقه خاورمیانه از بین ببرند. داعش با توجه به هرج و مرج در عراق و سوریه توانستند به قدرت برسند اما با بازسازی ارتش عراق و سوریه می توانند داعش را از بین ببرند. با توجه به کوهستانی بودن افغانستان گروههای چریکی در کوهها پناه می گیرند. وقتی ارتش افغانستان به مواضع تروریستها حمله می کند تروریستها پراکنده می شوند و در کوهها موضع می گیرند.

ارتش پاکستان به طور کامل منطقه «سوات» پاکستان را به تصرف خود در آورد. ارتش وقتی دید در جنگ چریکی صدمات جبران ناپذیری را متحمل می شود از منطقه عقب نشینی کرد. منطقه «سوات» پاکستان یک نوع خلافت اسلامی محسوب می شود. در منطقه شورای محلی فردی را به عنوان متهم محاکمه و شلاق می زنند.

**|| «مولانا عبدالعزیز» خطیب افراطی**

## برنامه نهایی آمریکا در سوریه چیست؟ پایان مصرف مزدوران نیابتی / پدرخوانده تروریسم رأسا ورود می کند؟

محمد قادری



## افشاگری مقام سابق سیا/ ائتلاف علیه داعش تبلیغاتی است

یک مقام و عضو ارشد سازمان سیا می گوید آمریکایی و متحدانش در عملیات های نظامی خود علیه داعش چندان جدی نیستند. پل پیلار یکی از مقامات سابق سازمان جاسوسی آمریکا، سیا گفت: آمریکا و متحدانش چندان برای حمله نظامی علیه داعش تمایل ندارند. وی با اشاره به ادعاهای مقامات این کشور در حملات علیه داعش فاش کرد: بر اساس شواهد موجود به نظر می رسد حملات آمریکا و نیروهای ائتلاف چندان برای نابودی داعش صورت نمی گیرد.

این مقام سابق سیا افزود: در حالی که آمریکا هر روز آمارهای بسیاری از حملات خود علیه داعش منتشر می کند، باید گفت چنین حملاتی هیچ وقت به نابودی تروریست ها در سوریه و عراق منجر نخواهد شد.

وی خاطر نشان کرد: در بسیاری از صحنه های جنگ علیه داعش ثابت شده است که کشورهای اروپایی در نیروهای ائتلاف عملاً هیچ اشتیاقی برای نابودی داعش ندارند و بیشتر عملیات ها از سوی این کشورها نمایشی است.

وی گفت متحدان آمریکا در خاورمیانه مثل عربستان و ترکیه نیز هدفهای خودشان را دنبال می کنند. عربستان مردم یمن را بمباران می کند و ترکیه نیز کردهای شمال عراق را هدف قرار می دهد. قطر و امارات هم در لیبی به جای داعش به دنبال منافع خود هستند.

پیلار به این مسئله نیز اشاره کرد که رهبری نیروهای ائتلاف برای آمریکا بیشتر تبلیغاتی است و هیچ عملیات جدی علیه داعش صورت نمی گیرد.

نظام سلطه اگرچه در حال حاضر به بسیاری از اهداف حداقلی خود رسیده اما چنانچه پیش بینی میکرد نتوانسته به سقف اهداف خود مانند تسلیم نیروهای انقلابی منطقه، تضمین ابدی امنیت اسرائیل و... دست یازد. ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی که «محمد بوغیزی» شهروند تونس با خودسوزی در اعتراض به فساد حاکم در این کشور نقش کبریتی را بازی کرد که انبار بزرگ باروت ملت های تحقیر شده عرب را شعله ور ساخت، شاید کمتر کسی اوضاع و احوال منطقه شمال آفریقا و غرب و جنوب غربی آسیا را آنچنان که امروز هست، پیش بینی می کرد.

خودسوزی این شهروند تونس در ابتدا اگرچه ماهیت استبدادی و خودباختگی حاکم دیکتاتور و دست نشانده عرب را نشانه گرفت و به انقلاب هایی دومینو وار منجر شد، اما دلایل زیادی از میانه راه بر اصل ماجرا تاثیر گذاشته و مسیر اصلی را منحرف ساختند.

در آن روزها که تازه ۲ سال از حکومت دوباره دموکرات ها بر کاخ سفید می گذشت، دومینوی انقلاب های عربی همچون موربان ای بود که تمام تار و پود سناریوی «باراک اوباما» مبنی بر طراحی یک خاورمیانه جدید را تهدید می کرد، سناریویی که هم قرار بود امنیت رژیم جعلی اسرائیل را به شکلی بلند مدت و راهبردی تامین کند و هم نظام های معارض با وضعیت موجود نظام بین الملل را به مرور در خود هضم کند. این بار اما؛ دموکرات های آمریکایی در تله «الزام بر اجرای یک راهبرد واحد» نیفتاده و بلافاصله با تدوین سناریوهای مختلف سعی کردند سوار بر موج اتفاقات شوند.

بر همین اساس؛ در هر محدوده جغرافیایی نسخه ای متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی مربوطه پیاده کرده و فرمان تحولات را به دست گرفتند. آنچه در تونس، لیبی، مصر، بحرین و یمن اتفاق افتاد به روشنی این مسئله را نشان می دهد. در این میان اما؛ نیاز مبرمی احساس می شد به نابودی منشأ الهام بخشی که روشنگرانه نطفه بیداری را کاشته و به مرور آن را بارور می کرد.

این منشأ جایی نبود جز جمهوری اسلامی ایران که با راهبری جبهه مقاومت و تبیین اصول آزادگی و استقلال مبتنی بر عزت، فطرت جوانان جهان عرب را بیدار کرده بود، مسئله ای که بارها نمود بیرونی اش همه را متحیر ساخت، از ایستادگی ملت ایران در اوج تحریم ها گرفته، تا پیروزی های پی در پی رزمندگان مقاومت در برابر رژیم تا بن دندان مسلح صهیونیستی. لذا تصمیم بر آن شد تا به لنگرگاه این جبهه آسیب جدی وارد شده و توان جبهه مقاومت معطوف به آن شود، پس در اتاق فکر نظام سلطه، نظام سوریه و شخص «بشار اسد» به عنوان هدف میانی و تجزیه کامل غرب آسیا به عنوان هدف غایی در نظر گرفته شد.

سناریوی مذکور اینگونه کلید خورد که در ابتدا به کمک پیاده نظام رسانه ای غرب، حقیقت نظام مردم سالار حاکم در سوریه به دروغ در عداد دیکتاتوری های ضد مردمی جلوه داده شد تا هرگونه اقدامی علیه آن، نزد افکار عمومی دنیا پذیرش پیدا کند. گام دوم اما تولد گروه های

تروریستی - تکفیری به عنوان معارضین سوریه بود که عملاً به نیابت از غرب به مبارزه با امت اسلام و محور مقاومت قد علم کردند و...

در این رابطه؛ بازبگرن و مزدوران منطقه ای مامور پشتیبانی مالی، تسلیحاتی و لجستیکی گروه های تروریستی شدند تا از این رهگذر با خوش خدمتی به غرب، اولاً حکومت های خود را تضمین کرده و ثانیاً جلوی گسترش ندای روشنگرانه اسلام ناب را در داخل مرزهای بگیرند. همه این نقشه ها اما؛ چون بر یک سلسله اشتباهات محاسباتی استوار و برنامه ریزی شده بود عملاً به دیوار محکمی به نام «مقاومت» برخوردند.

به عبارت دیگر؛ نظام سلطه اگرچه در حال حاضر به بسیاری از اهداف حداقلی خود از جمله انحراف انقلاب های عربی، ریخته شدن خون هزاران مسلمان منطقه به دست یکدیگر، عقب افتادگی وسیع جهان اسلام به دلیل تخریب شدید زیرساخت ها، تثبیت مقطعی نظام های عربی وابسته به خود، تمیق تفرقه و جنگ مذهبی و... رسیده است اما چنانچه پیش بینی می کرد نتوانسته به اهداف حداکثری خود مانند تسلیم نظام ها و نیروهای انقلابی منطقه، تضمین ابدی امنیت اسرائیل، فروپاشی محور مقاومت و تجزیه نهایی منطقه دست پیدا کند.

طی ماه های اخیر نیز به دلیل هماهنگی نیروهای ائتلاف چهارگانه ایران، روسیه، عراق و سوریه، شکست های پی در پی و عمیقی متوجه تروریست ها و یازوان غرب در منطقه شده و به همین دلیل است که این روزها آمریکا به عنوان پدرخوانده تروریست ها اگرچه از یک سو بر طبل مذاکرات صلح سوریه می کوبد اما مطابق نشانه های بسیار و حتی اعتراف عنصر خودفروخته ای چون «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی، مشوق اصلی حضور زمینی نیروهای ائتلاف دروغین ضد داعش به ویژه عربستان و ترکیه در سوریه است.

این تکاپوی آمریکایی ها بی تردید نشان از عمق ضعف راهبردی آنها در پیاده سازی منویات خود در منطقه و ترس از دست رفتن تمام آرزوهایشان دارد، مسئله ای که نشان می دهد تاریخ مصرف مزدوران تروریست نیابتی به دلیل عدم کارآمدی تمام شده و شاید مستاجرین کاخ سفید را مجاب به حضور فیزیکی در سوریه در لگوی نیروهای ترکیه و سعودی کند، خطی که اگرچه آتش بحران در منطقه را شعله ور خواهد ساخت اما قطعاً پایانی خوش برای نظام سلطه به ویژه آمریکاییها نخواهد داشت.



## آمریکا به دنبال سوق دادن داعش از خاورمیانه به افغانستان است

علی کاوسی نژاد



آمریکا قصد دارد در صورت خارج شدن از افغانستان جانشینی را برای خود انتخاب نماید و «داعش» گزینه ای است که می تواند این نقش را به خوبی ایفا کند. آمریکا با توجه به شکستی که در افغانستان با آن مواجه شده است قصد خروج از این منطقه را دارد اما با توجه به اینکه هنوز جانشین و نایب خوبی برای خود در افغانستان پیدا نکرده است با فشار صهیونیسم جهانی نیروهای خود را از این کشور بیرون نبرده است. آمریکا در افغانستان نه تنها از نظر نظامی شکست خورده است بلکه از لحاظ مالی متحمل زیان جبران ناپذیری شده است. باید این واقعیت را دانست که بعد از خروج آمریکا از افغانستان، طالبان تنها قدرتی است که می تواند خلا حضور آمریکا را در این کشور پر کند.

از سوی دیگر چین در حال نفوذ به منطقه شبه قاره است و قصد دارد با پاکستان کریدور اقتصادی را راه اندازی کند این کریدور اقتصادی از شهر «کاشغر» در چین شروع شده و به بندر «گوادر» پاکستان منتهی خواهد شد و بدین صورت پکن خواهد توانست از طریق پاکستان تولیدات خود را به کشورهای آسیای میانه صادر کند. سه دور از نشستهای مقدماتی مذاکرات صلح افغانستان در اسلام آباد و کابل با حضور کشورهای افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین برگزار شده است و قرار است چهارمین دور این مذاکرات ۲۳ فوریه در کابل برگزار شود. چین عضو جدیدی از مذاکرات صلح افغانستان محسوب می شود چون برای ایجاد تامین امنیت کریدور اقتصادی چین و پاکستان باید امنیتی پایدار در منطقه با کمک طالبان بوجود آید و چین دست به دامن پاکستان و افغانستان شده است تا بتواند نفوذ خود را در منطقه بیش از پیش افزایش دهد.

نگاهی دقیق و واقع گرایانه به مسایل افغانستان نشان می دهد که آمریکا به راحتی نیروهای خود را از این کشور خارج نخواهد کرد و از سویی دیگر آمریکا قصد دارد به کمک ارتش پاکستان «داعش» را از خاورمیانه و کشورهای عربی به افغانستان منطقه کند چون افغانستان از لحاظ سوق الجیشی دارای شرایط بسیار مناسبی برای رشد و گسترش این غده سرطانی است. داعش تنها گزینه ای

می سازد که روسیه خواهان افزایش قدرت طالبان در منطقه است، روسیه ای که زمانی در شکل جماهیر شوروی سابق از طالبان شکست خورد و از منطقه پای به فرار گذاشت اکنون در یک قدمی دوستی با طالبان است تا بتواند جلوی نفوذ بیشتر آمریکا و داعش را در منطقه بگیرد. این نکته خود نیز قابل تامل است که اگر داعش در منطقه قدرت بگیرد می تواند مرزهای جمهوری اسلامی ایران را نیز با تهدیدی جدی مواجه کند و بر ماست که با اندیشیدن تدابیری از نفوذ داعش در افغانستان جلوگیری به عمل آوریم و مرزهای خود را از لوٹ تکفیریها و افراطیون داعشی محفوظ داریم.

آمریکا در زمان حمله به افغانستان خواست چین و روسیه را با خود همراه ساخته به طالبان حمله کند اما چین و روسیه حاضر به دخالت در اوضاع افغانستان نشدند. روسیه که زخم خورده طالبان افغانستان بود پا به عرصه خنک با این گروه نگذاشت چون روسیه از لحاظ ژئوپولیتیک به این مسئله آگاه بود که افغانستان برای آمریکا باتلاقی خواهد بود که به آسانی نخواهد توانست از آن بیرون بیاید. از سویی آمریکا برای بدست آوردن نفت به عراق حمله برد و به بهانه تولید سلاحهایی شیمیایی توسط صدام حسین این کشور را دچار بحرانی کرد که از بطن این جنگ خانمان سوز فرزند ناجایز اش «داعش» بوجود آمد که علاوه بر عراق، کشور سوریه را به سمت جنگی داخلی سوق داد و قدرتهای منطقه ای سوریه را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند. عربستان سعودی که خود از حامیان داعش در منطقه محسوب می شود به همراه «هلند» به ائتلاف آمریکایی ضد داعش پیوسته اند و مواضع به اصطلاح داعش را در عراق و سوریه مورد حملات هوایی خود قرار می دهند و این خود با هدف واقعی سعودیها در منطقه تضاد زیادی دارد.

علاوه بر این «آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا» همراه با سازمان سیا در کشورهای مختلف جهان افراد خود را برای جاسوسی به سفارت خانه های کشورهای دیگر می فرستد و از کشورهای مورد نظر خود اطلاعات بدست می آورد. این آژانس تحت نظر پنتاگون آمریکا کار می کند و تمام احکام ماموریتی این افراد از سوی پنتاگون صادر می شود. بیش از ۲۰۰۰ نفر از افراد این آژانس در کشورهای جهان عملیات جاسوسی انجام می دهند، سازمان سیا آموزش جاسوسی و اطلاعاتی را برای این افراد فراهم می آورد و آنها می توانند به راحتی از کشورهای مورد هدف خود اطلاعات خوبی بدست آورند. حیطه اختیارات عملیاتی آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا به مراتب کمتر از سازمان سیا است ولی این آژانس می تواند اطلاعاتی را در اختیار وزارت دفاع آمریکا قرار دهد که ارتش آمریکا بتواند در حمله خود به هر کشوری از آن اطلاعات استفاده لازم را ببرد. حملات هوایی که در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان انجام می شود در حقیقت با همکاری آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا و سازمان سیا انجام می شود.

آمریکا در صدد است که روسیه را وارد عرصه نبرد و زور آزمایی در منطقه خاورمیانه کند و خود از این مهلکه جان به سلامت برد ولی تا وقتی جانشینی مناسب برای خود نیابد از افغانستان خارج نخواهد شد. «داعش» گزینه مورد نظر آمریکاست و این کشور قصد دارد نیروهایی داعش را از خاورمیانه به سمت افغانستان سوق دهد، ارتش پاکستان نیز برای جلوگیری از نفوذ بیشتر هند در افغانستان درصد استقرار داعش در منطقه است. دولت اسلام آباد می خواهد طالبان پاکستان را پای میز مذاکره بیاورد و با آنها مصالحه کند اما ارتش پاکستان با توجه به برنامه مبارزه با نفوذ روز افزون هند در افغانستان طرحی دیگر را در منطقه دنبال می کند و قصد دارد طرح خود را با کمک آمریکا در منطقه پیاده سازی نماید.

است که آمریکا و صهیونیست جهانی به آن فکر می کند. آمریکا و چین در عرصه جهانی رقابتی اقتصادی و تجاری را شروع کرده اند و این رقابت در برخی موارد به عرصه رقابت نظامی و تسلیحاتی تبدیل شده است. چین در جیبوتی پایگاه هوایی راه اندازی کرده است و بدین ترتیب بر تنگه باب المندب نشسته است و از طرفی با راه اندازی کریدور اقتصادی خود با پاکستان به دریای عمان دسترسی پیدا می کند. در اینصورت سلطه هند بر اقیانوس هند و دریای عمان مورد خطر واقع شده است. روسیه نیز با تسط بر بندر «کریمه» و از طرفی نیز از طریق بندر «طرطوس» در سوریه به دریای مدیترانه دسترسی پیدا خواهد کرد. در میان می توان به نکته مهم و اساسی در حمله نیروهای هوایی روسیه به مواضع داعش و تروریستها در سوریه و نیز احداث پایگاه موشکی در این کشور به روشنی پی برد. روسیه موقعیت خود را در منطقه در خطر می بیند و تلاش دارد نه تنها در سوریه جایگاهی برای خود بدست آورد بلکه بتواند با بیرون رفتن نیروهای ناتو از افغانستان قدرت و حاکمیت خود را در منطقه افغانستان نیز به عرضه نمایش بگذارد. آمریکا قصد دارد از طریق گروه تروریستی داعش در منطقه دست به زور آزمایی بزند و چین، روسیه، پاکستان و ایران را از این طریق کنترل کند تا در عرصه قدرت بین الملل برای خود جایگاه مهمی بدست آورد. «داعش» اهرم فشار آمریکا در منطقه خاورمیانه، شبه قاره و آسیای میانه محسوب می شود و هر گاه نخواهد هر یک از قدرتهای منطقه ای را به زانو در آورد از این اهرم فشار بخوبی استفاده می کند.

روسیه در این میان برای خود تدابیری را در افغانستان اندیشه است و آن تجهیز نیروهای طالبان به رهبری «ملا اختر منصور» به سلاحهای پیشرفته و مدرن است تا طالبان بتواند کنترل منطقه را بخوبی در دست گیرد. خبرهای در رسانه ها گردش می کند که «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه در شهر «دوشنبه» با ملا اختر منصور رهبر طالبان یا هئیتی از طالبان افغانستان دیدار و گفتگو داشته است و این نکته را بر ما روشن